

ریشیایی رادیکالیسم دینی در نظام آموزش عالی

بررسی درگفتارهای نظام سیاسی اسلام و تاثیر آن بر دانشجوین

رامین کمانگر

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان



ریشه‌یابی رادیکالیسم دینی در نظام آموزش عالی
بررسی درسگفتارهای نظام سیاسی اسلام و تأثیر آن بر دانشجویان



رادیکالیسم ۵

۱۳۹۸ © انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان پژوهش‌کده‌ی مستقل است که در عقرب ۱۳۹۱ به هدف فراهم‌سازی زمینه‌ی علمی و آکادمیک برای ارزیابی موضوعات راهبردی افغانستان در سطح منطقه‌یی و بین‌المللی تأسیس شد. انستیتوت تلاش دارد از طریق انجام پژوهش‌های مستقل، ترجمه و انتشار کتاب‌ها و مقالات علمی، برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی، به رشد و بهبود دموکراسی، امنیت، صلح، حکومت‌داری خوب و سایر مسائل در جامعه کمک کند.

رفع مسوولیت

تحلیل ارائه‌شده در این پژوهش صرفاً نظر نویسنده است و دیدگاه انستیتوت را بازتاب نمی‌دهد.



ریشه‌یابی رادیکالیسم دینی در نظام آموزش عالی بررسی درسگفتارهای نظام سیاسی اسلام و تأثیر آن بر دانشجویان

رامین کمانگر

دستیار پژوهشگر: صفی‌الله طاها

شماره نشر: AISS-P-024-2019

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

تاریخ چاپ: ۱۳۹۸ کابل

نشانی: قلعه ۹ برج، کارته پروان، کابل افغانستان

شماره تماس: ۰۰۹۳۲۰۲۲۳۲۸۰۶ - ۰۰۹۳۷۹۹۸۴۰۱۶۱

ISBN 978-9936-8070-6-8



فهرست

پیشگفتار.....	ب
سپاسگزاری.....	ت
مقدمه.....	۱
روش‌شناسی.....	۳
رادیکال و رادیکالیسم.....	۶
شاخصه‌های رادیکالیسم دینی.....	۱۱
۱.خواست تغییرات بنیادی و فوری؛ حتا توأم با خشونت.....	۱۲
۲.کامل‌پنداری و کمال‌پنداری.....	۲۷
۳.این‌همانی و غیریت‌سازی.....	۳۶
۴.تبعیض فرهنگی؛ طرد یا حذف دیگری به عنوان غیر خودی.....	۴۰
نتیجه‌گیری.....	۵۱
ضمیمه ۱: جدول‌ها و نمودارها.....	۵۳
ضمیمه ۲: پرسشنامه.....	۱۱۶
منابع.....	۱۲۰

پیشگفتار

این رساله در مجموعه مطالعات افراط‌گرایی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان منتشر شده است. پژوهش‌های پیشین انستیتوت در ذیل مطالعات افراط‌گرایی عبارت اند از گرایش افراط‌گرایی در مدرسه‌ها (۱۳۹۴)، گرایش افراط‌گرایی در میان دانشجویان در دانشگاه‌ها (۱۳۹۴)، رسانه‌های اجتماعی و شکل‌گیری گرایش‌های افراطی (۱۳۹۴)، و گرایش افراط‌گرایی در صفوف نیروهای انتظامی (پولیس) افغانستان (۱۳۹۴).

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

سپاسگزاری

شایسته است از تمام کسانی که به صورت مستقیم و غیر مستقیم در انجام این پژوهش همکاری کرده‌اند، صادقانه سپاسگزاری نمایم. از دکتر داوود مرادیان، رئیس انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان، برای فراهم‌سازی زمینه‌ی انجام پژوهش؛ از دکتر عمر صدر، پژوهشگر ارشد انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان برای حضور شان در تمامی مراحل پژوهش؛ مشوره‌های شان و اینکه پژوهش را مرور کردند؛ از آقای صفی‌الله طاهار، دستیار پژوهشگر در تحقیق حاضر، برای همکاری در مراحل مختلف و حضور همیشگی و به موقع شان؛ از آقای هادی ایوبی و همکاران ساحه‌ای انستیتوت برای انجام کار میدانی پژوهش؛ از دوست متین‌ام شهیر سیرت برای مرور و ویرایش پژوهش، و حضور همیشگی شان؛ سپاسگزاری می‌نمایم. هم‌چنان از اساتید محترم دکتر علی اصغر داوودی، مدیر گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کابل، دکتر فرید احمد منیب، آمر دیپارتمنت کارشناسی ارشد مدیریت عامه‌ی دانشگاه دنیا، و آقای محمد محق، که نظرات رهنمودی خویش را در جریان مرور پژوهش ارائه کردند، صادقانه سپاسگزاری می‌نمایم. اگر پژوهش حسنی داشته باشد، بدون شک مدیون نظرات بزرگان و عزیزان نامبرده است. مسئولیت کاستی‌ها و عیب‌های پژوهش به عنوان تصمیم‌گیر نهایی و نویسنده‌ی اصلی پژوهش با من است.

رامین کمانگر

مقدمه

پژوهش حاضر به ریشه‌یابی رادیکالیسم دینی در نظام آموزش عالی افغانستان، از طریق بررسی رادیکالیزه‌شناسانه‌ی متون درسگفتارهای مضمون نظام سیاسی اسلام و تأثیر آن بر رادیکال شدن دانشجویان، می‌پردازد. «نظام سیاسی اسلام» به عنوان یکی از مضامین «ثقافت اسلامی»، بر اساس برنامه‌ی درسی «دانشگاه‌شمول» تدریس می‌گردد. از این رو می‌تواند نقطه‌ی مشترکی میان تمام عناصر نظام آموزش عالی کشور باشد. این پژوهش بر مبنای این نظر طرح‌ریزی شده است که پویایی و کارآیی یک کشور و مردم آن نتیجه‌ی وجود نهادهای مختلف - امنیتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی و دیگر خرده‌نهادهای - است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم با هم در برهم‌کنش اند. در دیالکتیک نهادی که شکل می‌گیرد، «آموزش و پرورش» نیز با دیگر نهادها وارد بده‌بستان می‌شود که طبیعی و مطلوب است. زیرا هم‌چنانی که نوع اندیشه بر زندگی اثر می‌گذارد، نوع زندگی نیز بر اندیشه تأثیر دارد. این اثرگذاری و اثرپذیری در سطح نهادها نیز وجود دارد. به این معنی که از یک طرف نهادهای اند که در راستای فعالیت‌های فکری تلاش دارند و بر نوع زندگی افراد جامعه تأثیر می‌گذارند، از طرف دیگر نهادهای اند که امور عملی زندگی را تنظیم می‌نمایند و بر نوع اندیشه‌ی افراد جامعه تأثیر می‌گذارند. در این تأثیر و تأثر گاهی معادله به نفع نهادهای دیگر، غیر از آموزش و پرورش، تغییر می‌کند. این زمانی است که دانش تبدیل به هدف نهایی برای هر امر و پدیده‌ای، از دین گرفته تا ایدئولوژی، جز خود آن، می‌شود. آموزش و پرورش در این مقام از اصالت خود فاصله گرفته و مبدل به ابزاری برای هم‌سازی دینی، فرهنگی و یا هم‌ایدئولوژیک می‌شود. برای رسیدن به هدف‌های کلان، نیاز است تا تمام نهادها به طور متمرکز و مستمر با همسویی کار کنند. اگر یکی از این نهادها دچار مشکل گردد، کارآیی خود را از دست دهد، و یا در راستای غیر از هدف‌های مشترک قرار گیرد، بر سایر نهادها تأثیر سوء می‌گذارد. اگر این تأثیر در کوتاه مدت آشکار نگردد، در درازمدت بدون شک خود را ظاهر خواهد ساخت. یکی از مهمترین این نهادها، «آموزش و پرورش» است که به نحوی بر همه‌ی نهادهای دیگر تأثیر می‌گذارد. طوری که این نهاد برای تمامی نهادهای اجتماعی دیگر منابع بشری را پرورش داده، فراهم می‌آورد. اگر افرادی که منحیث منابع بشری یا نیروی انسانی در این نهاد پرورش می‌یابند، از روحیه‌ی تلاش، زحمت‌کشی و پشت‌کار برخوردار باشند، و با باور بر کثرت‌گرایی تلاش و فعالیت کنند، جامعه سریع‌تر به پیشرفت و ترقی دست خواهد یافت. اگر بر عکس، نهادهای

آموزشی افراد جزم‌اندیش و رادیکال‌تربیه‌کنند، روند پیشرفت جامعه به مشکل برخورد و جامعه دچار درج‌زدگی می‌شود. با توجه به این تأثیر و اینکه امروزه یکی از مشکلات اصلی جامعه‌ی افغانستان رادیکالیسم دینی است، این تحقیق به ریشه‌یابی رادیکالیسم دینی در نظام آموزش عالی افغانستان می‌پردازد، که از این منظر، از اهمیت فراوانی برخوردار است.

برنامه‌ی ثقافت اسلامی به صورتی که امروز در دانشگاه‌ها تطبیق می‌شود محصول فیصله‌ی مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۱۸ کمیسیونی در وزارت تحصیلات عالی، تحت ریاست وزیر تحصیلات عالی آن وقت، است. فیصله چنین صراحت دارد: «تدریس پروگرام ثقافت اسلامی سر از سال تعلیمی ۱۳۸۶ در هفته یک ساعت درسی در تمام پوهنحی [پوهنخی]‌های پوهنتونها و مؤسسات تحصیلات عالی بعد از رفع مشکلات تخنیکی در چهار سال تحصیلی یعنی هشت سمستر تدریس روزانه و شبانه مورد تطبیق قرار داده شود» (saqafat.af). بررسی ادبیات موضوع نشان می‌دهد که به مسئله مورد نظر این پژوهش، تا حال بیشتر به صورت شفاهی و رسانه‌ای پرداخته شده است. طوری که گاهی شکایتی بلند شده و برای چند روزی باعث گفتگو در رسانه‌ها و در صورت بهترش نشر چند گزارش و مقاله شده است. البته پژوهش‌های در باب رادیکالیسم در دانشگاه‌ها و مدارس نیز از نشانی‌های مختلف - به ویژه انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان - صورت گرفته است. از این میان می‌توان به پژوهش سال ۲۰۱۴ انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان تحت عنوان «جریان رادیکالیسم در میان دانشجویان دانشگاه‌های افغانستان^۱» و پژوهش سال ۲۰۱۵ این انستیتوت تحت عنوان «جریان افراط‌گرایی در مدارس دینی غیررسمی افغانستان» اشاره نمود. در مورد مشخص مضمون نظام سیاسی اسلام در دانشگاه‌ها، پژوهش مستقلی و به معنای دقیق کلمه، در دست نیست. از نزدیک‌ترین کارهای که مرتبط به پژوهش حاضر انجام شده است، نشر کتابی زیر عنوان «جدال ثقافت در غربت اندیشه و غوغای افراطیت» است. این کتاب به کوشش «فرهاد سجودی»، توسط «انتشارات سعید» در سال ۱۳۹۵ در کابل به چاپ رسیده است. کتاب به نظریات موافق و مخالف مباحث مطرح شده توسط «عبدالحفیظ منصور» در باب مضامین ثقافت اسلامی در تالار مجلس نمایندگان در سال ۱۳۹۵ می‌پردازد. بخشی از کتاب - صفحات ۱۸ تا ۲۴ - که در واقع صبحت آقای منصور در مجلس نمایندگان است، اشاره‌های به محتویات مضمون نظام سیاسی اسلام دارد. کتاب مذکور مجموعه‌ی از سخنرانی‌ها، گفتگوها، مقالات روزنامه‌ای و نوشته‌های فیسبوکی است تا پژوهش علمی.

^۱ Trends in Student Radicalization across University Campuses in Afghanistan

روش‌شناسی

پژوهش حاضر در دو بخش به بررسی رادیکالیزه‌شناسانه‌ی متون درسگفتارهای مضمون نظام سیاسی اسلام و تأثیر آن بر دانشجویان می‌پردازد. مضمون نظام سیاسی اسلام یکی از مضامین هشت‌گانه‌ی «ثقافت اسلامی» است که مطابق برنامه‌ی درسی دانشگاهی کشور «دانشگاه شمول» خوانده شده و تدریس آن برای تمامی رشته‌های دانشگاهی، منهای شریعیات، در سمسترهای پنجم، در نظر گرفته شده است. مضامین دیگر ثقافت اسلامی عبارت از «نظام اخلاقی اسلام»، «نظام اجتماعی اسلام»، «نظام اقتصادی اسلام»، «جهان‌بینی اسلامی»، «عبادات و حکمت‌های آن»، «قرآن و علوم معاصر» و «تمدن اسلامی» است.

پژوهش حاضر به دو پرسش در زمینه‌ی مورد بحث - محتوای مضمون نظام سیاسی اسلام و تأثیر آن بر دانشجویان - می‌پردازد:

- آیا مطالب و آموزه‌های مندرج در درسگفتارهای «نظام سیاسی اسلام» حامل رادیکالیسم دینی است؟
- آیا فراگیری این آموزه‌ها می‌تواند از عوامل رادیکالیزه شدن دانشجویان باشد؟

این پژوهش در قدم نخست - بخش اول - تلاش دارد برای باز شدن بستر مسئله اصلی به مفاهیمی چون رادیکال و رادیکالیسم بپردازد و بر اساس آن به شاخصه‌های رادیکالیسم دینی دست یابد. بعد از آن - بخش دوم پژوهش - با استفاده از روش اسنادی به تحلیل رادیکالیزه‌شناسانه محتوای متون سه کتاب «نظام سیاسی اسلام» که در سه ولایت کشور - کابل، هرات و ننگرهار - به عنوان منبع درسی در دانشگاه‌ها استفاده می‌شود، می‌پردازد. هر چند برنامه‌ی درسی واحدی برای مضامین ثقافت اسلامی وجود دارد ولی درسگفتارهای مورد استفاده در دانشگاه‌ها متفاوت اند. از این رو بر اساس گستره‌ی پژوهش، و مطابق برنامه‌ی درسی، سه درسگفتار برای تحلیل انتخاب شده است. از کابل کتاب «مبشر مسلمیار» که در حال حاضر استاد دانشگاه کابل است و به تدریس این مضمون می‌پردازد؛ از هرات کتاب «پوهنوال عبدالمجید صمیم» که به عنوان کتاب درسی چاپ گردیده؛ و از ننگرهار کتاب «محمد شریف رحمانی» انتخاب شده است. شمار کتاب‌های که به عنوان منبع یا درسگفتار در دانشگاه‌ها انتخاب می‌شوند زیاد است، ولی همه‌ی آن کتب و درسگفتارها به طور عموم، بر اساس برنامه‌ی درسی،

به مباحث مشابهی می پردازند. در این پژوهش به دلیلی این کتاب‌ها انتخاب شده است که نویسنده‌های آن‌ها از کادرهای دانشگاه‌های دولتی بوده و اند. از این میان با «مبشر مسلمیار» مصاحبه‌ی نیز صورت گرفته است.

در بخش دوم از روش تحلیل محتوا به مفهوم متعارف آن - پژوهشی که یکی از ویژگی‌های آن کمی بودن است - استفاده نشده است. در این‌جا از روش تحلیل محتوای کیفی به نحو خاصی استفاده شده است. آن‌جا که در تلاش تفسیر محتوای ارتباطات یا پیام و زمینه متن هستیم، اساس کار روش تحلیل محتوا است. ولی در قدم بعدی که به دنبال تعیین فراوانی یا کمی‌سازی نیستیم، از این روش به معنای متعارف آن فاصله گرفته می‌شود. این مسئله از آن‌جا پیش می‌آید که در تحقیقی چونان ریشه‌یابی رادیکالیسم دینی، در بسیاری موارد محتوای مورد بررسی آشکاری آن‌چنانی ندارد. درحالی‌که برای تعیین فراوانی یا کمی‌سازی این آشکاری نیاز است. از طرفی هم در مورد مشخص دین؛ این مهم نیست که مقوله‌ی بسیار تکرار شود، تا این‌که تأثیر گذار باشد. در این مورد چون موضوع به باور و ایمان مرتبط است کافی است مقوله‌ی یک بار با تأکید بیان شود تا تعیین کننده باشد و مقبول افتد. زمینه‌ی پیام مورد نظر نیز مهم است. حضور یا عدم حضور یک ویژگی - در این پژوهش رادیکالیسم - در متن می‌تواند به صورت آشکار یا پنهان باشد. در قسمت‌های از متن مباحث به صورت جهت‌دار و اسازی می‌شود. این و اسازی درحالی‌که بستری برای رادیکالیسم فراهم می‌آورد، در تلاش جستجوی فراوانی ممکن به حساب نیاید. نقدی که بر تحلیل محتوا به عنوان روش کمی مطرح می‌شود این است که در این روش محتوای نهفته در متن پنهان می‌ماند. در پژوهش تلاش شده این خلاء پر گردد.

در جریان تحلیل محتوا، برای نشان دادن تأثیر متون بر دانشجویان، یافته‌های کمی‌ای که با استفاده از روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده، آورده می‌شود. تحلیل کمی پژوهش و یافته‌های آن که در قالب جدول‌ها و نمودارها به وسیله‌ی برنامه‌ی اکسیل کار شده، به صورت مشرح بعد از بخش دوم می‌آید. واضح است که سنجش تأثیر یک عامل بر پدیده‌ی که همزمان عوامل مختلف می‌تواند باعث آن گردد، از دشواری‌های کار پژوهشی در علوم انسانی و اجتماعی است. برای رفع این مشکل پرسشی در پرسشنامه آورده شده که از آشنایی قبلی دانشجویان با مباحث مندرج در مضمون نظام سیاسی اسلام می‌پرسد. از آن‌جا که در پاسخ به این پرسش فقط ۲۴.۴ درصد دانشجویان گزینه‌ی آشنایی - ۱۸.۲ درصد گزینه‌ی زیاد و ۶.۲ درصد گزینه‌ی خیلی زیاد - را انتخاب کرده‌اند، نتایج بخش دوم پژوهش تا ۷۵ درصد قابل تعمیم است. تعداد پرسشنامه‌های که مورد تحلیل قرار گرفته برای سه

دانشگاه - کابل، هرات و ننگرهار - ۳۷۳ بوده است. این تعداد به عنوان نمونه آماری بر اساس جدول «مورگان» از روی جامعه آماری ۱۰۱۵۰ دانشجو - در پایان سمستر پنجم در سه دانشگاه کابل، هرات و ننگرهار، در پاییز ۱۳۹۷ - انتخاب شده است. قبل از انجام مصاحبه‌ها در ولایات، برای بررسی و ارزیابی، پرسشنامه در یک دوره‌ی آزمایشی، با تعداد اندک دانشجویان در کابل - موسسه تحصیلات عالی طلوع آفتاب - آسیب‌شناسی و آزمایش شد. بعد از آن مصاحبه توسط مصاحبه‌کنندگان ساحه‌ای انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان در سه ولایت به انجام رسید. دانشجویان پاسخ‌دهنده، منهای دانشکده‌ی شرعیات که مضمون نظام سیاسی اسلام شامل درس‌های‌شان نمی‌شود، از دانشکده‌های مختلف بوده‌اند. تقسیم پرسشنامه‌ها برای هر دانشگاه نظر به درصد آن در تشکیل جامعه آماری بوده است. تعداد دانشجویان در ختم سمستر پنجم دانشگاه کابل ۴۱۸۸ تن، در دانشگاه هرات ۳۲۵۸ تن و در دانشگاه ننگرهار ۲۷۰۴ تن بوده است. بر این اساس ۱۵۷ پرسشنامه برای دانشگاه کابل، ۱۱۹ پرسشنامه برای دانشگاه هرات و ۹۷ پرسشنامه برای دانشگاه ننگرهار اختصاص یافته است.

به اضافه، برای بازتاب نظریات اساتید مضمون «نظام سیاسی اسلام» پژوهش دربردارنده‌ی هشت مصاحبه‌ی عمیق با اساتید دیپارتمنت ثقافت اسلامی دانشگاه‌های کابل، هرات و ننگرهار است. از این مصاحبه‌ها در خلال تحلیل محتوای متون درسگفتارها استفاده شده است. تقسیم تعداد مصاحبه برای هر دانشگاه به صورت مساویانه، یعنی سه مصاحبه برای هر دانشگاه، در نظر گرفته شده بود، که به دلیل حاضر نشدن بیشتر از دو استاد برای مصاحبه در دانشگاه ننگرهار، شمار مصاحبه‌ها به هشت تقلیل یافت.

این پژوهش در ماه جوزای ۱۳۹۷ شروع و طی هفت ماه تکمیل گردید.

رادیکال و رادیکالیسم

واژه‌ی رادیکال همواره با مفاهیمی چون ستیز، تندروی، بنیادستیزی و دگرگونی‌های بنیادی و فوری هم‌سنخ بوده و به ذهن تبادر می‌یابد. رادیکالیسم در مفهوم کلی آن به کلیه‌ی اعمال، روش‌ها، ایدئولوژی‌ها، جریان‌ها و افرادی گفته می‌شود که خواهان تغییر پایه‌ای و فوری در امور مورد نظرشان اند. اما از آن‌جا که زمینه‌ی کاربرد این مفهوم گسترده است و به عنوان یک اصطلاح کاربرد سیاسی-اجتماعی و فرهنگی دارد، در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و هنر به گونه‌های مختلف استفاده می‌شود، و از طرفی هم در مواردی با واژگان دیگر چونان بنیادگرایی، افراط‌گرایی و... مترادف استفاده می‌شود، نیاز است به تشریح این مفهوم و مراد پژوهش از آن بپردازیم.

از رادیکال^۲ و رادیکالیسم^۳ تعریف‌های متفاوتی ارائه شده است. هر چند این تعریف‌ها از شباهت‌هایی برخوردار اند، ولی در مواردی نیز از هم متفاوت‌اند. از شباهت‌های مفهومی در تعریف آن می‌توان به دلالت ضمنی منفی آن اشاره کرد. این دلالت ناشی از پیوندی است که رادیکالیسم با افراط‌گرایی دارد. تفاوت‌ها نیز ناشی از بسترهای متفاوت، از هنر تا دین و دیگر شاخه‌های فکری و اجتماعی زندگی، است که رادیکال و رادیکالیسم در آن تعریف می‌شود. در این‌جا به برخی از تعریف‌ها، برای دستیابی به مفهوم رادیکالیسم به عنوان یک پدیده‌ی سیاسی، اشاره می‌کنیم.

۱. «رادیکال و رادیکالیسم که از واژه یونانی رادیکس (Radix) به معنی ریشه گرفته شده دکتترین و عقیده سیاسی خاصی را بیان نمی‌کند. مفهوم رادیکالیسم تغییرات اساسی و ریشه‌ای در جامعه است، ولی برای توضیح چگونگی این تغییرات رادیکال‌ها در هر کشوری جهت و برنامه خاص خود را دارند، معیناً احزاب رادیکال در همه کشورهای از جمله احزاب جناح چپ به‌شمار می‌آیند و غالباً عنوان سوسیالیست را هم به‌دنبال نام رادیکال یدک

۲ Radical

۳ Radicalism

می‌کشند. اصطلاح رادیکال اخیراً در مورد عناصر افراطی و تندرو هم به کار گرفته شده است» (طلوعی، ۱۳۸۵: ۵۳۵). در این مورد باید گفت از جهتی که جریان‌های رادیکال خواهان تغییرات حد اکثری اند، می‌توان آن‌ها را چپ خطاب کرد. ولی همزمان نمی‌توان برای هر جریان سوسیالیستی‌ای رادیکال خطاب کرد. به عنوان نمونه؛ امروزه احزاب سوسیال دموکرات از جمله جریان‌های رادیکال به شمار نمی‌آیند.

۲. «رادیکال» واژه‌ای است برای همه نظرها و روش‌های که خواهان دگرگونی بنیادی و فوری در نهادهای اجتماعی و سیاسی موجود و حاکم هستند و همچنین برای هرگونه نظری در زمینه هنر و دانش به کار می‌رود که با نظریه‌های پابرجا و حاکم به ستیزه برخیزد» (غلامی، ۱۳۹۳: ۳۲).

۳. «شخص، مکتب و یا حزبی که معتقد به تغییرات فوری و اساسی در بنیادهای سیاسی و اجتماعی است، به ویژه اگر این تغییرات موجب تعدیل اوضاع اجتماعی و یا برطرف ساختن مفاسد ناشی از آنها شمرده شود» (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶: ۵۶۵).

۴. «در عام‌ترین معنا، «رادیکال» برای اشاره به آن دیدگاه‌های سیاسی و دینی‌ای به کار رفته است که طالب تغییر مفرط نظم اجتماعی اند. رادیکالیسم معمولاً با جنبشی در جهت تغییر بنیادی مرتبط است، اما تغییر دقیقاً مطلوب، از دوره‌ای تا دوره‌ی دیگر متفاوت است. وانگهی، اگرچه «رادیکالیسم» غالباً برای جنبش‌های دموکراتیک چپ استفاده شده است، گه‌گاه به جنبش‌های الیگارشیک راستی که خواهان نوزایش^۴ جامعه هستند نیز اطلاق می‌شود» (دیویس، ۱۳۸۷: ۱۵۳).

ملاحظه می‌گردد که تعریف‌های مختلف از رادیکالیسم دارای شباهت‌های است. نقطه‌ی عمده‌ی اشتراک تعریف‌ها «خواست تغییرات بنیادی» است. بیشتر از این، رادیکالیسم اندیشه‌ای است که نظم موجود را نابرابر و دارای مشکلات بسیار می‌داند. در این مرحله، رادیکالیسم نیز چونان هر ایدئولوژی دیگر، رشته‌ای از اندیشه‌های هم‌پیوند و نظامدار است که برای سازمان دادن سیاست، اقتصاد، فرهنگ و به طور کل جامعه تلاش می‌کند. در این مرحله، بر عکس آن‌چه در بالا از دلالت ضمنی منفی این مفهوم اشاره رفت، رادیکالیسم به دلیل پیوندی که با تغییر به مثابه‌ی پیشرفت می‌خورد، دلالت ضمنی مثبت می‌یابد. اما از آنجا که رادیکالیسم طالب تغییر بنیادین و مفرط است، و چنین امری در بستر سیاسی-اجتماعی دشوار می‌نماید، در مرحله‌ی بعد جزمی شده و به اندیشه‌ی انقلابی بدل می‌گردد. «انقلاب یا اجرای عملی نظریه‌ی سیاسی رادیکال بالضرورة به جباریت از طریق آنارشی منتهی می‌شود.

^۴ Regeneration

رادیکال‌ها به جباریت سوق پیدا می‌کنند زیرا می‌خواهند جامعه را به طور بنیادی و سریع تغییر بدهند. اما طبق نظر برک [ادموند برک] آنان هم‌چنین بر اساس دانشی ناکافی عمل می‌کنند. رادیکال‌ها اعتماد گزافی به نظریه‌های‌شان دارند. در واقع، هرگز به قدر کفایت دانش معتبر درباره‌ی نظم اجتماعی با آن پیچیده‌گی‌اش وجود ندارد که ویران کردن نظم اجتماعی موجود و ساختن چیزی کاملاً جدید را توجیه نماید. به لحاظ سیاسی، به خاطر محدودیت‌های گریزناپذیر شناخت‌مان، باید همواره محتاطانه عمل کنیم» (دیویس، ۱۳۸۷: ۱۵۸-۱۵۷). از این‌جا، بر اساس این دانش ناکافی، رادیکالیسم به سمت کامل‌پنداری و کمال‌پنداری خودی، و ناقض‌پنداری و نارساپنداری غیر خودی - دیگری - سوق پیدا می‌کند. در نتیجه؛ جهان به دو دایره‌ی این‌همان - خودی - و نالین‌همان - دیگری - تقسیم می‌شود. در این تقسیم دوتایی و غیریت‌سازانه، بر اساس جزمی بودن و انقلابی بودن که اشاره رفت، دیگری به عنوان نالین‌همان طرد یا حذف می‌شود. برای این امر مبنای روان‌شناسانه نیز می‌توان قائل شد؛ طوری که اگر قرار بر تغییرات بنیادی و فوری حتا توأم با خشونت باشد، داعیه‌دار آن باید به لحاظ روانی در داعیه‌ی مطروحه‌ی تغییرمحور خود دچار شک و شبهه نباشد. یا بر عکس، کامل‌پنداری و کمال‌پنداری زمینه‌ساز جزمیت و خشونت می‌شود. در کل رادیکالیسم چرخشی است که به لحاظ نظری از خواست تغییرات بنیادی و فوری آغاز می‌شود، و برای فعلیت یافتن این خواست ایقانی نیاز است که به وسیله‌ی آن به تقسیم دوتایی این‌همان و نالین‌همان می‌رسد. و در نهایت، در عرصه‌ی عمل بنابر عوامل محیطی، جزمی و انقلابی شده، به خشونت - طرد یا حذف دیگری - می‌انجامد.

رادیکالیسم دینی

رادیکالیسم دینی به صورت کلی نظر، شیوه و رفتار رادیکالی است که بر مبنای باور دینی شکل گرفته باشد. تأکید بر حقانیت بنیادهای دینی خویش داشته باشد و برای خود حق بدهد به مخالفت تندروانه با وضعیت برخیزد. «در حال حاضر، رادیکالیسم دینی با بنیادگرایی اسلامی، مسیحی، یهودی و غیره مرتبط است، یا آن ادبانی که مسلماً به دنبال کشف دوباره‌ی ریشه‌ها و بنیادهای ایمانی هستند تا آن را بعداً بنیاد عمل سیاسی-اجتماعی قرار دهند» (McLaughlin, ۲۰۱۲: ۲۲). از آن‌جا که ممکن و مرتبط نیست که در یک پژوهش به رادیکالیسم در همه‌ی ادیان پرداخته شود، این پژوهش، نظر به محتوای بحث، متمرکز بر رادیکالیسم اسلامی است. «اسلام رادیکال یا رادیکالیسم اسلامی می‌تواند به عنوان یک حرکت تاریخی، اجتماعی-اقتصادی، سیاسی، و جریان فرهنگی مطرح باشد که اسلام را دینی جامع، یک ایدئولوژی سیاسی انقلابی و یک دولت می‌داند» (Said Hassan, ۲۰۱۳). هر چند به

دلیل تمامیت‌خواهی - تنها دین بر حق و برای همه - ادیان ابراهیمی به صورت تاریخی به نحوی توأم با رادیکالیسم بوده‌اند، ولی آن چه امروزه از مفهوم رادیکالیسم در جوامع اسلامی مراد است، واکنشی در مقابل جریان پیش‌رونده‌ی ناآشنایی جهان مدرن؛ آن چه به عنوان جهانی شدن تعبیر می‌شود و جوامع اسلامی کمترین سهم را در آن دارند، است.

پدیده رادیکالیسم اسلامی در سالهای اخیر به ویژه پس از حوادث مربوط به یازده سپتامبر تبدیل به یکی از بحث برانگیزترین چالشها در محافل آکادمیک و به دنبال آن، سوژه داغ رسانه ها شده است. رادیکالیسم اسلامی پدیده‌ای مدرن است که در پی ورود مدرنیسم به جهان اسلام در دو سده اخیر شکل گرفته است. با ورود مدرنیسم به جهان اسلام، ساخت سنتی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جهان اسلام دستخوش دگرگونی شد و بسیاری از مناسبات مبتنی بر روش مألوف گذشته مورد تردید قرار گرفت. این امر به دنبال خود مشکلاتی مانند بحران هویت، بحران مشروعیت، تضاد طبقاتی، ضعف نظامی و بحران فرهنگی را به وجود آورد (ساعی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۲).

دگرگونی ساخت سنتی در بخش‌های اجتماع، سیاست و فرهنگ که اشاره رفت، به اضافه‌ی ساخت اقتصادی، توأم با بحران در پی آورده، شرایطی را فراهم ساخت که گروه‌های به مبارزه با این وضع برخیزند. این گروه‌ها انطباق با دگرگونی را دشوار و به مثابه‌ی از دست دادن سنت و آموزه‌های می‌دانستند که با آن پرورش یافته‌اند. از این رو، با کلیت دگرگونی به مخالفت پرداخته و خواستار تغییر وضعیت شدند. تغییر وضع، از آن‌جا که ساختارهای مختلف را شامل می‌شود، نیاز به تغییرات بنیادی دارد. از طرفی هم، چون کنه مبارزه این گروه را باور دینی کامل‌پندارانه و کمال‌پندارانه تشکیل می‌دهد، این باور اساس تعریف خودی و دیگری، و همچنان اساس تمرین و اعمال خشونت را از سوی گروه تشکیل می‌دهد. خشونت نیز تا آن‌جا پیش می‌رود که به طرد و حذف دیگری می‌انجامد:

رادیکالیست‌های اسلامی بر این باورند که از سوی خداوند وکیل هستند تا اراده او را در زمین اجرا کنند. این اقلیت تندرو همچنین اعتقاد دارند از آنجا که حکام جهان اسلام اقتدارطلب و ضداسلام هستند، خشونت امری اجتناب‌ناپذیر است. آنان در تلاش برای سرنگونی حکومت‌ها، به‌دست آوردن قدرت و تحمیل دیدگاه و تفسیر خود از اسلام اجتماعی هستند. جنبش‌های تندرو اسلامی بر این پندار فعالیت می‌کنند که اسلام و غرب در پیکاری مداوم و شرایطی ناهموار هستند که به روزهای پیشین تمدن اسلامی برمی‌گردد (غلامی، ۱۳۹۳: ۳۴-۳۵).

ابزار این پیکار به صورت نابرابر به نفع جهان مدرن است. در نتیجه؛ این گروه‌ها بر اثر سرخوردگی از ناتوانی مبارزه، به اعمال دهشت‌افگانه دست می‌زنند. این اعمال نیز بیشتر از آن‌که شرایط را به نفع این گروه و به ضرر جهان مدرن تغییر دهد، باعث ویرانی موطن خود این گروه‌ها می‌شود.

بنابراین رادیکالیسم اسلامی شامل گروه‌هایی است که اولاً بنا به دلایلی با فرایندهای حاکم بر جهان کنونی مخالفت می‌کنند و ثانیاً با ارجاع به بنیادهای اصلی دین و پرهیز از هر گونه تفسیر تاریخی و نسبی نسبت به آن، نظم حاکم را به نقد می‌کشند. از این‌رو رادیکالیسم اسلامی نگاهی آرمانی از شرایط مدرن به اصول اولیه و اصالت‌های اسلامی دارد. ثالثاً این جریان در شرایط ویژه‌ای برای دستیابی به امال و آرمان‌های خود دست به مبارزه مسلحانه می‌زند (همان: ۳۳).

اصول این جنبش‌ها را، پاسخ پنداشتن اسلام برای همه‌ی مشکلات جامعه، به کارگیری اصول اسلامی - در اینجا روایت خاص گروه خودی - که مستوجب به دست آوردن قدرت است، و تفسیر خود از دین را تعمیم دادن، تشکیل می‌دهد. این گروه‌ها بدین باورند که تمام مشکلاتی که جوامع اسلامی با آن مواجه است، از اثر عدم تطبیق اصول و روش‌های اسلامی است. از این‌جا به عوض این‌که در مواجهه با شرایط جدید و لحاظ پیچیدگی‌های دنیای مدرن به برنامه‌ریزی و کار متعاملانه بپردازند، با نفی و انکار به واکنش تندروانه می‌پردازند.

شاخصه‌های رادیکالیسم دینی

بر اساس مباحث مطرح شده، شاخصه‌های زیر را می‌توان برای رادیکالیسم دینی بر شمرده. البته این شاخصه‌ها به صورت کلی شامل جریان‌های مختلف رادیکالیسم نیز می‌تواند باشد. ولی کنه و سنخ مطروحه‌ی آن نظر به جریان‌های مختلف متفاوت است. محتوای متون درسگفتارهای «نظام سیاسی اسلام» بر مبنای این شاخصه‌ها مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. خواست تغییرات بنیادی و فوری؛ حتا توأم با خشونت

۲. کامل‌پنداری و کمال‌پنداری

۳. این‌همانی و غیریت‌سازی

۴. تبعیض فرهنگی؛ طرد یا حذف دیگری به عنوان غیر خودی

در مورد این شاخصه‌ها قسماً در صفحات قبلی مباحثی صورت گرفته است. بیشتر از آن در بخش‌های دیگر که این شاخصه‌ها به مثابه‌ی عنوان مطرح می‌شوند نیز مباحثی خواهد آمد که مراد پژوهش از این مفاهیم را بیشتر روشن سازد. نکته‌ی که این‌جا نیاز به توضیح دارد این است که رادیکالیسم هم‌بسته‌ی فعلیت یافته‌ی از تمام این شاخصه‌ها است. در غیر آن هر یک از این شاخصه‌ها ممکن به عنوان عاملی در راستای منتهی شدن به رادیکالیسم مطرح باشد. به عنوان مثال؛ کامل‌پنداری و کمال‌پنداری به تنهایی نمی‌تواند شناسه‌ی رادیکالیسم باشد. ولی زمانی که از این نشانی تغییرات بنیادی و فوری مراد شده و توأم با تقسیم این‌همانی و غیریت‌سازانه می‌شود، به طرد و حذف دیگری منتهی شده و رادیکالیسم را شکل می‌دهد.

۱. خواست تغییرات بنیادی و فوری؛ حتا توأم با خشونت

مراد از «خواست تغییرات بنیادی و فوری»، تغییر در تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی سامان موجود است. در این مقام تغییرات نسبی یا سازشی نیست، بل چارچوب از قبل تعریف شده‌ی موجود است که باید جایگزین نظم موجود گردد. به طور نمونه؛ درسگفتار دانشگاه کابل ادعا می‌کند: «اسلام دین و آیین ربانی است که در تمام عرصه‌های زندگی - اعم از زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی - از خود قوانین و مقررات مشخصی دارد که از وحی الهی الهام گرفته، و هیچ نوع تعدیل و تلفیق را نمی‌پذیرد» (مسلمیار، ۱۳۹۶: ۲۲۰). این چارچوب کامل و متفاوت از نظم موجود، و نظم‌های دیگر تاریخی، پنداشته می‌شود. چنین چارچوبی در نظام آموزش عالی کشور، مرتبط با پژوهش حاضر، یکی هم از نشانی مضامین ثقافت اسلامی در درسگفتارهای مختلف هشت سمستر ارائه می‌گردد. این مضامین شامل نظام اخلاقی اسلام، نظام اجتماعی اسلام، نظام سیاسی اسلام، نظام اقتصادی اسلام، جهان‌بینی اسلامی، عبادات و حکمت‌های آن، قرآن و علوم معاصر و تمدن اسلامی می‌شود. تأکید بر تفاوت اساسی و خواست تغییرات بنیادی در تمامی این مضامین، منجمله مضمون نظام سیاسی اسلام، تکرار می‌شود. در درسگفتارهای این مضمون نظامی که ارائه و در مواردی توصیه می‌گردد، کامل و متفاوت از نظم موجود پنداشته می‌شود. در کتاب نظام سیاسی اسلام، از مبشر مسلمیار از دانشگاه کابل بر این تفاوت و برتری آن در حوزه‌های مختلف، به صورت تعمیم یافته، پرداخته شده است. از نظام تقنینی گرفته تا نظام عسکری، تعلیمی و تربیوی، مالی و اقتصادی، سیاسی و دیپلوماسی، و نظام قضایی بر بالا دستی شریعت اسلامی تأکید صورت می‌گیرد (همان؛ ۷۱-۶۸). در نظام عسکری از خوف دشمنان اسلام از لشکر اسلام، در آموزش و پرورش از ممانعت‌های قانونی مطابق شریعت اسلامی بر رسانه‌ها، در امور سیاسی و دیپلماسی از تعیین دوست و دشمن و قوانین جنگ و صلح حکومت توسط شریعت، و در قضایی از تطبیق حدود و قصاص سخن می‌رود. میان موردی که ذکر شد و موافقت ۸۶ درصدی دانشجویان دانشگاه کابل (جدول ۵۸) در پاسخ به پرسش آیا اسلام کامل‌ترین دینی است که باید همه پیرو آن باشند؟ می‌توان رابطه‌ی معنا داری دید. تأکید بر تفاوت، تأکید بر بهتری و کامل بودن آن، و در مواردی توصیه‌ی آن، زمینه‌ی خواست تغییرات بنیادی و فوری می‌شود. تغییرات بنیادی از آن رو که این امر در بخش‌های قانون‌گذاری، نظامی، آموزش و پرورش، مالی و اقتصادی، سیاسی و دیپلماسی، و قضایی مطرح است. چنین تغییراتی به طبع به صورت فوری ممکن نیست و از این رو توأم با خشونت می‌شود. در ادامه، ذیل شاخصه‌ی تغییرات بنیادی و فوری، به مواردی که مشخصاً مربوط به نظام سیاسی اسلام می‌شود، می‌پردازم.

۱.۱. نوع نظام سیاسی

نوع نظام سیاسی مورد بحث قرار گرفته و پیشنهادی این متون خلافت و امارت اسلامی است. برقراری چنین نظامی مستوجب تغییرات بنیادی و فوری در لایه‌های مختلف زندگی اجتماعی-سیاسی است. روش تشکیل و انتخاب چنین نظامی بیعت دانسته شده و راه و روش دیگری هم مورد پذیرش نیست. عنوان یا لقب رئیس چنین نظامی خلیفه، امام و امیر المومنین دانسته شده است. این نظام از نظام‌های دیگر دنیا، از جمله دموکراسی، متفاوت دانسته می‌شود و اگر شباهت‌های هم میان این نظام و نظام‌های دیگر باشد، جزئی است. این مورد در درسگفتار کابل چنین آمده است:

نظامیکه اسلام برای زعامت سیاسی پیشنهاد میکند، همانا نظام خلافت و امارت است که از طریق بیعت صورت میگیرد نه غیر، و از زعمیم سیاسی اسلام به لقب‌های: خلیفه، امام و امیر المؤمنین تعبیر میگردد... خلافت یا امامت کبری به معنی حکومت جهانی اسلام که مسلمانان را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی، اجتماعی داخلی و بین‌المللی با الهام از آیین الهی رهبری میکند (مسلمیار، ۱۳۹۶: ۷۲).

در درسگفتار هرات معرفی «خلافت راشده» به عنوان «الگوی از حکومتداری خوب اسلامی» از مقاصد آموزشی دانسته شده است. «دوره خلافت راشده نظر به سطح بلند تقوا و پرهیزگاری که خلفا داشتند، و نظر به جایگاه بلندی که از جهت هم صحبتی رسول الله به آنها تعلق گرفته بود، به طور قطع الگوی مناسبی برای حکومتداری صحیح و درست به شمار می‌رود» (صمیم، ۱۳۹۶: ۱۹۲). ملاحظه می‌گردد که بدون در نظر داشت تغییرات زمانی و مناسبات دنیای مدرن خلافت اسلامی «به طور قطع الگوی مناسبی برای حکومتداری صحیح و درست» معرفی می‌گردد. این قطعیت در عمل می‌تواند مستوجب تندروری باشد. بیشتر نیز در این مورد آمده است که دانشجویان «بدانند که بهترین الگوی حکومتداری خوب در نظام سیاسی اسلام، خلافت راشده است» (همان: ۱۸۳). این درسگفتار، خلافت اسلامی را چنین تعریف کرده است: «نوع حکومتی است که در صدر اسلام و بعد از رسول الله تطبیق شد. در این شیوه نظام حکومتی مبانی فکری و عملی خود را در عرصه سیاست مستقیماً از آیات قرآن کریم و از گفتار و رفتار سیاسی رسول الله میگیرد و تلاش مینماید، نظام را بر اساس شریعت اسلام مدیریت کند» (همان: ۱۴). در کتاب ننگرهار دموکراسی «حکومت بی دین غربی» توصیف شده و با بیان اینکه «قوت سیاسی مسلمانان با از میان رفتن خلافت رو به افول نهاد» طرح «خلافت متحده یا حکومت جهانی» ارائه می‌گردد. بعد روش تشکیل چنین حکومتی با ارکان آن تشریح می‌شود (رحمانی، ۱۳۸۹: ۱۹۳-۱۹۶). در این درسگفتار خلافت از پایه‌های نظام سیاسی اسلام خوانده می‌شود (همان: ۲۶۸).

تغییرات بنیادی در این مقام نه تنها برای سرزمین خاصی که فراتر از آن مورد نظر است. چه زمانی که از «خلافت متحده یا حکومت جهانی» بحث می‌شود، منظور نظم و نسق منطقه‌ی خاصی به عنوان یک کشور نیست. «سرزمینی که در آن حکومت اسلامی تطبیق گردد، زمین الله میباشد، زیرا الله مومنان را خلیفه خود در زمین تعیین نموده تا نظام خلافت اسلامی را در سطح جهانی بالای بشریت تطبیق نمایند. که عبارت از قوانین شریعت اسلامی میباشد» (مسلمیار، ۱۳۹۶: ۶۵).

ملاحظه می‌شود که نظام مورد بحث و تأیید در این درسگفتار نظام مورد تأیید و تأکید طالبان و داعش است. چه مثال عینی خلیفه و امیر المومنین در جهان امروزی «ابوبکر البغدادی» و «ملا عمر» است. در ادامه هم که دموکراسی با نظام اسلامی متفاوت دانسته شده و بر مکمل بودن نظام سیاسی اسلامی تأکید می‌شود. برآیند چنین آموزش‌هایی اگر به طور مستقیم جوانان تندور که ظرفیت جذب شدن در گروه‌های افراطی را دارند نباشد، که دیده می‌شود است، به لحاظ اجتماعی سرخورده‌ای خواهند بود که نمی‌دانند با دولت همکاری کنند یا نه. نداشتن چنین نظامی گناه تلقی می‌شود. گناهی که متوجه تمام «امت» دانسته شده است:

داشتن یک زعامت سیاسی و بیعت به آن مانند: جهاد، قضاء و... از جمله فرایض کفائی است بر عهده امت، در صورت تقصیر گناه آن متوجه تمام افراد امت اسلامی میباشد؛ زیرا وجود یک زعیم سیاسی به عنوان امیر و یا خلیفه مسلمانان در حقیقت مرکز قوت و رمز وحدت مسلمانها و مظهر یکپارچگی امت اسلامی است، امیر و یا خلیفه شرعی کسی است که امور مردم را اداره، ودستورات الهی را بجا میگذارد، و مسلمانان را در امور داخلی و خارجی رهبری نموده، و قیادت جهاد را برعهده دارد (همان: ۷۳-۷۲).

«به لحاظ شرعی وجود یک حکومت واحد لازم است. این حکومت باید دارای شوری باشد و یک حاکم داشته باشد. والیان و حکام منطقه‌ای موجود و با مشوره‌ی شوری از طریق حاکم تعیین گردند» (رحمانی، ۱۳۸۹: ۲۰۵).

در تحلیل این متون نکته‌ی که بیشتر به چشم می‌آید رویکرد مومنانه‌ی است که در آن‌ها موج می‌زند. در حالیکه متون درسی و دانشگاهی اند، و از اصول و معیارهای نگارشی چندانی برخوردار نیستند. مباحث درون‌دینی و یک طرفه مطرح شده و بر این اساس نتیجه‌گیری می‌شود. بیشتر از اینکه تلاش برای گسترش افق دید دانشجو مطرح باشد، تلاش القای روایتی خاص از آموزه‌ها مطرح است.

متأسفانه دولت اسلامی دارای دشمنان داخلی و خارجی زیادی است که تهدیدات جدی را متوجه آن مینماید و حتی بعد از سقوط خلافت اسلامی همه جهان کفری متحد و مصمم هستند که اجازه تاسیس دوباره خلافت اسلامی را ندهند و جنگ جهانی کنونی که در مقابل جریانات اسلامی برافه انداخته شده و در آن که همه جهان کفری و نوکران شان در جهان اسلام بر علیه جریانات اسلامی مبارزه میکنند در

حقیقت بخاطر جلوگیری از اعاده دوباره خلافت اسلامی است و سیاستمداران غربی و نظریه پردازان شان این حقیقت را در سخنرانیها و نوشته های خویش به وضاحت تمام ابراز میدارند... به امید روزی که خلافت به روش نبوت به دست جوانان برومند امت اسلامی اعاده گردیده و امت اسلامی عزت از دست رفته خود را بازابد (مسلمیار، ۱۳۹۶: ۱۹۴-۱۹۳).

نتایج آماری این پژوهش نشان می‌دهد که این مباحث بر دانشجویان موثر بوده است. انتخاب بیشتر از نیم پاسخ‌دهندگان - ۵۲.۱ درصد - در پاسخ به پرسش نوعیت نظام سیاسی اسلام، امارت و خلافت بوده است (جدول ۵). این در حالی است که ۳۱.۴ درصد پاسخ‌دهندگان با مباحث مطرح شده در مضمون نظام سیاسی اسلام، کم و یا خیلی کم، و ۴۴.۲ درصد تا حدودی، از قبل آشنایی داشته‌اند. در مورد دیگر ۳۱.۴ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده در پاسخ به پرسش «آیا در جریان درس مضمون «نظام سیاسی اسلام» صدر اسلام (خلافت اسلامی) به عنوان الگوی حکومت‌داری خوب، که باید دوباره ایجاد گردد، معرفی می‌گردید؟» پاسخ مثبت داده‌اند (جدول ۳۷). نتیجه این که ۳۵.۷ درصد پاسخ‌دهندگان موافق ایجاد دوباره‌ی خلافت اسلامی اند (جدول ۴۱).

اضافه بر موارد مذکور، در مصاحبه‌هایی که با اساتید مضمون نظام سیاسی اسلام صورت گرفته، اساتید نیز تأکیدی بر خلافت اسلامی داشته‌اند. مبشر مسلمیار از دانشگاه کابل خلافت را شده را نمونه‌ی نظام سیاسی اسلام دانسته و آن را به عنوان ساختار عملی نظام سیاسی اسلامی معرفی می‌کند: اگر کسی از ما نمونه‌ی عملی خواسته باشد، ما زمان خلفای راشدین را نام می‌بریم... نمونه‌ی عملی، دوران خلافت راشدین است، خلافت راشدین الگوی عملی نظام سیاسی اسلام است. حتی از دیدگاه اسلامی نظام‌های که بعد از خلافت راشدین آمده‌اند را نمی‌توانیم که تأیید کنیم، مگر مواردی را که با دوران خلافت راشدین نزدیکی داشته باشد. مثلاً علما بر این باورند که دوران خلافت عمر بن عبدالعزیز که یکی از خلفای اموی بود، نمونه‌ی از خلافت راشدین بود که خلافت راشدین را دوباره زنده کرد، این می‌تواند که الگوی عملی باشد (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

سید جمال‌الدین هروی از دانشگاه هرات خلافت اسلامی را آرزوی هر مسلمان می‌داند: «...خلافت اسلامی و امارت اسلامی حکومت ایده‌آلی است که به ذهن هر مسلمان است. هر مسلمان، به شرط این که از چوکات اسلام بیرون نشده باشد، آرزوی خلافت را دارد» (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷). سید صفت‌الله سادات از دانشگاه ننگرهار خلافت راشدین را نمونه‌ی از نظام‌های سیاسی خوب معرفی می‌کند و نظام‌های دیگر را کاملاً غلط می‌خواند: «اما خلافت اسلامی و امارت اسلامی، اگر این دو در جهان نباشد، نظم جهان از بین می‌رود... نمونه‌ی از نظام‌های سیاسی خوب را می‌توانیم در صدر اسلام مشاهده کنیم؛ نظام خلافت راشدین. نظام‌های سیاسی دیگری که در جهان است کاملاً غلط است.» (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

۱.۲. تفاوت نظام مورد بحث و پیشنهادی با نظام‌های دیگر

یکی از موارد اصلی زمینه‌ساز «خواست تغییرات بنیادی و فوری؛ حتا توأم با خشونت» مبحث تأکید بر تفاوت نظام سیاسی اسلام با نظام‌های دیگر است. نظام‌های که گاهی وضعی، گاهی کفری، و گاهی فاسد خوانده می‌شود. در واقع نظام سیاسی اسلام در سرتاسر متون به عنوان یک ساختار خودبسا و متفاوت و کامل از هر ساختار دیگری مورد بحث قرار می‌گیرد. از آن‌جا که در بخش‌های از متون این ساختار توصیه می‌شود، در صورت مورد پذیرش قرار گرفتن موجب تندروی دانشجویان می‌شود. از این رو که میان مورد آموزش داده شده و جهان برون تفاوت فاحشی وجود دارد. مبحث تفاوت از عنوان‌های بزرگ درسگفتارهای نظام سیاسی اسلام است. در این‌جا به دو مورد آن، یکی اسلام و دموکراسی و دوم اسلام و سکولاریسم می‌پردازم.

۱.۳. دموکراسی و اسلام

در باب اسلام و دموکراسی در درسگفتار کابل نخست دموکراسی تعریف شده و اصول آن بیان می‌گردد. بعد این پرسش مطرح می‌شود که آیا اسلام با دموکراسی سازگار است؟ و با مواردی که در پاسخ به این پرسش می‌آید دیده می‌شود که پاسخ منفی است. بعضی از تفاوت‌های که اشاره می‌شود، این‌ها اند:

اسلام دین و آیین ربانی است و دموکراسی قانون وضعی:

نخستین فرق اسلام با دموکراسی اینستکه [این است که]: اسلام دین و آیین ربانی است که در تمام عرصه‌های زندگی - اعم از زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی - از خود قوانین و مقررات مشخصی دارد که از وحی الهی الهام گرفته، و هیچ نوع تعدیل و تلفیق را نمی‌پذیرد. و دموکراسی نام است برای قانون وضعی، فلسفه اجتماعی و نظام سیاسی که از ساخته [ساخته] و پرداخته افکار بشری بوده، و به افکار، هوا و هوس‌های بشر بر میگردد که قرآن از آن به "جاهلیت" تعبیر می‌نماید (مسلمیار، ۱۳۹۶: ۲۲۰).

جزم اندیشی مهیبی در متن موجود است. در درون دولتی که با دست‌آویز دموکراسی باد به غیب می‌اندازد و داد سخن می‌دهد، دموکراسی «جاهلیت» آموزش داده می‌شود. این مسأله می‌تواند باعث بروز تنش باشد که به تندوری دینی منجر شود.

حمایت از آزادی: «دموکراسی آزادی و حقوق بی حد و مرز و بصورت لجام گسیخته ای را- دور از رعایت اخلاق و ارزش های دینی واجتماعی- قایل است که از نظر اسلام چنین آزادی های فساد در جامعه و بی بندوباری تلقی میشود، و آزادی در اسلام در چوکات مقررات و قوانینی قرآن و سنت می باشد» (همان: ۲۲۲-۲۲۳). به این مورد اشاره ای صورت نمی گیرد که اخلاق و ارزش ها به ویژه در نسبت با مکان و زمان نسبی اند. بر عکس در این جا اخلاق و ارزش گویا چونان میز یا چوکی است که همه در موردش یکسان فکر می کنند و بر کارکردش توافق دارند. اصطلاح «ارزش های دینی» چنین باری را نهفته دارد. به نحوی که برای فهم متفاوت از دین جا نمی گذارد. امروزه در بسا موارد فرق اسلامی و آنچه جریان های «روشن فکری دینی» خوانده می شود، بر ارزش و ضد ارزش توافق ندارند. در کل پیچیدگی روابط دنیای مدرن در نظر گرفته نمی شود.

حق تساوی مرد و زن:

یکی از اصول دموکراسی دفاع از حقوق زن و حق تساوی مرد با زن است، و این شعار (حق تساوی مرد و زن) که از اصول دموکراسی بشمار میرود، و هوا داران دموکراسی زمزمه میکنند، و تعدای هم- آگاهانه و یا غیرآگاهانه- آنرا توجیه و صبغه سازگاری با شریعت را میدهند، این شعار با اصول اسلام متضاد و بانصوص صریح و صحیح شرعی منافات دارد؛ زیرا حقوق مرد و زن در اسلام عادلانه و دادگرانه است، نه مساویانه. و در مواردی چون: شهادت، میراث، امامت، زعامت، قومیت، حق طلاق، حق رجوع از طلاق، مکلفیت جهاد، جمعه و... حق مرد با زن یکسان نیست، ولی این تفاوت ها متناسب باطبیعت هریک از آنها بوده عین عدالت است (همان: ۲۲۴-۲۲۳).

تاختن به دموکراسی و به کرسی نشاندن حرف خودی تا حدی پیش می رود که دموکراسی پوشش عجیبی برای اشغال خوانده می شود:

بعضی کشور های که تحت اشغال کشور های اشغالگر قرار میگیرند و این اشغالگران میخواهند که نظام دموکراسی را در جوامع اسلامی نافذ نمایند اما اگر صراحتاً احکام دینی را در جامعه اسلامی رد نمایند با مخالفت جدی مسلمانان مواجه شده و امکان تسلط شان به سرزمین های اسلامی وجود ندارد بناءً آنها نظام دموکراسی را به پوشش های عجیبی به نمایش میگذارند تا مورد اعتراض شدید و مستقیم مسلمانان قرار نگیرند گرچه مسلمانان آگاه و چیز بفهم این ترفند اشغالگران را خوب میدانند اما بخاطر فریب عامه مردم این ترفند تا جایی موثر واقع میگردد (همان: ۱۱۲-۱۱۱).

در درسگفتار هرات حکومت اسلامی «مردم سالار» خوانده می شود:

در کنار اینکه حکومت اسلامی اصول و مبانی کلی و خطوط اصلی برنامه های خود را از منابع شرعی میگیرد، اما در عین حال حکومت مردم سالار نیز هست. یعنی اینکه این مردم اند که در تعیین حاکم و عزل و نصب

آن و نظارت بر تمام اجراءاتش نقش دارند. مردم اگر بخواهند کسی میتواند حاکم شود و اگر نخواهد [نخواهند] هیچ کس حاکم شده نمیتواند (صمیم، ۱۳۹۶: ۸۲).

دیده می‌شود که واسازی متناقض‌نمای صورت می‌گیرد. چه از یک طرف بحث «اصول و مبانی کلی و خطوط اصلی» مطرح است که باید شرعی باشد و از شریعت گرفته شود، و از طرف دیگر بحث مردم‌سالاری و نقش مردم مطرح می‌شود. جمع این دو با مفهوم امروزین مردم‌سالاری ممکن نیست. مردم‌سالاری امروز «اصول و مبانی کلی و خطوط اصلی» حکومتی خود را توسط مردم در چارچوب قوانین اساسی تعیین می‌کند. در مبحث راه‌های گزینش رهبر، آن‌جا که بحث انتخابات مطرح می‌شود، این واسازی متناقض‌نما به صورت جهت‌دار ادامه می‌یابد. انتخابات به صورت تلویحی تأیید می‌شود. «پس هرگاه امت اسلامی با رأی خود تشخیص دهد که کسی شایسته مقام زعامت و یا ریاست جمهوری است، به شرطی که این انتخاب دقیق و بر اساس شایستگیها صورت گیرد، اجماع و اتفاقی دقیق و درست است» (همان: ۱۱۱). ولی متعاقباً مشکلات پروسه‌ی انتخابات بیان:

- در انتخابات امکان تقلب و در پی آن عدم امکانیت شفافیت در آن بسیار و برجسته است؛
- در انتخابات مردمی رأی میدهند که با الفبای سیاست هم آشنا نیستند؛
- در انتخابات رأی‌گیرهای [رأی‌گیری‌ها] و رأی‌دهی‌ها بر اساس انگیزه‌های نادرستی همچون ملاحظات قومیت، سمت، منطقه، زبان، نژاد و از این قبیل صورت می‌گیرد، کاری که اسلام با تمام آنها مشکل دارد؛
- افکار مردم در انتخابات با بمبارانهای تبلیغاتی و شعارهای رنان و دور از واقعیت منحرف میشود، و آنها نمیتوانند درست تصمیم بگیرند؛
- بسیاری از مردم بر اساس حقانیت و لیاقت رأی نمیدهند، بلکه با دریافت مقداری پول رأی خود را به صندوقها میریزند (صمیم: ۱۱۲-۱۱۱).

این‌که انتخابات چون هر امر اجتماعی دیگر با چالش‌های مواجه است، واضح است. ولی دیده می‌شود که این‌جا جهت‌داری پرداخت بیشتر از توضیح چالش‌ها است. در ادامه‌ی مشکلات پروسه‌ی انتخابات چنین آمده است: «تمام اینها سبب میشود تا امت نتوانند از طریق انتخابات، فرد شایسته و درستی را برگزینند. تجربه‌های انتخابات در بسیاری از کشورها این حقیقت مسلم را واضح ساخته است که مردم نتوانسته‌اند فرد اصلح را از میان خود به زعامت و رهبری کشور برگزینند» (همان: ۱۱۲). باری، با اما و اگرهای انتخابات به عنوان روشی به رسمیت شناخته می‌شود. با این‌حال در عنوان بعدی که پرسش «کدام گزینه؟» است، روش انتخاب از «سوی اهل حق و عقد» بهتر، شایسته‌تر و مناسب‌تر خوانده می‌شود: «طوری‌که ملاحظه نمودیم اکثر فقهای اسلام در انتخاب و گزینش رهبر شیوه‌ی انتخاب از سوی

اهل حل و عقد را بهتر و شایسته‌تر و مناسب‌تر با روح منابع دینی و نظام سیاسی اسلام میدانند، زیرا این شیوه از سوی خلفای راشدین و در عصرهای اولیه تعقیب شده و نتیجه خوبی داشته است. اما در کنار آنها با شیوه‌های دیگر آنگونه که ملاحظه نمودیم مشکلی ندارد. در منظومه سیاسی اسلام پیوسته روی انتخاب اصلح، مشارکت امت، حضور علما و نخبه‌گان و برگزیدگان تأکید صورت گرفته حالا به هر نحوی که این مأمول بر آورده میشود، اشکالی ندارد» (همان: ۱۱۲).

در درسگفتار نگرهار ذیل بحث «موازنه‌ی حکومت اسلامی با نظام‌های دیگر» آمده است: «حکومت اسلامی یک نظم قطعی الهی است که بر نظام‌های قبلی و فعلی چونان برتری دارد مثل برتری طلا بر آهن یا روشنی بر تاریکی...» (رحمانی، ۱۳۸۹: ۲۶۸). هم‌چنین دموکراسی «حکومت بی دین غربی» و «حکومت مردم تعریف» شده، و با آن چه نظام اسلامی تشریح می‌شود، متفاوت دانسته شده است. در واقع به این مورد ذیل تقابل دوتایی «اصول فاسد نظام غربی» و «اصول صالح حکومت اسلامی» پرداخته شده است. این تقابل سخیف و شریف توأم با قضاوت که می‌تواند باعث تندوری و تنش باشد به شکل زیر بیان شده است:

اصول فاسد نظام غربی

- سکولاریسم: یعنی بی دینی و دنیا پرستی
- نشنلزم: یعنی قوم پرستی
- دیموکراسی: یعنی حکومت مردم

اصول صالح حکومت اسلامی

- بندگی و اطاعت الله در مقابل بی دینی
- انسانیت (بشریت) در مقابل قوم پرستی
- خلافت مردم و حاکمیت الله در مقابل حاکمیت مردم

۱.۴. سکولاریسم و اسلام

مورد دیگری که مبین تأکید بر تفاوت نظام مورد بحث و پیشنهادی متون با نظام‌های دیگر است، بحث در باب سکولاریسم و اسلام است. این‌جا نیز واسازی تقابل‌زا است. در درسگفتار کابل ذیل مبحث «سیکولاریزم (جدایی دین از سیاست) و عوامل آن»، تعریفی که از سکولاریسم ارائه می‌گردد، سطحی و عامیانه است. سکولاریسم در این تعریف به مثابه‌ی بی دینی و ضد دین بودن تعریف می‌شود. تعریفی محدود که ظرف کثرت‌گرایی و همدیگرپذیری این نظام را دربر نمی‌گیرد. ظرفیتی که کشورهای

متعددی با بهره‌مندی از آن، با وجود همه‌ی پیچیدگی‌های دنیای جدید، موفق به سامان‌دهی اجتماعی و سیاسی کشور خویش شده‌اند. «معنی سیکولاریزم: سیکولاریزم مختصراً به معنی جدایی دین از دولت یا به معنی درست کلمه‌ی سیکولاریزم لا دینی، حق هجوم بر دین و مفاهیم [و مفاهیم] دینی، زدودن دین از واقعیت زندگی، و عدم دخالت دین در حکومت است» (مسلمیار، ۱۳۹۶: ۵۳). در ادامه سیکولاریسم پدیده‌ی غربی به ویژه «نصرانی» خوانده شده، که «توسط تأثیر استعمار و تبشیر کمونیستی به تمام اطراف جهان رسید.» بعد هم به عوامل به میان آمدن سکولاریسم پرداخته می‌شود. این عوامل در جوامع غربی و اسلامی جداگانه مورد بحث قرار می‌گیرد. عوامل غربی آن «رجال دین (دین مسیحی)»، «ایجاد محاکم تفتیش عقاید و قیام کلیسا بر ضد علم» و «انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹م» خوانده می‌شود. در قسمتی از عامل نخست آمده: «اروپا دین حقیقی عیسی (علیه السلام) که الله جل جلاله نازل کرده بود هیچگاهی نشناخته و پیروی آن نبوده است، بلکه آنچه را که بنام "دین عیسویت" پذیرفت، صورت تحریف شده‌ی دین عیسی علیه السلام بود که توسط "پولس" معرفی گردید و در نقاط مختلف زمین بخصوص اروپا منتشر شد» (همان: ۵۴). در این کتاب و درس‌گفتارهای دیگر ثقافت، از اسلام حقیقی و غیر حقیقی سخن به میان آمده، ولی در این‌جا در مورد مسیحیت نیز از حقیقی بودن و غیر حقیقی بودن سخن گفته می‌شود. بر اساس این منطق احترام به باورهای مختلف یا باور دیگری به مثابه‌ی باورهای هم‌ارز با باورهای خودی صورت نمی‌گیرد. روایت‌های غیر خودی از دین، حقیقی پنداشته نمی‌شود. این مسئله در هر دو مورد خشونت آفرین است و می‌تواند به تندروی بیانجامد.

در بخش عوامل ورود سکولاریسم به جوامع اسلامی «عدم آگاهی درست از اسلام»، «اشغال و استعمار خارجی»، «فعالیت موسسات تبشیری و احزاب لادینی در سرزمین‌های اسلامی» و «اختلافات داخلی مسلمانان» عامل تلقی می‌گردد. در مورد نخست، «عدم آگاهی درست از اسلام» آمده است: «بعد از گذشت قرون اولیه اسلامی که دوران اقتدار مسلمانان و دوران شگوفایی تمدن اسلامی بود مسلمانان کم‌کم از فهم درست اسلامی بنا به عوامل متعددی مثل اختلافات فرقه‌ای در میان مسلمانان، توجه بیش از حد به دنیا و مادیات، برداشت‌های نادرست از دین تحت عناوین کلام و تصوف و دهها عامل دیگر سبب این گردیده که توجه جدی به فهم دین صورت نگرفته و رفته رفته آگاهی مردم از اسلام سطحی و قشری گردید؛ و این باعث شد که مسلمانان در مقابل تهاجمات فکری غربی‌های توانایی ایستاده گی و جواب دادن به شبهات شان را از دست دادند که یکی از ابزارهای غربی‌ها در جنگ

فکری آنها سیکولاریزم [جدایی دین از دولت] بود؛ گرچه همیشه عده‌ای از مسلمانان آگاه و متعهد از خطر پذیرش این افکار زنگ خطر را به صدا در آورده اند اما حقیقتاً توجه زیادی به این هوشدار ها، هنوز که هنوز است صورت نگرفته است» (همان: ۵۹). دیده می‌شود بی‌طرفی‌ای که می‌تواند ضامن علمی بودن متن باشد، دیده نمی‌شود. از مواردی که سکولاریسم با اصل کثرت‌گرایی، با وجود تنوع فرهنگی، باعث جلوگیری از تندروی و تنش شده مثالی زده نمی‌شود.

در درسگفتار هرات توانایی رد نظریه‌ی جدایی دین از سیاست و پاسخ به کسانی که قائل به چنین جدایی‌اند از مقاصد درس دانسته شده است. در این مورد با تأکید بر پیوند اسلام و سیاست آمده است که شرکت‌کننده‌گان باید «بتوانند نظریه‌ی جدایی دین از سیاست را با رویکرد علمی رد کنند» و «بتوانند پاسخ کسانی را که قایل به جدای دین از سیاست اند بدهند» (صمیم، ۱۳۹۶: ۱۷). در ادامه، ذیل عنوان «نگاهی به علل تفکر جدایی دین از سیاست» در پاسخ به پرسش رابطه‌ی دین و سیاست دو پاسخ مطرح می‌گردد. این پاسخ‌ها توأم با قضاوت و تقابل دوتایی اند: «پاسخ دین مدارانه: که از سوی متدینین ارائه می‌گردد؛ و پاسخ دین ستیزانه: که از سوی دین ستیزان و یا دین گریزان ارائه می‌گردد» (همان: ۷۳).

برای واکاوی بیشتر این مسئله به زعم درسگفتار «پندار جدایی دین از سیاست» به بررسی گرفته می‌شود. سکولاریسم چونان پدیده‌های «دیموکراسی به سبک جدید، سرمایه‌داری، کمونیزم، حقوق بشر و حقوق زن با تفسیر غربی» پدیده‌ی اروپایی خوانده می‌شود. علل پیدایش آن در قرون میانه جستجو شده و استبداد دلیل آن خوانده می‌شود. این استبداد در سه بخش دینی، اقتصادی و سیاسی تشریح می‌شود. در بخش دینی آمده است:

دین رایج در اروپای قرون وسطا، مسیحیت استوار بر نسخه‌های تحریف شده‌ی اناجیل بود، نه بر ارزشهای توحیدی و آموزه‌های کتاب مقدس انجیل که بر سیدنا حضرت عیسی ناز شده بود. بر این اساس پاپها و کشیشها که خود را مالک کلیسا می‌دانستند، مدعی بودند که نمایندگان خدا در روی زمین اند، و هیچ نظری نباید مخالف نظر آنها ارائه گردد، و این آنها هستند که باید وارث تاج و تخت و تمام داشته‌های مردم اعم از مادی و معنوی باشند. حق تفسیر کتاب مقدس را نیز در انحصار خود قرار داده بودند و آنرا به گونه‌ای تفسیر میکردند که منافع خودشان را تأمین کند (همان: ۲۰).

در این جا از این بحث که بعد از پیدایش ادیان ما فقط فهم دین را داریم خبری نیست. واسازی‌ها از نوع حقیقی و غیر حقیقی - تحریف شده - است. این نوع واسازی را در نظر فرق مختلف اسلام نسبت به یکدیگر نیز می‌توان دید. نکته‌ی مهم این جاست که این مورد درباره دین مسیحیت نیز مطرح

می‌گردد. گذشته از این، با وجود آسیب‌شناسی خوبی که صورت می‌گیرد، در وضعی که واضح است، این موضوع به جهان اسلام بسط داده نمی‌شود تا نتیجه‌ی مشابه کسب گردد. بلکه کوری به سبب تعصب دلیل رو نیاوردن آن‌ها به اسلام و رفتن به سمت سکولاریسم خوانده می‌شود. «...اشکال در این است که سکولاریزم معاصر دین اسلام را قیاس به دین عیسویت قرون وسطا مینماید، و آن طرح جدایی دین از سیاست قرون وسطایی را در مورد اسلام نیز تعمیم میدهد، درحالیکه بین اسلام و مسیحیت تحریف شده تفاوت فاحش وجود دارد» (همان: ۲۳). این مورد در زمانی بیان می‌گردد که جهان اسلام از نشانی فرق مختلفی که هر یک دیگری را تحریف شده می‌پندارند در حال جنگ و جدال بسر می‌برد. در پایان هم نتیجه گرفته می‌شود: «با اینحال در این شکی نیست که دین و سیاست لازم و ملزوم یکدیگرند، البته منظور ما از دین در اینجا دین اسلام است. رجوع به منابع این دین که در رأس آن قرآن کردم و سنت رسول الله قرار دارد، ما را متوجه این حقیقت و این پیوند می‌نماید» (همان: ۲۳).

در درسگفتار ننگرهار هم قسمیکه قبلاً آمد سکولاریسم «بی دینی و دنیا پرستی» تعریف شده است. در این‌جا نظام سیاسی اسلام متفاوت از نظام‌های «شاهنشاهی، پارلمانی، جمهوری، دکتاتوری، سوسیالیستی، فاشستی و نازی» خوانده شده است.

از این‌جا، میان این مباحث و خواست ۲۲.۵ درصدی تغییر حکومت از سوی دانشجویان در پاسخ به پرسش «اگر نظام سیاسی افغانستان اسلامی نیست، آیا موافق تغییر نظام سیاسی افغانستان هستید؟ اگر بلی، به کدام نظام؟» (جدول ۱۳) رابطه‌ی معنا داری برقرار می‌گردد. چه اگر قرار باشد از دموکراسی و سیکولاریسم چنین تعریفی ارائه گردد، دانشجو به آن بدبین خواهد می‌شود.

۱.۵. روابط دولت‌ها

بحث دیگری که در متون مستوجب تغییرات بنیادی است، مبحث روابط دولت‌ها است. چه از این منظر برخلاف حقایق موجود جهان - تنوع فرهنگی کشورها در معنای بزرگ آن - جهان به اسلام و غیر اسلام، یا در جاهای دیگر دار اسلام و دار کفر، تقسیم می‌شود. این واسازی دوتایی زمینه‌ی باز تعریف روابط کشوری را در زمانی متوقع است که کشورها عملاً بر اساس منافع ملی‌ای که تعریف می‌کنند، روابط شان را با جهان شکل می‌دهند. اگر منطق آمده در این متون مورد پذیرش قرار گیرد، روابط کشور باید به صورت بنیادی و اساسی از نو تنظیم گردد.

در درسگفتار کابل در بحث روابط دولت اسلامی با دولت‌های دیگر، دولت‌ها به دو گروه - اسلامی و غیر اسلامی - تقسیم می‌شود. بر اساس این تفکیک روابط با دولت‌های غیر اسلامی روابط بین‌الملل تلقی می‌شود نه روابط با کشورهای اسلامی. چه مسلمانان از این منظر دارای نظام واحد - خلافت اسلامی - اند. اگر امروز چنین نظامی وجود ندارد، باید در راستای برپایی آن تلاش صورت گیرد.

روابط دولت اسلامی با دولت‌های اسلامی:

چنانچه در مباحث گذشته به این موضوع اشاره نمودیم که در اندیشه سیاسی اسلامی مسلمانان همه دارای یک نظام واحد اسلامی (خلافت اسلامی) بوده و همه افراد امت اسلامی (همه کسانی که به لا اله الا الله و محمد رسول الله قایل هستند) بدون در نظر داشت نژاد، منطقه، لسان و غیره اتباع حکومت اسلامی بوده و در همه موارد با همدیگر حقوق مساوی دارند؛ اما از آنجائیکه متأسفانه وضعیت فعلی مسلمانان چنین نیست باز هم بالای نظام‌های حاکم در جوامع اسلامی شدیداً لازم است که تا رسیدن به این مهم‌ترین تلاش خود را در جهت ایجاد اتحاد مسلمانان به خرج دهند (مسلمیار، ۱۳۹۶: ۱۹۵).

روابط دولت اسلامی با دولت‌های غیر اسلامی: قسمی که در بالا اشاره شد، تنها این مورد روابط بین‌الملل پنداشته می‌شود. از طرف دیگر، باز هم با بحث اینکه اسلام همه‌ی عرصه‌های زندگی انسان را در بر می‌گیرد، قوانین و اصول روابط بین‌الملل نیز از دست‌آوردهای اسلام در چهارده قرن پیش خوانده می‌شود. این فهم که گویا روابط بین‌الملل از دست‌آوردهای تمدن غربی باشد، اشتباه خوانده می‌شود. بحث نخست در ادامه‌ی این مطلب زیر عنوان «مبانی روابط انسانی در اسلام و شرایط آن در روابط بین‌الملل» است. این مبحث شامل کرامت انسانی، وحدت جامعه بشری، تعاون، تسامح، آزادی، التزام به ارزشهای اخلاقی، عدالت، معامله بالمثل، وفا به عهد، و ایجاد مودت و جوگیری از فساد می‌شود.

پارادوکسی میان این موارد و بحث گسترش اسلام، امر به معروف و نهی از منکر، و ارتداد و تکفیر به وجود می‌آید. چه اگر قرار باشد دولت اسلامی در راستای نشر دعوت و گسترش اسلام تلاش و مجاهدت کند، دیگر تسامحی در کار نیست. «قبل از انقیاد تمام جهان در برابر حکم الله زمین به دو بخش تقسیم می‌شود: دار اسلام و دار الکفر» (همان: ۷۴). بر این اساس دار اسلام جایی است که تحت سیطره مسلمانان باشد. سرزمین مسلمان هم بر اساس باور است، مسلمان با گل و خاک مکانی رابطه‌ی ندارد که آن‌جا وطن‌اش باشد. وطن مسلمان دارالاسلام است؛ جایی که شریعت تطبیق می‌گردد.

دارالکفر به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱- دار الحرب: سرزمینکه در آن تسلط و قدرت بدست غیر مسلمانان قرار داشته، منقاد دین الله نباشند، و در میان دولت اسلامی و آن کشور عهد و پیمانی وجود ندارد. ۲- دار العهد: سرزمین کفری، ولی در میان آنها و مسلمانان عهد و پیمان وجود دارد، با پیمان آتش بس و با پیمان

صلح که در برابر آن آماده پرداخت جزیه برای دولت اسلامی باشند. در بعضی موارد احکام هریک از این سرزمین‌ها از هم تفاوت دارد، تفصیلات آن در کتاب‌های فقه به صورت مشروحه آمده است (همان: ۷۵). احتمالاً احکام دارالکفر در زمان تشریح درس به صورت شفاهی بیان گردد و از ضرورت جهاد نیز تشریح گردد. اگر از کسی به موجب داشتن باور متفاوت جزیه گرفته شود، و یا به دلیل ترک دین کشته شود، دیگر بحث آزادی و کرامت انسانی مطرح نیست.

مرتبط با این مورد قابل ذکر است؛ تأثیر مبحث به گونه‌ی بوده که ۷۵.۳ درصد دانشجویان موافق تلاش برای گسترش اسلام اند (جدول ۶۹). از این میان، مرتبط با متن بالا که مربوط به درسگفتار انتخاب شده از کابل می‌شود، مشخصاً ۷۱.۴ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده از دانشگاه کابل موافق تلاش برای گسترش اسلام بوده‌اند (جدول ۷۰).

درسگفتار هرات نیز با تأکید بر اولویت داشتن روابط با سایر کشورها در فقه سیاسی اسلامی و بیان اصول این روابط به «دسته‌بندی کشورها در فقه اسلامی» می‌پردازد. «داشتن روابط با کشورها و ملل مختلف جهان یکی از اولویات فقه سیاسی اسلامی نیز هست که هم فقهای قدیم و هم جدید در کتابها و تحقیقات خود به آن به خوبی پرداخته‌اند...» (صمیم، ۱۳۹۶: ۱۵۲). از این منظر نیز کشورها به دار اسلام و دار کفر تقسیم می‌شود.

فقه پر بار اسلامی، به منظور ایجاد رابطه با سایر ملل جهان، قوانین و احکام مشخصی را تنظیم و ارائه کرده است که رعایت این قوانین، ضامن و کفیل رابطه انسانی و مسالمت آمیز یک مسلمان با سایر ملل جهان است. در این فقه، مجموع انسانهای روی زمین در چند کته گوری ذیل گروه بندی میشوند که تعامل با هر کدام از آنها تابع احکام و ضوابطی است» (همان: ۱۵۶).

«کته‌گوری» اول این تقسیم‌بندی «دار اسلام» است.

از نظر فقهای احناف دار کفر زمانی دار اسلام میشود که در آن احکام اسلامی ظاهر و غالب باشد و دار اسلام در نظر امام ابوحنیفه زمانی دار کفر میشود که سه شرط در مورد آن تحقق یابد: احکام کفر در آن غلبه یابد، هم مرز دار کفر باشد، در آن هیچ مسلمان و هیچ ذمی با امان اول یعنی امان مسلمانان در امان نباشد، زیرا در نظرگاه امام ابوحنیفه مقصود عین اسلام و کفر نیست بلکه امن و خوب است. یعنی اگر امنیت مطلق از مسلمانان بود و خوف مطلق از کافران آن دار دار اسلام به شمار میرود و اگر امنیت مطلق از کافران بود و خوف مطلق از مسلمانان در چنین حالی آن دار دار کفر به شمار میرود و احکام شرعی مبنی بر خوف و امان است نه بر کفر و اسلام (همان: ۱۵۷-۱۵۶).

در عصری که به لحاظ اجتماعی حقوق شهروندی مطرح است و مسأله‌ی اساسی را تشکیل می‌دهد، تقسیم اعتقادی کفر و اسلام و طرح خوف و امان، ساده‌سازی صورت مسأله به نحوی است که می‌تواند به تندروری منجر شود. از طرفی هم به لحاظ تنوع فرهنگی، که بر اساس قوانین اساسی و حقوق

شهروندی به وجود آمده است، چنین امری امروزه ملحوظ نیست. امروزه کمتر کشوری را با هم‌گونی اعتقادی می‌توان سراغ داشت. در واقع از افتخارات جوامع چندفرهنگی امروز اعطای حقوق برابر اجتماعی به خرده فرهنگ‌ها است. باری، در ادامه‌ی مبحث «دستورالعمل»‌های برای رفتار بر اساس تقسیم‌بندی که امروز موضوعیت ندارد، بیان می‌شود.

فقه اسلامی، ما را ملزم میکند تا بر اساس دستورالعمل ذیل با دار اسلام یا کشورهای اسلامی رفتار کنیم: آنها کشورهای برادر اند... همکاری و دوستی ما باید بیشتر با آنها باشد... حق تجاوز و اهانت بر آنها را نداریم... هرگاه در بین شان آتش جنگی شعله ور گردید، باید در بین آنها میانجیگری کنیم... با دشمنان شان همکاری نکنیم... در مصیبت‌ها و مشکلات با آنها همدردی و همکاری نمائیم (همان: ۱۵۷).

تصور عواقب سناریوی مورد قبول افتادن این تقسیم‌بندی بر دانشجو ساده است. از نظر دانشجویی که این مورد را فرا می‌گیرد و برایش مورد قبول می‌افتد، دولت افغانستان در نزدیکی با امریکا و دوری از مثلاً ایران اشتباه می‌کند. چه این که در عوض به دلیل مسلمان بودن - برادر بودن - ایران باید دولت افغانستان با ایران همکاری کرده و از همکاری با دشمن آن که امریکا باشد بپرهیزد. حالا اگر چنین نمی‌کند منطقی است که نتیجه عملکرد خلاف اسلام از این رفتار دولت حاصل شده و به آن واکنش نشان داده شود. نفوذ گروه‌های تندرو خلافت خواه در دانشگاه‌های کشور، چنین زمینه‌ی دارد.

در ادامه‌ی مبحث دار کفر به دار حرب، دار عهد و دار محایده تقسیم و تشریح می‌شود. این تقسیم و تشریح نیز چونان مورد قبلی موضوعیت امروزی ندارد. نتایج آماری پژوهش نشان می‌دهد که ۸۵.۷ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده دانشگاه هرات با تلاش برای گسترش اسلام موافق بوده‌اند (جدول ۷۱). در درسگفتار ننگرهار به پالیسی روابط خارجی اشاره‌ی صورت گرفته است. در کنار وظایف دیگر خلیفه، تنظیم پالیسی روابط خارجی پانزدهمین وظیفه وی خوانده شده است: «وظیفه‌ی پانزدهم خلیفه‌ی مسلمانان داشتن روابط با حکومت‌های دیگر و ساختن پالیسی روابط خارجی است. پالیسی روابط خارجی می‌تواند در روشنای سنت نبوی و قران عظیم الشان تنظیم شود» (رحمانی، ۱۳۸۹: ۲۳۹).

در مصاحبه‌های که با اساتید مضمون انجام شده است نیز جهان به دار اسلام و دار کفر تقسیم می‌گردد. در مواردی بنا به دلایلی آن را مستوجب تندوری و خشونت نمی‌دانند، درحالی که اساس این تقسیم اعتقادی است. عبدالجلیل فقیه - از دانشگاه کابل - در این مورد می‌گوید:

وقتی که ما از تقسیم اسلام صحبت می‌کنیم و جهان را به دار اسلام و دار کفر تقسیم می‌کنیم، منظور ما این نیست که کسانی که در دار کفر زندگی می‌کنند، حیوانات هستند. این تقسیم سیاسی است و این تقسیم را هنوز هم داریم، مگر در نظام‌های دیگر بنام جهان اول و جهان دوم نداریم؟ آیا این تقسیم‌بندی خشونت را به بار آورده است که دار اسلام و دار حرب ما خشونت را به بار بیاورد؟ اصولی که برای دار

اسلام و دار حرب گذاشته شده است، اصول خشونت نیست و به عنوان خشونت تقسیم نشده است، بلکه به عنوان یک سلسله مکلفیت‌ها و مسؤولیت‌ها تقسیم شده است» (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

ملاحظه می‌شود که تقسیم اعتقادی دار اسلام و دار کفر با تقسیم سیاسی، اقتصادی و توسعه‌ای جهان اول، دوم و سوم توجیه می‌گردد. عبدالوهاب نوینی از دانشگاه هرات برخلاف مورد قبلی به این تقسیم‌بندی دید انتقادی دارد. در پاسخ به این که آیا چنین تقسیم‌بندی‌ای مستوجب تندروی نیست، می‌گوید:

واضح و مشخص است که باعث تندروی می‌گردد، اگر شما به دارالاسلام و دارالکفر نگاه کنید، در دارالاسلام فقط مسلمان‌ها می‌توانند به سلامت کامل زندگی کنند. تعداد افرادی که به اصطلاح اقلیت‌های دینی دیگر اند، می‌توانند تحت عنوان حربی، ذمی و مستامن جای بگیرند. اتفاقاً همین عناوین به نحوی از انحا و شکلی از اشکال بیان‌گر نوعی خشونت است در مقابل اقلیت‌های دینی. وقتی شما فقه را مطالعه می‌کنید، در آموزه‌های فقهی می‌بینید که یادآوری گردیده است: افرادی که ذمی‌اند، نباید بر وسیله‌ی سواری‌ای که مسلمان استفاده می‌کند، سوار شوند. مثلاً در فقه آمده است که ذمی حق ندارد بر اسب که وسیله‌ی استفاده‌ی مسلمان است، سوار شود، اما می‌تواند که بر مرکب یا خر سوار شود. راه را بر ذمی باید بند کرد یا تنگ کرد. اینها موارد جزئی‌اند که ذکر می‌کنم. یا اگر ذمی می‌آید که جزیه بپردازد، مسلمان باید در جای‌گاه خود نشسته و تکیه کرده باشد و جزیه را بگیرد، ذمی حق ندارد که جزیه را بوسیله‌ی خادم خود انتقال دهد، باید که فرد ذمی خودش انتقال دهد. این حس حقارت در فرد ذمی وجود داشته باشد؛ زمانی که جزیه را می‌پردازد، فردی که جزیه را می‌گیرد نشسته است، به فرد جزیه‌دهند که ایستاده است بگوید: اعطی یا عدوالله، بده ای دشمن خدا! از این قبیل قضایا زیاد است... اگر ذمی می‌خواهد که از جایی به جای دیگری نقل مکان کند باید که اجازه بگیرد، اگر برایش اجازه داده شد، می‌تواند برود. اگر در مسیر خود مسلمانی را می‌بیند، وظیفه دارد که به احترام مسلمان توقف کند و به مسلمان سلام کند، چنین قضایای واضح و مشخص است که می‌تواند تندروی را به سطح بالایی ترویج دهد (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

سید صفت‌الله سادات - از دانشگاه ننگرهار - می‌گوید: «در اسلام حدود مشخص است. دار اسلام هم مشخص است و دار کفر هم مشخص است (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

۲. کامل‌پنداری و کمال‌پنداری

یکی از ویژگی‌های بارز رادیکال‌ها باور تام و تمام‌شان به درستی کامل و به کمال رسیده‌ی موردی که ارائه می‌کنند است. این مورد را می‌توان به لحاظ روانی فهمید و واکاوی کرد. انسانی که به لحاظ روانی از باور و ایدئولوژی خود به تمام اشباع می‌شود، و آن را کامل‌ترین و درست‌ترین می‌پندارد، در عمل به خود اجازه می‌دهد که در صورت ابتدایی آن را به دیگران توصیه و در صورت پیش‌رفته تحمیل کند. چه در مقابل انسانی که در دستگاه فکری‌اش مکانی برای شک و تردید وجود دارد، به کثرت‌گرایی باورمند شده و کوشش می‌کند باورش را برای خودش نگهدارد. یا در پیش‌رفته‌ترین حالت آن را به وسیله‌ی سخن یا قلم بیان کند. فشرده اینکه تحمیل و تندروی یکی هم ناشی از کامل‌پنداری و کمال‌پنداری است.

این مورد - کامل‌پنداری و کمال‌پنداری - در متون درسگفتارهای نظام سیاسی اسلام به تکرار دیده می‌شود که می‌تواند زمینه‌ساز تندروی دینی باشد. از طرفی هم آمارهای پژوهش نشان می‌دهد که ۹۲.۸ درصد دانشجویان به این باورند که اسلام کامل‌ترین دینی است که باید همه پیرو آن باشند (جدول ۵۷). این نشان می‌دهد که تأثیر مباحث بر دانشجویان به گونه‌ی قابل ملاحظه بوده است. در ادامه این قسمت مواردی از کامل‌پنداری و کمال‌پنداری در درسگفتارها بررسی می‌گردد.

۲.۱. تعریفی که از دین ارائه می‌شود

دین در روایتی که این‌جا ارائه می‌گردد نه تنها به عنوان تنظیم‌کننده‌ی مناسبات معنوی انسان‌ها بلکه در سطح یک ایدئولوژی تنظیم‌کننده‌ی همه روابط اجتماعی و فردی خوانده می‌شود. در این مفهوم دین تمام جنبه‌های زندگی انسان را در بر گرفته و انسان ملزم به پیروی از آن است. می‌دانیم ایدئولوژی‌ای که بر اساس درستی از قبل مسلم فرض شده‌ی خود در تمام شئون زندگی انسان مداخله کند، در مطالعات سیاسی توتالیتر خوانده می‌شود. مطابق متون درسی مورد بررسی نیز دین تنظیم‌کننده‌ی همه‌ی شئون زندگی فرد است. چنین امری ممکن در به لحاظ نظری قابل طرح و دفاع باشد ولی در عمل، زمانی که بخواهد به مناسبات فردی و اجتماعی انسان‌ها سامان بدهد، تبدیل به توتالیتریسم می‌شود.

در درسگفتار کابل، در مورد تعریف اسلام آمده است:

سید قطب نیز در تفسیر مشهورش در بیان تعریف اسلام چنین آورده است: «اسلام، ایدولوژی [ایدئولوژی] و منهجی است خاص که دارای ویژگیهای منحصر به فرد میباشد این ویژگیها هم جنبه‌ای اعتقادی و هم جنبه‌ای تشریحی را در بر میگیرد و با تمام زندگی و حیات در ارتباط است. چنین ارتباطی خواه سیاسی باشد یا اقتصادی و خواه اجتماعی و اسلام منهجی است که به منظور رهبری بشریت در تمام زمینه‌ها نازل شده است (مسلمیار، ۱۳۹۶: ۶).

از یک طرف کامل‌پنداری و کمال‌پنداری در متن هویدا است و از طرف دیگر دیده می‌شود که اسلام از منظر سید قطب برای دانشجویها تعریف می‌شود. منظری که در دهه‌های گذشته محور تندروی دینی بوده است.

تقریباً تمامی نویسندگان و محققان، سید قطب را از الهام‌دهندگان اصلی جنبش بنیادگرایی مدرن می‌دانند. از او به عنوان بزرگ‌ترین ایدئولوگ تأثیرگذار بر جنبش اسلام‌گرای معاصر، معمار اسلام رادیکال و پدر جنبش‌های افراطی مسلمان در سراسر جهان یاد شده است. وی به عنوان ایدئولوژی مبارز، بنیادگرایی معتدل اخوان المسلمین را به افراطگرایی و رادیکالیسم دهه ۱۹۷۰ تبدیل کرد. قطب نظریه‌پرداز و رهبر فکری اسلام افراطی قرن بیستم شناخته می‌شود (میراحمدی و مهربان، ۱۳۸۷).

در ادامه هم نظر بنیان‌گذار «اخوان المسلمین» می‌آید:

حسن البناء نیز تعریفی جامع از اسلام ارائه میدهد و می‌فرماید: «اسلام نظام و سیستم است، نظامی کامل و شامل که تمام پدیده‌های زندگی را در بر میگیرد، زیرا چنین نظامی هم دولت است و هم کشور و هم حکومت. چنین نظامی - در برگیرنده - اخلاق و قدرت و عدالت میباشد. چنین نظامی - در برگیرنده - فرهنگ و قانون و قضا میباشد. مادیات و کسب ثروت را در بر میگیرد. جهاد و دعوت را نیز شامل میشود (مسلمیار، ۱۳۹۶: ۶).

نام‌هایی که - سید قطب و حسن البناء - بر زبان متن جاری می‌شود، نشانی‌ای تندروی دینی اند. بعد هم...مسلمانان میدانند که دین کامل شان زمانی بطور کامل تطبیق می‌گردد که تمامی احکام آن بطورت کل بدون کدام نقیصه‌ی تطبیق گردد» (همان: ۶۵). در مقایسه‌ی ساده‌سازانه‌ی که صورت می‌گیرد، نظام سیاسی اسلام در مقایسه با نظام‌های دیگر که وضعی خوانده می‌شود، معتدل و متوازن خوانده می‌شود:

نظام سیاسی اسلام معتدل و متوازن است، بر خلاف نظامهای وضعی که افراط و تفریط همزاد و جزء جدائی ناپذیر آنان می باشد. نظام سیاسی اسلام نه مانند نظام های دکتاتوری رعیت را کاملاً سلب صلاحیت مینماید، و نه مانند نظام های دموکراسی مردم را مصدر قانون پنداشته، مردم را همه کاره میداند (همان: ۲۹).

مرتبط با متن فوق، بر اساس یافته‌های پژوهش ۸۶ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده از دانشگاه کابل با پرسش «به نظر شما، آیا اسلام کامل‌ترین دینی است که باید همه پیرو آن باشند؟»، موافقت نشان داده‌اند (جدول ۵۸). مبشر مسلمیار - نویسنده‌ی کتاب و از اساتید دانشگاه کابل - نیز در مورد می‌گوید: «براساس باور اسلامی، اسلام برای زندگی انسان نظام کامل است. از جانب الله (ج) تمام ابعاد زندگی انسان تنظیم شده است» (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

در درسگفتار هرات در مورد دین آمده است: «دامنهٔ دین گستره است. در این دامنه عقیده و باورهای گوناگون مرتبط به نحوهٔ نگاه به دنیا یا "جهان‌بینی"، عقیدهٔ به آخرت، نحوهٔ تنظیم رابطهٔ انسان با خدا، اخلاقیات، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، علم، تمدن، و خلاصه هر آنچه مربوط به زندگی انسان و تنظیم رابطهٔ او با خالق، با دنیا و هستی، با انسان و با آخرت است وجود دارد...» (صمیم، ۱۳۹۶: ۱۸). بیان و پذیرفتن محتوای این چنینی که به عبارتی مشرف بر هر دو حوزه‌ی عمومی و خصوصی است، در صورت فعلیت یافتن نظام بسته و توتالیتری خواهد بود. از این جمله با کامل‌پنداری بر ارتباط اسلام و سیاست تأکید می‌شود: «در کنار دلایلی که از نقل ذکر شد، عقل نیز چنین حکم میکند که باید اسلام با سیاست پیوند داشته باشد، زیرا دینی که ادعای رهبری انسانها را دارد، باید کامل باشد و این کمال ایجاب پرداختن به مسایل سیاسی و حکومتداری را نیز میکند...» (همان: ۲۷). دیده می‌شود که «باید» حکم عقلی دلیلی یا برهانی برای خودش ندارد. در واقع بر اساس همان دلایل نقلی است که عقل باید چنین حکم بکند. ادامه می‌یابد:

نظام سیاسی اسلام در ساختار خود به گونه‌ی طراحی شده و عمل میکند که نظم موجود در کشور را در تمام ابعادش اسلامی بسازد، یعنی بر وفق آموزه‌های دینی رنگ آمیزی و برنامه ریزی کند. شکی نیست که چنین مأمولی در قلّهٔ فعالیت‌های نظم سیاسی اسلام قرار دارد... پس وقتی که ما میگوییم نظام سیاسی اسلام این نظام متشکل از تمام ابعاد خود است، اعم از فرهنگ، نظام، تمدن، اقتصاد، شهر نشینی، قوت نظامی، نظم شهری و از این قبیل. و به منظور تحقق عینی نظام سیاسی اسلام لازم است تا متوجه تمام این ابعاد و بخشها بود، ورنه نظام سیاسی تحقق عینی نمیابد» (همان: ۳۹).

بر اساس آمارهای پژوهش ۹۷.۵ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده از دانشگاه هرات با «به نظر شما، آیا اسلام کامل‌ترین دینی است که باید همه پیرو آن باشند؟»، موافقت نشان داده‌اند (جدول ۵۹). مرتبط با این مورد، یکی از اساتید این دانشگاه در پاسخ به پرسش هدف تدریس می‌گوید: «هدف از تدریس این مضمون این است که نشان‌دهیم اسلام با سیاست آمیخته است و تنها مثل اوضاع کلیسای قرون وسطی در غرب که باعث رنسانس شد و سکولاریزم ظاهر گردید نیست، در نهایت در مسایل اجتماعی و سیاسی اسلام نقش دارد و از ابتدا هم نقش داشته است» (ناشناس، مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

در درسگفتار نگرهار نیز آمده است:

اسلام یک نظام کامل و همه‌جانبه است که تمامی جوانب زندگی را در بر می‌گیرد. اسلام هم دولت است و هم وطن، هم حکومت است و هم ملت، اخلاق، قوت و رحمت است. عدالت ثقافت و فرهنگ است. قانون، علم و قضا است. ماده و ثروت است، کسب و کار است. جهاد و دعوت است. فکر و لشکر است. اعتقاد راستی و همه‌جانبه و عبادت است. اسلام تنها دین عبادت و گوشه‌نشینی نیست بلکه یک نظام کامل برای تمام امور زندگی است (رحمانی، ۱۳۸۹: ۱).

به جایی می‌رسد که گفته می‌شود «هیچ کدام رویداد کوچک یا بزرگی وجود ندارد که شریعت اسلامی به آن راه‌حل خوب و آسان نداشته باشد» (همان: ۳۷). یا «مقصد از دین در این‌جا تمام نظام زندگی است که الله متعال برای رهنمایی زندگی انسانی فرستاده است...» (همان: ۱۸۳). بر اساس آمارهای پژوهش ۹۷.۹ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده از دانشگاه نگرهار با «به نظر شما، آیا اسلام کامل‌ترین دینی است که باید همه پیرو آن باشند؟»، موافقت نشان داده‌اند (جدول ۶۰). مرتبط با موضوع، دل آقا و قار - از اساتید این دانشگاه - در پاسخ به هدف تدریس نظام سیاسی اسلام می‌گوید:

هدف شخصی من این است که محصلین، جوانان و فرزندان خود را با نظام سیاسی اسلام آشنا سازم. در ذهن جوانان ما شاید چنین تصویری باشد که اسلام عبارت است از پنج وقت نماز در روز، سال یک‌ماه روزه و در صورتی رفتن به حج، اما هدف اساسی ما این است که به فرزندان خود بیاموزانیم که اسلام دین کامل و جامع است. برنامه‌ی کامل زندگی است؛ چی در بخش اقتصادی، چی در بخش سیاسی و چی در بخش اخلاقی، و این موضوع را ما عملاً ثابت می‌سازیم که نظام سیاسی اسلام فقط تئوری نیست که در کتاب‌ها نوشته شده باشد، بلکه آنچه که در نظام سیاسی اسلام آمده است، عملی شدنی و قابل تطبیق است که نمونه‌های آن را نیز داریم (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

۲.۲. جهان‌شمولی و فرا زمانی

قسمی که در بالا نیز آمد، دین در این جا در سطح ایدئولوژی مطرح می‌شود. از این منظر جهان‌شمولی و فرا زمانی بودن از ویژگی‌های نظام سیاسی آن خوانده می‌شود. موردی که نشانه‌ی کامل‌پنداری و کمال‌پنداری است.

در درسگفتار کابل آمده است:

نظام جهان‌شمول و فرا زمان: برنامه‌ی اسلام همه‌گیر و جهان‌شمول است که تمام گروه‌ها، نژادها، ملت‌ها و طبقات را مورد خطاب قرار میدهد، همانگونه که برنامه‌ی زندگی برای تمامی دوران‌ها و نسل‌ها است، نه محدود به دوره‌ی معینی یا زمان ویژه‌ای که با پایان یافتن آن، کار آمدی این نیز به سر آید... نظام سیاسی اسلام که جزء جدائی‌ناپذیر برنامه‌ی اسلامی است، فرا زمانی و جهان‌شمولی‌اش این نظام را از سایر نظام‌ها تشخیص میدهد، این نظام متعلق به ملت ویژه، و یا کشور خاص، و یا مخصوص به زمان رسول الله (صلی الله علیه و سلم) و خلفای راشدین و... نبوده، بلکه خلیفه‌ی مسلمانان خلیفه‌ی وزعیم سیاسی جهان اسلام فراتر از مرزهای ساخته‌ی استعمار میباشد، همانگونه که تمام مسلمانان جهان به عنوان امت اسلامی رعیت آن و ملزم [و ملزم] به اطاعت وی هستند...» (مسلمیار، ۱۳۹۶: ۲۸).

پیدا است که انحراف توهم‌زایی وجود دارد؛ این انحراف که در جاهای مختلف می‌آید، توأم با حسرت‌زایی بستر تندروی می‌شود. در حالیکه دیده می‌شود در عمل کشورهای اسلامی‌ای که داعیه‌ی تطبیق نظام سیاسی اسلام را دارند، وضعی بدتر از کشورهای اسلامی‌ای دارند که از نظام سیکولار برخوردارند، در این جا نظام سیاسی اسلام فرا زمانی و فرامکانی و کارا آموزش داده می‌شود. آن هم نه طوری که مراد دین‌شناسانه‌ی دانشگاهی داشته باشد، بلکه با ادبیات توده‌ای که در آن با فهم آموزه و تطبیق آموزش، انتظار تکمیلی ایمان وجود دارد.

در درسگفتار هرات در این مورد آمده است:

در قوانین و شریعت اسلامی به حد لازم انعطاف وجود دارد، تا بتواند برای هر زمان و مکان و قوم و نژادی کاربرد داشته باشد. تشریح اسلامی هم کمال دارد و هم جنبه‌ی شمولیت که در دو مفهوم ذاتی و عرضی تبلور مینماید. در مفهوم ذاتی شریعت اسلام شامل تمام جوانب زندگی انسان‌هاست، و در مفهوم عرضی میتواند برای تطبیق در هر زمان و مکانی منطبق باشد... دولت اسلام برای حد و مرزهای جغرافیایی خاصی نیست؛ بلکه دولت تمام مسلمانان و تمام جهانیان است (صمیم، ۱۳۹۶: ۶۲-۷۹).

ملاحظه می‌شود که پیام نهفته‌ی متن، تمامیت‌خواهانه است. آبخور این پیام کامل‌پنداری و کمال‌پنداری‌ای است که شرحش رفت. این تمامیت‌خواهی در قالب رساندن دعوت و امر به معروف و نهی از منکر - بخش بعد - به صورت آشکار ملاحظه می‌شود.

در درسگفتار ننگرهار، در باب نظام حکومتی اسلام، آمده است:

چونان نظام شمسی، یک [نظام] یگانگی است. با این تفاوت که عناصر نظام شمسی از عقل بی‌بهره است ولی عناصر این [نظام] بهرمنند از عقل است. دنیا یکی است. خالق آن یکی است. دین و حکومت آن هم باید یکی باشد... انسانان هم باید پذیرنده‌ی حکم یک الله (مسلمانان) شوند...» (رحمانی، ۱۳۸۹: ۲۸۵-۲۸۴).

«باید»‌های متن، که از کامل‌پنداری و کمال‌پنداری سرچشمه می‌گیرد، به عنوان پیام حامل بستر رادیکالیسم است. هم‌سان‌سازی که با این تأکید ارائه می‌شود، تجربه‌ی تاریخی نشان داده است که ممکن نیست مگر با تندروی و خشونت.

۲.۳. رساندن دعوت و امر به معروف و نهی از منکر

کامل‌پنداری و کمال‌پنداری و بحث درون‌دایره‌ای به حدی می‌رسد که به تمام توصیه می‌شود. حتا بیشتر از این در مواردی با پیامی می‌آید که حامل تحمیل است. آمارهای پژوهش نشان می‌دهد که ۸۸ درصد دانشجویان موافق تطبیق امر به معروف و نهی از منکر بوده‌اند (جدول ۱۷). همچنان ۷۵.۳ درصد دانشجویان موافق تلاش برای گسترش اسلام بوده‌اند (جدول ۶۹). این آمارها نشان دهنده تأثیر مباحث مطرح شده بر دانشجویان است.

در درسگفتار کابل یکی از اهداف نظام سیاسی اسلام «تلاش بخاطر رساندن دعوت اسلامی به سراسر جهان» بیان شده است. در این مورد آمده است:

رساندن دعوت اسلامی به همه اکناف عالم در رأس وظایف دولت اسلامی قرار دارد؛ و علت برتری امت اسلامی هم در دعوت دیگران به خیر و رساندن اسلام به همه مردم دنیا می‌باشد و نظام اسلامی ممثل امت اسلامی در دعوت به سوی اسلام است؛ الله متعال در این مورد میفرماید: ... ترجمه: شما (ای پیروان محمد) بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده‌اید (مادامی که) امر به معروف و نهی از منکر می‌نمائید و به الله ایمان دارید (مسلمیار، ۱۳۹۶: ۳۸).

پارادایمی حاکم است که ویژگی بارزش مونولوگی تمامیت‌خواهانه است. مونولوگی با آبخور کامل‌پنداری و کمال‌پنداری. آنچه این پارادایم باز می‌نمایاند، جهان‌زنگار زده‌ی است که به مثابه‌ی اتوپیا ارائه می‌شود. جهانی که بر واقعیت مترتب نیست.

همچنان که ابوالحسن ندوی می‌گوید: حکومت اسلامی حکومتی هدایتگر و ارزشی است و مهمترین هم و غم آن گسترش دعوت اسلامی به همه جا و در میان همه مردم است و کارهای اساسی آن انباشتن بیت‌المال از مالیات و غیره نیست؛ زیرا رسالت اسلام پیام خیر و سعادت برای همه بشریت است، و به هیچوجه محدود کردن دامنه رحمت آن و نرسانیدن آن به همه بنده گان الله، روا نیست (همان: ۱۸۷).

بر اساس آمارهای پژوهش ۸۰.۹ درصد دانشجویان دانشگاه کابل موافق تطبیق امر به معروف و نهی از منکر بوده‌اند (جدول ۱۸). فرید احمد هروی - از اساتید این دانشگاه - در مورد می‌گوید: «در قسمت امر به معروف و نهی از منکر باید بگویم که در درون هر حکومت وجیبه امت اسلامی می‌باشد» (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

در درسگفتار هرات نیز در این مورد آمده است:

از نظر یک مسلمان، اسلام یک خوبی و کمال است که منجر به خوبی و کمال انسانها میگردد، روی این اساس یک مسلمان نباید در مودر اسلام فکر انحصار‌گرایی داشته باشد، و این دین را فقط برای خود بخوهد، بلکه باید تلاش کند تا ارزشهای والای دین مقدس اسلام را، به سایر جهانیان نیز، با استفاده از "دعوت" که بهترین معانی و ارزشهای انسانیت را در خود دارد معرفی نماید، تا آنها نیز اگر خواسته باشند از این رحمت الهی بهره من شود (صمیم، ۱۳۹۶: ۱۵۵).

این پیام لحن آرامی دارد ولی سناریوی متصور عملی آن در جهان پیچیده‌ی کنونی، با اصل احترام به تنوع فرهنگی، زمینه‌ی تنش را فراهم خواهد کرد. طوری که اگر تارک معروف یا انجام دهنده‌ی منکر سخن امر کننده را نپذیرد، کم از کم باعث دوری‌گزیدن و کینه‌پروری امر کننده نسبت به تارک یا انجام دهنده می‌شود. این چنین جامعه در دراز مدت به دو گروهی تقسیم می‌شود که یکی نسبت به دیگری، دید مثبت و خیر ندارد. بر اساس آمارهای پژوهش ۹۳.۳ درصد دانشجویان دانشگاه هرات موافق تطبیق امر به معروف و نهی از منکر بوده‌اند (جدول ۱۹). سید جمال‌الدین هروی - از اساتید این دانشگاه - در مورد می‌گوید: «امر به معروف و نهی از منکر، جزئی از وجیبه‌های دینی ما است» (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

در درسگفتار نگرهار چنین آمده است: «مقصد از حفاظت و تحفیظ اسلام این که حکومت اسلامی مراکز آموزش و پرورش دینی را راه‌اندازی کرده و دعوت اسلامی را پخش کند و مردم را با مقصد و حقیقت اسلام آشنا بسازد...» (رحمانی، ۱۳۸۹: ۱۸۳). بر اساس آمارهای پژوهش ۹۲.۸ درصد دانشجویان دانشگاه نگرهار موافق تطبیق امر به معروف و نهی از منکر بوده‌اند (جدول ۲۰). صفت الله سادات - از اساتید این دانشگاه - در مورد می‌گوید: «امر بالمعروف و وظیفه‌ی همه‌ی مسلمان‌ها است» (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

علاوه بر موارد اشاره شده، در مصاحبه‌های که با اساتید مضمون صورت گرفته نیز کامل‌پنداری و کمال‌پنداری دیده می‌شود. مبشر مسلمیار - از دانشگاه کابل - هدف تدریس خویش را تشریح کامل بودن نظام سیاسی اسلام می‌داند:

در کنار هدف کلی این که جوانان باید بدانند که اسلام برنامه‌ی کامل است برای زندگی انسان‌ها، مشخصاً در زمینه‌های سیاسی نیز اسلام برای تنظیم روابط سیاسی از خود اصول خاصی را دنبال می‌کند. باور من این است که اسلام عادلانه‌ترین و معقول‌ترین نظام سیاسی را دارد (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

عبدالجلیل فقیه نیز از دانشگاه کابل در پاسخ به پرسش هدف تدریس می‌گوید:

این که بر خلاف گفته‌های دیگران ثابت بسازیم که اسلام دین کامل و شامل است، نه تنها که در آن نظام سیاسی وجود دارد بلکه اسلام بانی نظام سیاسی برای اولین بار در تاریخ سیاسی بشر است. نظام کامل و شامل سیاسی دارد که مناسب به تمام زمان‌ها و مکان‌ها است، در پهلوی نظام‌های دیگر در زندگی، نظام سیاسی نیز دارد، در این جای شکی نیست که دشمنان اسلام، اسلام را غلط خوانده‌اند و می‌خواهند که اسلام را غلط معرفی کنند و یا می‌خواهند اسلام را با نظام‌های ناقص خود مقایسه و معرفی کنند. هم‌چنان که باورهای شان ناقص است، و در باور شان چیزی بنام نظام سیاسی ندارند، می‌خواهند که اسلام را نیز چنین معرفی کنند (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

سید جمال‌الدین هروی - از دانشگاه هرات - در مورد می‌گوید:

کمال برای الله است و برای کتاب الله است، ما چنین ادعا نمی‌کنیم که تمام اقوال صحاب را کامل بینداریم، اقوال فقها را کامل بینداریم، هرآنچه امام ابوحنیفه یا امام مالک یا امام شافعی گفته‌اند کامل است، اگر کسی چنین نوع تصویری دارد، این تصور غلط است، پس کمال‌پنداری فقط در قرآن است، قرآن کریم، کتاب الهی، کتاب کاملی است که در آن هیچ‌گونه نقصی وجود ندارد، علم قرن ۲۱ هم

نمی‌تواند که کوتاهی در قرآن پیدا کند، در غیر آن و یا پایین‌تر از آن، می‌توانیم پیرامون آن صحبت‌های داشته باشیم، پس کمال برای الله است (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

دل آقا وقار - از دانشگاه ننگرهار - در مورد هدف تدریس خویش می‌گوید:

هدف اساسی ما این است که به فرزندان خود بیاموزانیم که اسلام دین کامل و جامع است. برنامه‌ی کامل زندگی است؛ چی در بخش اقتصادی، چی در بخش سیاسی و چی در بخش اخلاقی، و این موضوع را ما عملاً ثابت می‌سازیم که نظام سیاسی اسلام فقط تئوری نیست که در کتاب‌ها نوشته شده باشد، بلکه آنچه که در نظام سیاسی اسلام آمده است، عملی شدنی و قابل تطبیق است» (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

القاء این ایده‌ها شرایط ذهنی‌ای را فراهم می‌آورد که تحت تأثیر آن دانشجوی پذیرنده با کامل‌پنداری و کمال‌پنداری باوری در جامعه عرض وجود می‌نماید. طوری که این باور کامل و کمال باید به دیگران نیز رسانده شود و آن‌ها بپذیرند. حالا اگر در عمل چنین نشود که با توجه به شرایط پیچیده و تنوع فرهنگی دنیای مدرن نمی‌شود، برای دانشجو سرخوردگی رخ خواهد داد. این سرخوردگی می‌تواند مبنای رفتار خشونت‌آمیز در جامعه باشد.

۳. این‌همانی و غیریت‌سازی

این‌همانی و غیریت‌سازی، که به عنوان یکی از شاخصه‌های رادیکالیسم دینی بیان شد، از دیگر مواردی است که در متون درسگفتارهای نظام سیاسی اسلام دیده می‌شود. محمول این موضوع «خودی» و «دیگری» است. آن‌جا که خود مطرح است یا تعریف می‌شود مسأله صورت این‌همان دارد. و آن‌جا که دیگری مطرح است و یا تعریف می‌شود مسأله صورت غیریت‌سازانه یا ناین‌همان دارد. این خودی و دیگری با واسازی جهت‌دار و تقابل‌زای که صورت می‌گیرد، می‌تواند بستر رادیکالیسم باشد. آمارهای پژوهش نشان دهنده چنین مسأله‌ای اند. بر اساس این آمارها ۱۹.۶ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده مخالف وجود قرائت‌های مختلف از دین اسلام هستند. همچنان که ۳۷.۵ درصد تا حدودی موافق اند (جدول ۴۹). از طرفی هم ۱۹.۸ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده مخالف زندگی در کنار ادیان دیگر بوده‌اند (جدول ۶۱). در این بخش به ریشه‌یابی واسازی‌های این‌همان و غیریت‌سازانه در سه درسگفتار مورد بررسی می‌پردازیم.

این‌همانی و ناین‌همانی به لحاظ ساختاری در سطح بزرگ آن مطرح می‌شود. از این منظر نظام‌ها به اسلامی و غیر اسلامی تقسیم می‌شود. نظام‌های اسلامی مقبول و این‌همان اند و نظام‌های غیر اسلامی مردود و ناین‌همان. طوری که از نظام‌های اسلامی مزیت فهرست می‌شود و از نظام‌های غیر اسلامی مضرت. موضوع به دلیلی صورت رادیکال دارد که به لحاظ نظری سطحی است و به لحاظ عینی انطباق بیرونی ندارد. چه اگر مبحث به عنوان ایده‌ی مورد قبول قرار گیرد، دارنده‌ی آن دچار سرخوردگی‌ای می‌شود که از ویژگی‌های رادیکال‌ها است. از این رو که نمونه‌ی جهان بیرون خلاف موردی که آموزش داده می‌شود است. از طرفی هم طرف ناین‌همان غیرت‌سازی شده به عنوان دشمن بالفعل مطرح می‌شود.

در درسگفتار کابل آمده است:

نظام‌های وضعی - اعم از نظام‌های استبدادی، دموکراسی و... هم از لحاظ تشریح و قانونگذاری [قانونگذاری]، و هم از لحاظ اجرایی قوانین ساخته‌ی افکار بشر بر بالای رعیت بوده، انسان را برده و بنده انسان دیگر می‌گرداند. اما اسلام همانگونه که قانونگذاری [قانونگذاری] را از شئون توحید شمرده از آن آفریدگار جهان میدانند، همچنان این پیام را دارد که با اجرای قوانین الهی در زمین الله، انسان‌ها را از چنگال اسارت انسان‌های دیگر نجات می‌دهد (مسلمیار، ۱۳۹۶: ۲۶-۲۷).

در قلب دولتی که با تمام مشکل‌ها، دموکراسی را دست‌آورد و دست‌آویز بزرگ خود می‌داند، دموکراسی به عنوان نظام «وضع‌ی»، طوری آموزش داده می‌شود که نظامی است «انسان را برده و بنده‌ی انسان دیگر می‌گرداند». در این بیان و آموزش نهانگی‌ای وجود دارد تندرانه. چه دانشجوی که دموکراسی را نظامی بداند که موجب «بردگی و بندگی انسان بر انسان» می‌شود، طبیعتاً نگاه مطلوبی به آن نخواهد داشت. دولتی هم که این نظام را تبلیغ و تطبیق کند، نامطلوب تلقی خواهد شد. بیشتر از این دموکراسی به عنوان ترفندی بیان می‌گردد که کشورهای اشغالگر در کشورها اسلامی تحت سلطه‌ی خود «نافذ» می‌نمایند (همان: ۱۱۲-۱۱۱). اینکه دموکراسی به عنوان یک نظام دارای مشکلاتی باشد واضح است. با وجود این دموکراسی از نظام‌های خوب جهان بوده است. پیدا است که در متن واسازی بی‌طرفانه‌ی علمی که بیان‌کننده بدون قضاوت نکات مثبت و منفی باشد، صورت نمی‌گیرد. در درسگفتار هرات آمده است:

بیشتر کشورهایی که امروزه در آنها دیموکراسی تطبیق می‌شود، از نوع دیگری از استبداد که عبارت از استبداد گروهی و حزبی است رنج می‌برند. احزاب خاصی ده‌ها سال است که بر گرده‌های ملت‌ها سوارند و توپ حکومت را فقط به یکدیگر خویش پاس می‌دهند و نمی‌گذارند حزب دیگری وارد بازی سیاست شود. در طول تاریخ نیز چنین وضعیتی وجود داشته و انسانها از این ناحیه رنج فراوانی را متحمل شدند، روی این اساس قرآن کریم به نكوهش چنین استبدادی پرداخته، آنها را مانع هر گونه رشد و پیشرفت و تغییر مثبت معرفی نموده، مانع دعوت اصلاحی پیامبران دانسته است» (صمیم، ۱۳۹۶: ۲۵).

در عصری که حقوق شهروندی مطرح است و تلاش و مبارزه در راستای برابری جریان دارد، در این متن بحث از امت مطرح می‌شود و به عنوان دست‌آورد معرفی می‌گردد. «در نظام سیاسی و حکومتی اسلامی، امت جای ملت را گرفته، تنها عامل عضویت در آن و آنچه این تابعیت را تحقق‌پذیر می‌سازد، ایمان به اسلام است» (همان: ۵۹). دست‌آورد از آن رو تلقی می‌شود که گویا در آن «پیوندها» بر مبنای نژاد، قوم، زبان، منطقه و از این قبیل نیست. این موضوع اما که تحقق چنین امری نیازمند همسانی باوری است که در طول تاریخ بدون خشونت ممکن نبوده است نهفته می‌ماند. باری، غیریت‌سازی واضحی در متون موج می‌زند که ادامه‌ی طرح این‌همان و ناین‌همان مسأله است. در درسگفتار ننگرهار آمده است:

این یک حقیقت واضح است که دشمنان اسلام می‌پسندد اسلام بدوق قدرت و روح باشد، و می‌خواهند که ما کتاب الله، سنت، اجماع و میراث تاریخی [خود را] رها کرده و از آنها تقلید کنیم... دشمنان اسلام

بر گذشته‌ی درخشان اسلام خاک می‌پاشند. قبل از درخشش اسلام در تمام نقاط زمین پادشاهان، شهزادگان و حاکمان موروثی ستمکار و خودسر حاکم بودند. اسلام آن وضع را به صورت اساسی تغییر داد.» (رحمانی، ۱۳۸۹: ۵).

تعریف حضور مهیب دیگری در قالب دشمن در متن موج می‌زند. دیگری که «کافر، ظالم و فاسق» خوانده می‌شود: این یک حقیقت واضح است که هرکس بر اساس قانون فرستاده شده‌ی الله عزوجل فیصله نکند، از طرف دین مقدس اسلام کافر، ظالم و فاسق خوانده می‌شود» (همان: ۳۸). غیرت‌سازی‌های ساده مناسبات پیچیده‌ی سیاست جهانی را انکار کرده، تا سطحی که از غلبه «دین الله متعال بر همه ادیان و تمام نظام‌های کفری» (مسلمیار، ۱۳۹۶: ۱۶۲). صحبت می‌شود، و با ساده سازی صورت مسأله به ستایش حسرت‌های دور - خلافت - و امیدواری بر پایی دوباره‌ای آن می‌پردازد. از علمیت متن خبری نیست. متنی که ادعای علمی بودن دارد، به بحث ایدئولوژیکی تقلیل می‌آید.

متأسفانه دولت اسلامی دارای دشمنان داخلی و خارجی زیادی است که تهدیدات جدی را متوجه آن مینماید و حتی بعد از سقوط خلافت اسلامی همه جهان کفری متحد و مصمم هستند که اجازه تاسیس دوباره خلافت اسلامی را ندهند و جنگ جهانی کنونی که در مقابل جریانات اسلامی براه انداخته شده و در آن که همه جهان کفری و نوکران شان در جهان اسلام بر علیه جریانات اسلامی مبارزه میکنند در حقیقت بخاطر جلوگیری از اعاده دوباره خلافت اسلامی است و سیاستمداران غربی و نظریه پردازان شان این حقیقت را در سخنرانیها و نوشته های خویش به وضاحت تمام ابراز میدارند... به امید روزی که خلافت به روش نبوت به دست جوانان برومند امت اسلامی اعاده گردیده و امت اسلامی عزت از دست رفته خود را بازیابد» (همان: ۱۹۴-۱۹۳).

جهان‌بینی دینی و تقسیم جهان به هم‌دین و دگردین تحلیل پیشامدرنی است که در قالب خودی و دیگری - این‌همان و ناین‌همان - به خشونت می‌رسد.

دولت اسلامی وظیفه دارد اقداماتی را که در راستای حفظ دین مردم نیاز است، روی دست بگیرد و از بروز پدیده‌هایی که دین را با خطر مواجه می‌سازد جلوگیری نماید. و هر گاه دین مورد تهاجم دشمنان و مخالفان سرسخت خویش قرار گرفت، دولت و مردم جمعاً باید رسالت خود را در خصوص حمایت عام و تام از دین ایفا نمایند (صمیم، ۱۳۹۶: ۵۳).

مرتبط با موضوع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۳۱.۲ درصد دانشجویان از دانشگاه کابل، ۱۱.۹ درصد دانشجویان از دانشگاه هرات و ۱۰.۳ درصد دانشجویان از دانشگاه ننگرهار در پاسخ به پرسش «شما چقدر با وجود قرائت‌های مختلف از دین اسلام - مثل گروه‌های دینی و جریان‌های

روشنفکری دینی - موافق استید؟»، مخالفت نشان داده‌اند. از طرفی هم به ترتیب ۳۵ درصد دانشجویان از دانشگاه کابل، ۳۶.۱ درصد دانشجویان از دانشگاه هرات و ۴۳.۳ درصد دانشجویان از دانشگاه ننگرهار تا حدودی موافق بوده‌اند (جدول‌های ۵۰، ۵۱ و ۵۲). هم‌چنان در پاسخ به پرسش «نظر شما در مورد زندگی در کنار ادیان دیگر چیست؟»، ۱۴.۶ درصد دانشجویان از دانشگاه کابل، ۲۱.۱ درصد دانشجویان از دانشگاه هرات و ۲۶.۸ درصد دانشجویان از دانشگاه ننگرهار مخالفت نشان داده‌اند (جدول‌های ۶۲، ۶۳ و ۶۴).

اضافه بر موارد اشاره شده، این مسأله در مصاحبه‌های که با اساتید مضمون انجام شده نیز دیده می‌شود. مثلاً عبدالجلیل فقیه - از اساتید دانشگاه کابل - می‌گوید: «دشمنان اسلام، اسلام را غلط خوانده‌اند و می‌خواهند که اسلام را غلط معرفی کنند و یا می‌خواهند اسلام را با نظام‌های ناقص خود مقایسه و معرفی کنند. هم‌چنان که باورهای شان ناقص است» (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷). حضور دیگری که غلط است و ناقص و دشمن پر رنگ است. این می‌تواند مبنای برای ستیزی تندروانه باشد. سید جمال‌الدین هروی - از دانشگاه هرات - می‌گوید: «خیلی از سازمان‌های که در نزد ما مقدس‌اند، در نزد دشمن گروه‌های تروریستی شمرده می‌شوند. خیلی از آراء و افکار دشمن و کسانی که در غرب هستند، کسانی که از پشت دریاها می‌آیند و کشورهای ما را اشغال می‌کنند، در خیلی از موارد، افکار آن‌ها را ما تروریستانه می‌پنداریم، اما موضوع در کجا است؟» (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷). سید صفت‌الله - استاد مضمون - در مورد می‌گوید:

تندروی را که امریکائی‌ها انجام می‌دهند، اسرائیلی‌ها انجام می‌دهند که غزه را بمبارد می‌کنند. ده‌ها تا صدها مسلمان را روزانه شهید می‌کنند. جامعه‌ی غیراسلامی، جامعه‌ی تندروی است که مصارف هنگفت اقتصادی دارند و بر بمب‌های اتمی به مصرف می‌رسانند. هدف از ساختن بمب اتم چیست؟ این خود از بین بردن انسان‌ها است. هیچ کشور اسلامی بمب اتم درست نمی‌کند و ما نمی‌خواهیم که بمب اتم درست کنیم، این بمب را که امریکائی‌ها درست می‌کنند، اسرائیل درست می‌کند و دولت‌های درست می‌کنند که به اسلام هیچ نسبتی ندارند، جوامع غیرمسلمان و کافر هستند (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

۴. تبعیض فرهنگی؛ طرد یا حذف دیگری به عنوان غیر خودی

زنجیره‌ی شاخصه‌های رادیکالیسم دینی به طرد و حذف دیگری ختم می‌شود. دیگری که محصول غیریت‌سازی است و صدایش به عنوان ناپدیدمان در پرتو این همان‌های که شرحش رفت گم می‌شود. این مورد که در درسگفتارهای نظام سیاسی اسلام مشاهده می‌شود، شامل دیگری به عنوان پیرو دینی متفاوت، دیگری به عنوان کشور متفاوت و دیگری به عنوان جنس متفاوت می‌شود. نتایج آماری این پژوهش نشان از تأثیر این مباحث بر دانشجویان دارد. از این رو که در پاسخ به پرسش «در صورت عدم امکان زندگی با ادیان دیگر، با پیروان آن ادیان چه رفتاری باید صورت گیرد؟»، انتخاب ۱۵ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده «به اسلام دعوت شوند»، و ۷.۲ درصد «به اسلام دعوت شوند و در صورت عدم قبول دعوت حذف فیزیکی شوند»، و ۴.۴ درصد «از آن‌ها جزیه گرفته شود»، بوده است (جدول ۶۵). در این بخش به ریشه‌یابی و اسازی‌هایی که توأم با تبعیض فرهنگی است در سه درسگفتار مورد بررسی به صورت جداگانه می‌پردازیم.

۴.۱. در درسگفتار کابل

در این درسگفتار توحید، درک کامل اندیشه‌ی اسلامی، توجه به علوم ضروری، تقوا، اخلاق، احساس مسئولیت، عدالت و آزادی از مبانی نظام سیاسی اسلام خوانده می‌شود. نکته‌ی قابل توجه در این میان مبحث آزادی است. آزادی در این جا مفهوم دگرگونه دارد که درون‌دینی، بر مبنای جهان‌بینی دینی یا خودی، تعریف می‌شود. طوری که حمله‌ی عرب‌ها بر کشورهای دیگر از جمله منطقه‌ی ما در صدر اسلام، حمله‌ای برای آزادی تلقی می‌شود. در ادامه‌ی بحث آزادی، یکی هم بحث «آزادی فکر و عقیده» مطرح می‌گردد:

هیچ مسلمان حق ندارد که غیر مسلمانی را مجبور سازد که مسلمان شود. ولی از این که اسلام مجموعه‌ی از نظام‌ها و قوانین است، بنأ کسیکه مسلمان می‌شود، و بخواهد بر علیه نظام و قانون اسلام طغیان و سرکشی نموده و دوباره مرتد گردد باساس قوانین اسلامی، مجازات می‌گردد (مسلمیار، ۱۳۹۶: ۲۳).

آزادی عقیده که امروزه از مهم‌ترین حقوق بشری به شمار می‌رود، در صورتی که در مورد اسلام مطرح باشد، «طغیان و سرکشی علیه نظام و قانون اسلام» تلقی شده و موجب مجازات دانسته می‌شود. از این منظر دیگری در زمین سهمی ندارد. آنچه است از خودی است.

تمام کرهء زمین وطن امت اسلامی است؛ زیرا تمام زمین در ملکیت الله و از آن او است... بنابراین الله جل جلاله حق تملک زمین را برای مسلمانان عطا فرموده است، تا تمام زمین وطن شان باشد و اخذ این حق را بعهده شان فرض گردانیده است. البته ادای این فرضیه را مقید به توانائی و قدرت ایشان گردانیده است تا تمام توانایی خود را بکار گرفته در فکر طرح پلانها و آمادگی کامل برای احقاق این حق باشند... و تا زمانیکه حکومت غیرالله بر زمین حاکم باشد، فتنه در زمین باقی خواهد بود. و تنها [و تنها] زمانی صلح و سلام به زمین بر می گردد که تمام عالم تسلیم و منقاد شریعت الله گردند؛ زیرا اسلام عبارت از صلح و سلام است و بدون آن صلحی وجود ندارد (همان: ۷۴-۷۳).

پیام مستقیم این مطلب برای جهان این است که اگر ما توان داشته باشیم، نظام سیاسی اسلام - خلافت - را در تمام جهان تطبیق می کنیم. در نتیجه شما یا مجبور هستید جزیه بپردازید یا هم مسلمان شوید.

و جیه ششم امام اینست که در مقابل کسانی که از قبول دعوت اسلامی ابا و ورزیده و به عناد خود ادامه میدهند اعلان جهاد نماید تا آنها یا مسلمانان [مسلمان] شوند و یا با قبول جزیه در ذمه مسلمانان داخل گردند و به این ترتیب حق الله متعال را که همانا اظهار و غلبه دین او بر تمام ادیان است، اداء نماید (همان: ۱۶۲).

در ادامه هم می آید که چنین روزی - زمانی که تمام روی زمین وطن مسلمانان باشد - آمدنی است. ولی از آن جا وضع فعلی چنین نیست، جهان به دو بخش - دارالاسلام و دارالکفر - تقسیم می شود. «قبل از انقیاد تمام جهان در برابر حکم الله زمین به دو بخش تقسیم میشود: دار اسلام و دار الکفر» (همان: ۷۴). بر این اساس دارالسلام جایی است که تحت سیطره ی مسلمانان باشد. سرزمین مسلمان هم بر اساس باورش است، مسلمان با گل و خاک مکانی رابطه ی ندارد که آن جا وطن اش باشد. وطن مسلمان دارالاسلام است؛ جایی که شریعت تطبیق می گردد.

دارالکفر به دو دسته تقسیم میشود: ۱- دار الحرب: سرزمین که در آن تسلط و قدرت بدست غیر مسلمانان قرار داشته، منقاد دین الله نباشند، و در میان دولت اسلامی و آن کشور عهد و پیمانی وجود ندارد. ۲- دار العهد: سرزمین کفری، ولی در میان آنها و مسلمانان عهد و پیمان وجود دارد، با پیمان آتش بس و با پیمان صلح که در برابر آن آماده پرداخت جزیه برای دولت اسلامی باشند. در بعضی موارد احکام هریک از این سرزمین ها از هم تفاوت دارد، تفصیلات آن در کتاب های فقه به صورت مشروحی آمده است (همان: ۷۵).

احتمالاً احکام دارالکفر در زمان تشریح درس به صورت شفاهی بیان گردد و از ضرورت جهاد نیز تشریح گردد.

مورد دیگری که به طرد و حذف دیگری می‌انجامد شروط و مواصفاتی است که برای رئیس دولت بیان شده است. در این مبحث نخست این مورد بیان می‌گردد که چنانچه نظام سیاسی اسلام در تمامی موارد با نظام‌های دیگر متفاوت است، در بحث صفات رئیس دولت نیز این تفاوت وجود دارد. بعد شروط و صفات رئیس دولت شامل سلام، مرد بودن، بلوغ، عقل، آزادی، علم، عدالت، کفایت، سالم بودن، و قدرت تنفیذ بیان می‌گردد.

از این میان، آنچه مربوط به این مبحث می‌شود، اسلام و مرد بودن است. در مورد نخست بیان می‌شود که «براساس این شرط کافر نمیتواند زمامدار امور مسلمانان باشد...» (همان: ۸۴). در مورد مرد بودن بر این مسأله تأکید مستقیم صورت می‌گیرد که زنان برای ریاست دولت مناسب نمی‌باشند. «هرگز رستگار نمیشود قومی که زمام امور خود را به عهده زن سپرد... هرگز رستگار نمی‌شود قومی که امارت خود را به زن سپرد» (همان، ۸۶).

با توجه به اینکه به اعتبار درسگفتار همین شرایط برای انتخاب وزیرها، قاضی‌ها و والی‌ها نیز صادق است، در آن موارد نیز تکرار می‌شود. دیده می‌شود که زنان بر این اساس در جامعه، حکومت‌داری و رهبری، سهمی ندارند. این درحالی است که در کشور عملاً زنان از وزیر گرفته تا قاضی و والی اند. پارادوکسی میان آن چه هست و آن چه آموزش داده می‌شود موجود است که می‌تواند به تضاد اجتماعی و تندروی منجر شود.

در مورد بعدی «تأمین حقوق رعیت» نیز از وظایف دولت در نظام سیاسی اسلام دانسته شده و حکومت ملزم به رعایت حق زندگی، حق مالکیت، برخورداری از نیازهای ضروری زندگی، حق امنیت دینی، حق امنیت جانی و حیثیتی، و حق مالی گردیده است. این موضوع با توجه به بحث‌های که در بالا آمد، پارادوکسی ایجاد می‌کند؛ چه از یک طرف بحث گرفتن جزیه و ارتداد و نشر دعوت و جهاد در راه گسترش اسلام مطرح می‌شود و از طرف دیگر بحث حق زندگی، حق مالکیت، امنیت دینی، امنیت جانی و حیثیتی و... مطرح می‌گردد.

پدیده آزادی که در دنیای معاصر برای بسیاری از مردم شعار و ورد زبان گردیده و گمان میکنند که از ابتکارات رنسانس و انقلاب نوین غرب به ویژه انقلاب فرانسه و غیره است. اسلام قرن‌ها پیشتر آن را مطرح گردانیده و دیگران را به آن دعوت نموده و حکومت اسلامی برای محافظت از آن از هیچ تلاشی دریغ ننموده و آن را از عالم خیال به دنیای واقعیت آورده است (همان: ۱۹۰)

این دو مورد قابل جمع نیست، الی اینکه همه پیرو اسلام باشند. در مورد آزادی دینی سخن زیاد گفته می‌شود و حتا آزادی دین از ابتکارات اسلام خوانده می‌شود. از طرفی هم چون از قبل پیش فرض‌های وجود دارد هر چیزی کوشش می‌شود با دین ربط داده شده و از ابتکارات یا دست‌آوردهای دینی خوانده شود. آزادی دینی در حالی از ابتکارات اسلام خوانده می‌شود که منشور کوروش در قرن ششم قبل از میلاد، در سال ۵۳۹ بعد از اینکه به بابل حاکم می‌شود، به نحوی آن را بیان و تضمین نموده است.

زکات، جزیه، خراج، و عشور از موارد آمده‌ی دیگری در این درسگفتار است که مستوجب طرد یا حذف دیگری است.

صحابه کرام بر این امر اتفاق دارند که باید با مانعین زکات جنگ صورت گیرد. پس کسیکه از فرضیت آن منکر می‌شود، کافر می‌شود و اما کسانی که فرضیت آنرا می‌پذیرند اما از ادای آن ابا می‌ورزند، اگر در داخل دار اسلام و تحت سیطره دولت اسلامی قرار داشتند، اما مسلمین زکات را جبراً از آنها اخذ نموده و علاوه بر آن جزای تعزیری مناسبی برایشان تعیین [تعیین] مینماید. اما اگر خارج از حیطه دولت قرار داشته و از قوت و شوکتی برخوردار بودند، دولت اسلامی در مقابل شان اعلان جهاد مینماید، چنانچه ابوبکر صدیق با مانعین زکات به جنگ پرداخته» (همان: ۱۸۳).

در شرایطی که بحث زکات عملاً حتا در کشورهای اسلامی مطرح نیست، آموزش اینکه زکات به زور گرفته شود و حتا در این راستا جهاد گردد، وضعیتی را به وجود می‌آورد که زمینه‌ی تندوری می‌شود. به این هم بسنده نشده و در ادامه به مورد جزیه نیز پرداخته می‌شود:

جزیه عبارت از مقدار معین مالی است که از فرد ذمی اخذ می‌گردد. به تعبیر دیگر جزیه مالیاتی است که بر افراد غیر مسلمان وضع می‌گردد که بعد از داخل شدن تحت ذمه مسلمانان به دولت اسلامی پرداخته و در مقابل آن از تسهیلات عامه و خاصه مستفید می‌گردند. مشروعیت جزیه در قرآنکریم، سنت نبوی و اجماع صحابه ثابت می‌باشد (همان: ۱۸۴).

در عصر جهانی شدن که بحث شهروندی مطرح است و ممکن نیست کشوری به لحاظ دینی تماماً هم‌گون یافت شود، آموزش اینکه بر اساس باور دینی یا دگراندیشی از گروهی وجوهی باید دریافت گردد، مستلزم خشونت و تندوری است که با ضرورت کثرت‌گرایی دنیایی مدرن منافات دارد. در ادامه مواردی دیگر نیز می‌آید که اساس تفکیک بین خودی و غیر خودی را باور تشکیل داده و این مبانی معیارهای دوگانه می‌شود:

خراج: «خراج عبارت از مالیاتی است که بر زمینهای [سرزمین‌هایی] مقرر میگردد که بدست مجاهدین فتح گردیده و دوباره بدست صاحبان اصلی آن گذاشته میشود تا آنرا کشت نموده و حاصلات آنرا بردارند. عشور [عشر] (مالیات گمرکی): مالیات گمرکی است که بر اموال اهل ذمه و مستأمن‌ها مقرر میگردد به این معنا که اگر شخص ذمی مال التجاره خود را از یک شهر به شهر دیگر در دارالاسلام به غرض تجارت انتقال میدهد، محصول آن که نصف عشر است اخذ میگردد. و مستأمن (غیر مسلمانی که با گرفتن امان داخل سرزمین مسلمانان میگردد) زمانیکه اموال خود را غرض تجارت به دارالاسلام وارد میکند، باید عشر آنرا به عنوان مالیات گمرکی بپردازد (همان: ۱۸۶-۱۸۵).

بارها گزارش نشر شده که طالبان در مناطق زیر اداره‌ی شان به همین نام بخشی از محصولات مردم محل را جمع‌آوری می‌کنند.

مرتبط با این مباحث، آمارهای پژوهش نشان می‌دهد که در پاسخ به پرسش «در صورت عدم امکان زندگی با ادیان دیگر، با پیروان آن ادیان چی رفتاری باید صورت گیرد؟»، انتخاب ۱۷.۸ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده از دانشگاه کابل «به اسلام دعوت شوند»، ۵.۸ درصد «به اسلام دعوت شوند و در صورت عدم قبول دعوت حذف فیزیکی شوند»، و ۷.۷ درصد «از آن‌ها جزیه گرفته شود»، بوده است (جدول ۶۶).

اضافه بر این اساتید مضمون نیز در این دانشگاه به مواردی از این مباحث تأکید دارند. مبشر مسلمیار - نویسنده کتاب مورد بحث - در مورد جزیه می‌گوید:

جزیه مقدار ناچیز از پولی است که در بدل خدماتی که به غیرمسلمان در جامعه‌ی اسلام ارائه می‌شود از فرد گرفته می‌شود. چون مکلفیت‌های را که مسلمان دارد، آن فرد ندارد. مقدار جزیه نیز کمتر از مقدار مالیاتی است که نظام‌های معاصر از تمام اتباع خود می‌گیرند. جالب اینجا است که در جامعه‌ی اسلامی حقوق غیرمسلمان بیشتر است در حالی که مکلفیت ندارد. اما مسلمان حقوق دارد و مکلفیت‌های بیشتری دارد (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

به اساس مسأله که مبنای تفکیک اعتقادی دارد توجهی معطوف نیست. آن‌چه دیده می‌شود، تلاشی برای توجیه مسأله است. هم‌چنان آن‌جا که موضوع در مورد رهبری مطرح است:

هر مکتب، باور و اعتقاد، معیارها و خطوط خود را دارد یا به تعبیری خطوط سرخ خود را دارد. اسلام نیز چنین خطوط و حدودی دارد. مثلاً اگر کسی در آمریکا رئیس جمهور شود، قانون آمریکا برایش شروطی وضع کرده است، یکی این که تابعیت آمریکا را داشته باشد. چرا داشتن تابعیت آمریکا شرط گردیده است

برای رئیس جمهور شدن؟ چرا مکسیکی نمی‌تواند که رئیس جمهور شود؟ یا افغانی نمی‌تواند که رئیس جمهور شود؟ آنها در این مورد تعاریف و شروط خود را دارند. اسلام نیز چنین است، اما این که اسلام نمی‌تواند در همه‌ی سطوح نظام سیاسی چنین عملی را انجام دهد؟ به باور من چنین عملی درست نیست، تنها در رهبری عمومی و در جاهای که مرتبط باشد به قضایای اسلامی در آنجا قبول نمی‌کند، اما در جاهای دیگری که ربطی به مسایل اسلامی ندارد، غیرمسلمان می‌تواند که در سطوح بالای سیاسی قرار گیرد (همان، ۱۳۹۷).

فرید احمد هروی - از اساتید دیگر دانشگاه کابل - در مورد جزیه می‌گوید:

جزیه گرفتن یکی از منابع اقتصادی اقتصاد اسلام است. اما جزیه گرفتن متفاوت است، مثل این که مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی مالیه می‌پردازند. مسلمان‌ها هم بر این باور اند که اگر کسی در کشورشان زندگی می‌کند مالیه بپردازد که این کسان هم مشخص‌اند: کسی که در اردو یا لشکر مسلمان‌ها خدمت نکند و سرمایه‌دار باشد، از آن فرد مقدار اندکی از مال‌اش گرفته می‌شود. چنان که مسلمان‌ها زکات می‌پردازند، جزیه هم به مثابه‌ی زکات است، اما از نزد غیرمسلمان گرفته می‌شود (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

باز هم دیده می‌شود که به اساس مسأله که تفکیک اعتقادی است، توجه صورت نمی‌گیرد.

۴.۲. در درسگفتار هرات

این مورد در این درسگفتار نیز مشاهده می‌شود. از دیگری به عنوان پیرو دینی متفاوت گرفته تا دیگری به عنوان کشور متفاوت و دیگری به عنوان جنس متفاوت دیده می‌شود.

در این جا بحث شهروندی و حقوق شهروندی مطرح نیست: «در نظام سیاسی و حکومتی اسلامی، امت جای ملت را گرفته، تنها عامل عضویت در آن و آنچه این تابعیت را تحقق پذیر میسازد، ایمان به اسلام است» (صمیم، ۱۳۹۶: ۵۹). دیگری که ایمان متفاوت دارد رانده شده و شامل این چتر نمی‌شود. تازه این مورد با پیش‌فرضی که وجود دارد، مثبت تلقی می‌شود:

طرح امت گامی به سوی جهانی شدن است. این طرح میتواند در زمینه برداشتن تمام فاصله‌ها اعم از طبقاتی و نژادی و غیره نقش بازی کند، و دنیا را به مانند یک قریه در بیاورد که تمام انسانها مانند برادر و به گونه‌ی برابر باهم و در کنار هم و در فضای صلح و صمیمیت زندگی نمایند. این طرح تمام بشریت متفرق را مانند یک مشت و یک کتله به هم تنیده در می‌آورد (همان: ۶۳).

در مورد دیگر، بحث عناصر دولت، با تفکیکی که میان عناصر دولت به طور کلی و عناصر دولت اسلامی به طور اخص صورت می‌گیرد، دیده می‌شود که بر این اساس دولت اسلامی یک دولت همگون است. جایی که دیگری طرد یا حذف می‌گردد. از این منظر عناصر دولت شامل «کتله بشری که به آن مردم می‌گویند»، «حاکمیت مستقل سیاسی که به آن قدرت می‌گویند»، «سرزمین که در اصطلاح سیاسی امروزین به آن کشور می‌گویند»، و «مرجع ایدئولوژیک [ایدئولوژیک] که شامل: فکر، عقیده و اندیشه می‌شود»، است. با توجه به این‌ها، و متفاوت از آن، عناصر دولت اسلامی به این صورت بیان می‌گردد: «کتله بشری که به آن مسلمانان می‌گویند»، «حاکمیت سیاسی مستقل که به آن حکومت اسلامی می‌گویند»، «سرزمین که به آن دار اسلام می‌گویند»، «مرجع ایدئولوژیک [ایدئولوژیک] که عبارت از منابع دینی: قرآن، سنت، اجماع و قیاس است» (همان: ۷۵-۷۴).

در این درسگفتار نیز در مورد «ویژگی‌های حاکم اسلامی و مواصفات آن» در کنار بلوغ، عقل، آزادی، عدالت، کفایت و سلامتی، اسلام، مرد بودن و قریشی بودن نیز از ویژگی‌ها و مواصفات ذکر شده است. در مورد اسلام بودن آمده است: «حاکم یک کشور مسلمان باید مسلمان باشد» (همان: ۹۲). این که امروزه کمتر کشوری در جهان دارای شهروندان تماماً هم‌دین باشد واضح است. از این‌جا، بر این اساس، تعدادی را طرد یا حذف باید کرد که چنین مورد عملی شود. در مورد مرد بودن نیز آمده است:

جمهور فقهای اسلام بر این نظرند که زن نمیتواند عهده دار زعامت و رهبری یک کشور اسلامی شود، زیرا زعامت و رهبری از جمله مسئولیتهایی است که مشکلات خاص خود را دارد، مشکلاتی که با روحیه زن و خصایص فیزیولوژیکی و طبیعتش تناسب ندارد، و زن را در مشکلات خاصی قرار میدهد، از جمله خلط شدن با مردان، مواجهه با دشمنان، خطرهای کودتا، کشته شدن، رهبری جنگها و از این قبیل که با وضعیت و طبیعت زنان همسویی ندارد. از اینرو جمهور علما بر این امر اتفاق نظر دارند که خانمها نباید عهده‌دار ریاست دولت شوند (همان: ۹۳).

در این درسگفتار نکته‌ی مثبت در ادامه این است که نظر فقهای معاصر را که موافق زعامت زنان اند نیز بیان می‌شود. مورد قریشی بودن نیز به شکلی اشاره می‌شود:

اگر کسی کاندید شد که تمام شروط لازم در امامت را داشت و این امکان هم موجود بود که از قریش کسی انتخاب شود، بهتر اینست که امام و خلیفه از قریش باشد، ولی اگر امکان تحقق چنین شرطی در کنار سایر شروط نبود میشود از باب ضرورت از آن عدول نمود (همان: ۹۸).

مورد جزیه ذیل بحث ذمی طور دیگری مطرح می‌شود. ولی اساس آن تفکیک خودی و دیگری است. دیگری که در بدل طرد و حذف نشدن باید شرایط ویژه و متفاوتی را بر اساس باورش پذیرد.

اهل ذمه اتباع کافری اند که میخواهند ضمن حفظ عقاید کفری خویش، در کشور اسلامی زندگی کنند. بر اساس قوانین فقهی چنین اشخاصی این حق را دارند، ولی بخاطر تحقق این امر لازم است تا "عهد ذمه" را با دولت اسلامی منعقد نمایند که بر اساس آن باید به دولت اسلامی در مقابل حمایت از جان، مال و آزادی عقاید خویش، مالیاتی را بپردازند تا از همه حقوق و مزایای یک تبعه مسلمان برخوردار شوند، و از برخی وظایف و مسئولیتهایی که برعهده یک مسلمان است معاف گردند (همان: ۱۶۲).

مرتبط با این مباحث، نتایج آماری این پژوهش نشان می‌دهد که در پاسخ به پرسش «در صورت عدم امکان زندگی با ادیان دیگر، با پیروان آن ادیان چی رفتاری باید صورت گیرد؟»، انتخاب ۱۵.۱ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده از دانشگاه هرات «به اسلام دعوت شوند»، ۲.۵ درصد «به اسلام دعوت شوند» و در صورت عدم قبول دعوت حذف فیزیکی شوند»، و ۲.۵ درصد «از آن‌ها جزیه گرفته شود»، بوده است (جدول ۶۷).

سید جمال‌الدین هروی - از اساتید مضمون در دانشگاه هرات - در مورد جزیه می‌گوید:

جزیه همان تکس است، شما عملاً متوجه باشید، همین حالا مگر غربی‌ها از ما تکس نمی‌گیرند، اگر به کشورشان می‌رویم، از ما پول ویزا می‌گیرند، از ما خاک پولی می‌گیرند و به خاطر هر مورد دیگری از ما پول می‌گیرند» (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

اما عبدالوهاب نوینی - از اساتید دیگر مضمون در دانشگاه هرات - با دید انتقادی می‌گوید:

اگر ذمی می‌آید که جزیه بپردازد، مسلمان باید در جای‌گاه خود نشست و تکیه کرده باشد و جزیه را بگیرد. ذمی حق ندارد که جزیه را بوسیله‌ی خادم خود انتقال دهد، باید که فرد ذمی خودش انتقال دهد. این حس حقارت در فرد ذمی وجود داشته باشد؛ زمانی که جزیه را می‌پردازد، فردی که جزیه را می‌گیرد و نشسته است، به فرد جزیه‌دهنده که ایستاده است بگوید: اعطی یا عدولله، بده ای دشمن خدا! از این قبیل قضا یا زیاد است (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

۴.۳. درسگفتار ننگرهار

در این درسگفتار نیز مواردی آمده که نشان از تبعیض فرهنگی؛ طرد و حذف دیگری دارد. با تفکیک دوتایی مسلمان و نامسلمان طردی صورت می‌گیرد که می‌تواند بستر تنش و تندروری باشد. چه آن‌جا

که از دوستی برحذر می‌دهد، فاصله‌ای شکل می‌گیرد که به دشمنی ختم خواهد شد: «...الله عزوجل شریک شدن و داخل شدن نامسلمانان را در معاملات و رازهای مسلمانان ناروا بیان نموده است. به مومنان حکم شده است که کافران را دوستان خود انتخاب نکنند...» (رحمانی، ۱۳۸۹: ۲۰۰). در ادامه هم نظام دیگری - نامسلمان - ناعادلانه خوانده شده و بر برتری نظام خودی تأکید صورت می‌گیرد:

بدون اسلام هر نظامی که تلاش آوردن عدالت را بکند، ادعایش بی‌جا خواهد بود و در شکل جدیدی از ظلم و خشونت ظاهر خواهد شد. فقط و فقط دین الله است که برابری و عدالت را لحاظ کرده است. هوا و هوس بشری و خواهشات نفسانی انسان را اجازه نمی‌دهد که مردم را با قوم، خانواده و گروه خود برابر بدانند و اصول و قوانینی وضع کنند که در آن انصاف و برابری لحاظ گردیده باشد (همان: ۸۰).

دیگری، در هر سطح و شامل هر گروهی که باشد از نشانی باور شناسایی می‌شود: «... بشر نمی‌تواند قانونی ثابت و قوی بسازد که با مقتضیات هر زمان و مکان مناسب باشد. حقوق دانان نامسلمان سازمان ملل متحد به این اعتراف دارند که شریعت اسلامی مناسب هر زمانی است» (همان: ۱۱۵). اگر داخل حکومت اسلامی باشند باید از آن‌ها «جزیه» و «خراج» گرفته شود. البته گفته می‌شود به نر می. مناصب فنی و مسلکی را می‌توانند داشته باشند ولی شامل وظایف کلیدی نباید شوند (همان: ۲۴۹).

آن‌جا که بحث آزادی عقیده مطرح می‌شود مسأله صورت پارادوکسیکال می‌گیرد. تلاش می‌شود منافات طرد و حذف دیگری که آشکارا بیان می‌شود، با آزادی عقیده پنهان نگهداشته شود. در سطحی که گفته می‌شود میان این دو «رابطه» نیست:

جزای مرتد با آزادی عقیده رابطه ندارد. این که اسلام مرتد را جزا می‌دهد با آزادی عقیده ارتباطی ندارد بلکه مرتد شدن معنای خاص خود را دارد. مرتد به این می‌گویند که مسلمان از اسلام بگردد. پس طوری که مسلمان با مسلمان شدن تعهد می‌کند که عقیده اسلامی و احکام اسلامی را قبول دارد، با مرتد شدن در حقیقت تعهد قبلی خود را می‌شکند و از مقررات دولتی سرپیچی می‌کند، و آن مقررات را زیر پا می‌کند. مقرراتی را که قبلاً پذیرفته بود. پس بخواهی نخواهی مستحق جزا می‌شود. چونان که قوانین هم این موضوع را تأیید می‌کند (همان: ۲۴۴).

تلاش می‌شود صورت مسأله طوری تغییر داده شود و طرد و حذف دیگری آشکار نگردد که فراموش می‌شود دین - از جمله اسلام - به اکثر مطلق افراد به شکل موروثی می‌رسد. به معنای که تعهد آن‌چنانی که بیان می‌شود در این‌جا موضوعیت ندارد.

حکومت اسلامی وظیفه دارد تا از تبدیل، تغییر و بدعت‌های ناکاره دین را حفاظت کند. حکومت اسلامی باید به هیچ‌کس این حق را ندهد که زیر عنوان آزادی فکری سخن از تبدیل یا ترمیم بگویند. چرا که این دین کامل و «پوره» است. با نظام‌های دیگر ارتباط نمی‌گیرد بلکه کامل و خالص تنفیذ می‌شود. اگر مسلمانان به این کار - تعدیل و ترمیم - آن دست بزنند مرتد شده و از دین بیرون می‌شوند و اگر اهل ذمه - اقلیت‌های نامسلمان - به آن دست زنند، پیمان بود و باش شان در کشور اسلامی می‌شکند و بلافاصله از دارالاسلام بیرون می‌شوند (همان: ۱۸۴).

در کل مفهوم متداول آزادی بیان و عقیده این‌جا مراد نیست. آن‌چه به صورت تلویحی بیان می‌شود، تلاشی برای پنهان نگهداشتن طرد و حذف دیگری است. ولی از آن‌جا که پیام متن واضح است، از عهده‌ی چنین امری هم بر نمی‌آید.

در مورد زنان و حقوق سیاسی‌شان آمده است: «در حکومت اسلامی زن یکجا با مرد عضو شورای اسلامی شده نمی‌تواند. نه صدراعظم شده می‌تواند و نه رئیس جمهور... هرگز قومی موفق نخواهد شد که رهبری آن در دست زنی باشد» (همان: ۶۱). زنان به لحاظ عقلی و جسمی «کم‌زور»تر از مردان خوانده شده و به این دلیل از عرصه‌ی سیاسی - اجتماعی طرد می‌شوند:

در قرآن کریم آمده است که مردان بر زنان حاکم اند. همین‌طور رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است زمانی که معامله شما به دوش زنان شود، مرگ برای شما خیلی خوب است. رهبر دولت اسلامی امامت نماز را هم به دوش دارد، در حالیکه شریعت زنان را از این امر عاجز دانسته است. امامت زنان باطل است. نکته دیگر این است که زنان به لحاظ عقلی و جسمانی نسبت به مردان «کم‌زور»اند. همه‌ی فقه‌های اسلامی بر این اتفاق دارند که زنان رهبر حکومت شده نمی‌توانند (همان: ۲۰۰).

به زور و خشونت رسمیت داده می‌شود. با این شرط که مطابق شریعت باشد: «فقه‌های اسلامی یک طریق ساختن حکومت را این‌طوری بیان کرده اند که هرکی از طریق زور حکومت را قبضه کرده و حکومت خود را تشکیل دهد، احکامش نافذ خواهد بود. به این شرط که مطابق شریعت باشد» (همان: ۲۵۵).

مرتبط با این مباحث، آمارهای پژوهش‌شان می‌دهد که در پاسخ به پرسش «در صورت عدم امکان زندگی با ادیان دیگر، با پیروان آن ادیان چی رفتاری باید صورت گیرد؟»، انتخاب ۱۰.۳ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده از دانشگاه ننگرهار «به اسلام دعوت شوند»، ۱۵.۵ درصد «به اسلام دعوت

شوند و در صورت عدم قبول دعوت حذف فیزیکی شوند»، و ۱ درصد «از آن‌ها جزیه گرفته شود»، بوده است (جدول ۶۸).

دل آقا وقار - از اساتید مضمون در دانشگاه ننگرهار - در مورد جزیه می‌گوید:

همین حالا در کشورهای غربی ببینید؛ امریکا یا اروپا، در برابر هر چیزی تکس است. در مقابل کاری که فرد انجام می‌دهد و معاشی که می‌گیرد، به دولت تکس می‌پردازد. در آن زمان مسلمان‌ها زکات می‌پرداختند که زکات نیز شروط خود را دارد، اگر کسی مال اضافی دارد، بر آن مال سالی بگذرد، نصاب آن کامل شود یا همان مقدار لازم باشد، مسلمان زکات می‌پردازد. غیرمسلمانی هم که در کشورهای اسلامی زندگی می‌کند با در نظر گرفتن شروط آن، تکس می‌پردازد، غیرمسلمانی که در کشور اسلامی زندگی می‌کند، در مقابل حفظ جان، ناموس، خانه و جایگاه تکس می‌پردازد. این ظلم نیست. چنان‌که از مسلمان زکات گرفته می‌شود، به تکسی که از غیرمسلمان گرفته می‌شود، جزیه می‌گوییم که گرفتن این جزیه هم شرط‌های دارد و در هر وقت و زمان از هر کس جزیه گرفته نمی‌شود. البته این مربوط به دوره‌ی از گذشته‌ی تاریخی ما می‌شود» (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

سید صفت‌الله سادات - از اساتید دیگر مضمون در دانشگاه ننگرهار - می‌گوید:

کفار نمی‌توانند بدون پرداخت جزیه به سرزمین مسلمان‌ها داخل شوند، حدود کفار معلوم است که باید در جاهای خود زندگی کنند و حدود مسلمان نیز مشخص است که باید در جای خود زندگی کنند، یعنی حدود هر کدام مشخص است (مصاحبه شخصی، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

بر خلاف آنچه امروزه به طور عموم بیان می‌شود، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد با رادیکالیسمی که درگیر هستیم، یکی هم محصول شرایط نهادی ما، از نشانی آموزش عالی است. یافته‌های پژوهش، بر اساس سوالات طرح شده‌ی پژوهش نشان می‌دهد که متن درسگفتارهای نظام سیاسی اسلام، در هر سه دانشگاه مورد بررسی قرار گرفته، در سطوح مختلف حامل رادیکالیسم دینی‌اند. در این راستا، برای پاسخ به پرسش نخست پژوهش، این که آیا مطالب و آموزه‌های مندرج در درسگفتارهای «نظام سیاسی اسلام» حامل رادیکالیسم دینی است؟ آنچه به عنوان شاخصه‌های رادیکالیسم دینی مشخص گردید، که شامل خواست تغییرات بنیادی و فوری؛ حتا توأم با خشونت، کامل‌پنداری و کمال‌پنداری، این‌همانی و غیریت‌سازی، و تبعیض فرهنگی؛ طرد یا حذف دیگری به عنوان غیر خودی می‌شد، در این درسگفتارهای ملاحظه گردید. در ارتباط به شاخصه‌ی نخست، نظام مورد بحث و در مواردی پیشنهادی این متون مستوجب تغییرات بنیادی و فوری است. در ارتباط به شاخصه‌ی دوم، نوع نگاه ترسیم شده در درسگفتارها برخلاف اصول کار علمی و دانشگاهی نه تنها پیشنهاد می‌گردد که کامل‌ترین و کمال‌یافته‌ترین نیز تعریف می‌گردد. در ارتباط به شاخصه‌ی سوم، تعریف خودی و دیگری در متن موجود است که در قالب امر این‌همان و ناین‌همان به تندروری می‌انجامد. در ارتباط به شاخصه‌ی چهارم، مواردی قابل ملاحظه است که به طرد یا حذف دیگری به عنوان غیر خودی می‌انجامد. این موارد که شامل دیگری به عنوان پیرو دینی متفاوت، دیگری به عنوان کشور متفاوت و دیگری به عنوان جنس متفاوت می‌شود.

در راستای پاسخ به پرسش دوم پژوهش، این که آیا فراگیری این آموزه‌ها می‌تواند از عوامل رادیکالیزه شدن دانشجویان باشد؟ یافته‌های کمی پژوهش تأیید کننده‌ی پاسخ مثبت برای پرسش است. از موارد برجسته‌ی این رادیکالیزه‌سازی می‌توان به یافته‌های زیر اشاره:

- ۵۲.۱ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده بر این باورند که نظام سیاسی اسلام، امارت اسلام یا خلافت اسلامی است.
- ۱۳.۹ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده فکر می‌کنند که نظام سیاسی افغانستان اسلامی نیست.
- ۴۵.۹ درصد هم این نظام را تا حدودی اسلامی می‌دانند.

- ۲۲.۵ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده خواستار تغییر نظام سیاسی افغانستان به خلافت اسلامی، امارت اسلامی، ولایت فقیه، یا نظام دیگری استند.
- ۸۸ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده موافق تطبیق امر به معروف و نهی از منکر استند.
- ۸۴.۷ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده بر این باورند که اسلام بهترین دینی است که باید آموزه‌های آن در تمام حوزه‌های زندگی تطبیق شود.
- ۳۵.۷ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده موافق احیای دوباره‌ی خلافت اسلامی اند.
- ۱۹.۶ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده مخالف وجود قرائت‌های مختلف از دین اسلام اند. ۳۷.۵ درصد هم تا حدودی موافق قرائت‌های مختلف استند.
- ۹۲.۸ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده بر این باورند که اسلام کامل‌ترین دینی است که باید همه پیرو آن باشند.
- ۱۹.۸ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده مخالف زندگی در کنار ادیان دیگر اند.
- ۷۵.۳ درصد دانشجویان پاسخ‌دهنده موافق تلاش برای گسترش اسلام به کشورهای دیگر اند.

اضافه بر این موارد مصاحبه‌های اساتید مضمون نظام سیاسی اسلام نیز در مواردی نشان‌دهنده تفکر تندروانه است. هر چند در مواردی توجیه‌های برای این نوع تفکر آورده می‌شود، ولی به صورت کل آن چه بیان می‌گردد مستوجب تندروی است. از این میان تنها یکی از اساتید - عبدالوهاب نوینی، از دانشگاه هرات - در مواردی دیدگاه انتقادی و به معنای تعریف شده، ضد تندوری دارد.

به صورت خلاصه یافته‌های پژوهش، تأیید کننده‌ی فرضیات ابتدایی پژوهش در مورد رادیکال بودن متون درسگفتارهای نظام سیاسی اسلام و تأثیر رادیکال‌سازانه‌ی آن بر دانشجویان است. دانشجوی فراگیرنده‌ی آموزه‌های مندرج در متون نظام سیاسی اسلام، در صورت پذیرش آن‌ها، توانایی استدلال در مقابل گروه‌های رادیکال را نداشته، و در بسا موارد با آن‌ها حس این‌همانی خواهد داشت.

ضمیمه ۱: جدول‌ها و نمودارها

جمعیت‌شناسی پاسخ دهندگان

دانشگاه	درصد
کابل	۴۲٪
هرات	۳۱.۹۰٪
ننگرهار	۲۶.۰۰٪
مجموع	۱۰۰.۰۰٪

جنسیت	درصد
زن	۳۳.۸۰٪
مرد	۶۶.۲۰٪
مجموع	۱۰۰.۰۰٪

دانشگاه کابل	درصد
زن	۴۰.۸٪
مرد	۵۹.۲٪
مجموع	۱۰۰٪

دانشگاه هرات	درصد
زن	۴۷.۹٪
مرد	۵۲.۱٪
مجموع	۱۰۰٪

دانشگاه ننگرهار	درصد
زن	۵.۲٪
مرد	۹۴.۸٪
مجموع	۱۰۰٪

ملیت	درصد
ازبیک	۲.۴٪
پشتون	۴۱.۳٪
تاجیک	۳۱.۴٪
ترکمن	۱.۳٪
هزاره	۱۹.۶٪
دیگر	۴.۰٪

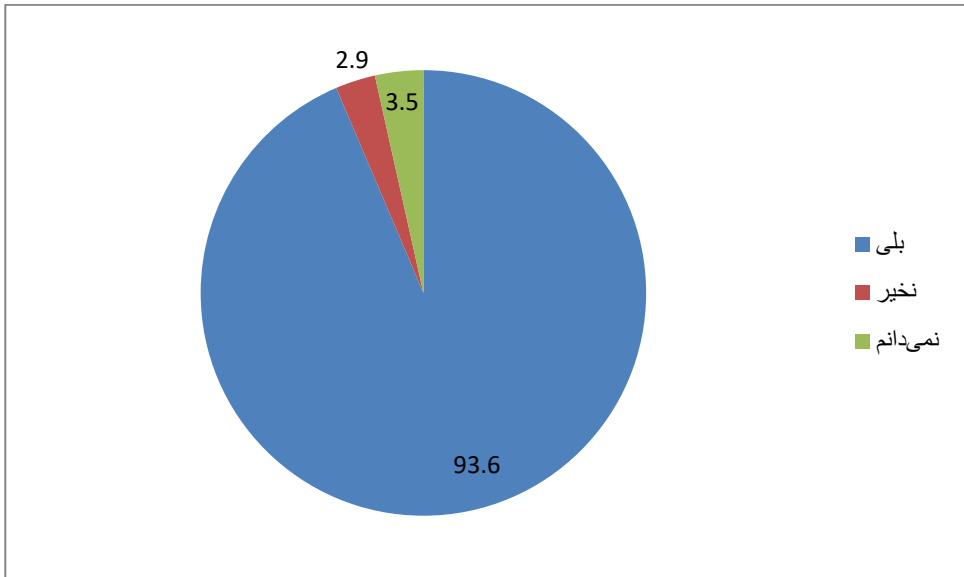
۱۰۰٪	مجموع
درصد	مذهب
۷۵.۶٪	حنفی
۲۳.۶٪	جعفری
۰.۸٪	دیگر
۱۰۰.۰٪	مجموع
درصد	محل رشد و پرورش
۶۴.۹٪	شهر
۳۵٪	روستا
۱۰۰٪	مجموع
درصد	عضویت در نهاد
۴.۰٪	انجمن دینی
۱۴.۵٪	انجمن فرهنگی و اجتماعی
۳.۸٪	حزب سیاسی
۸.۳۰٪	نهادهای جامعه مدنی
۰.۸۰٪	نهادهای دیگر
۶۸.۶٪	بدون عضویت
۱۰۰.۰٪	مجموع

جدول ۱: موافقت و مخالفت با وجود نظام سیاسی در اسلام

گزینه‌ها	درصد
بلی	۹۳.۶٪
نخیر	۲.۹٪
نمی‌دانم	۳.۵٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

در پاسخ به پرسش «به نظر شما، آیا دین اسلام دارای نظام سیاسی است؟»، ۹۳.۶ درصد پاسخ‌دهندگان پاسخ مثبت، ۲.۹ درصد پاسخ منفی و ۳.۵ درصد پاسخ نمی‌دانم داده‌اند. به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۲۴۹ تن گزینه‌ی اول، ۱۱ تن گزینه‌ی دوم و ۱۳ تن گزینه‌ی سوم را انتخاب کرده‌اند.

نمودار ۱: موافقت با وجود نظام سیاسی در اسلام



از این میان بیشترین پاسخ مثبت در دانشگاه هرات و کمترین آن در دانشگاه ننگرهار، و بیشترین پاسخ منفی در دانشگاه کابل و کمترین آن در دانشگاه هرات انتخاب شده است:

جدول ۲: دانشگاه کابل؛ موافقت و مخالفت با وجود نظام سیاسی در اسلام

گزینه‌ها	درصد
بلی	۹۲.۴٪
نخیر	۴.۵٪
نمی‌دانم	۳.۱٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

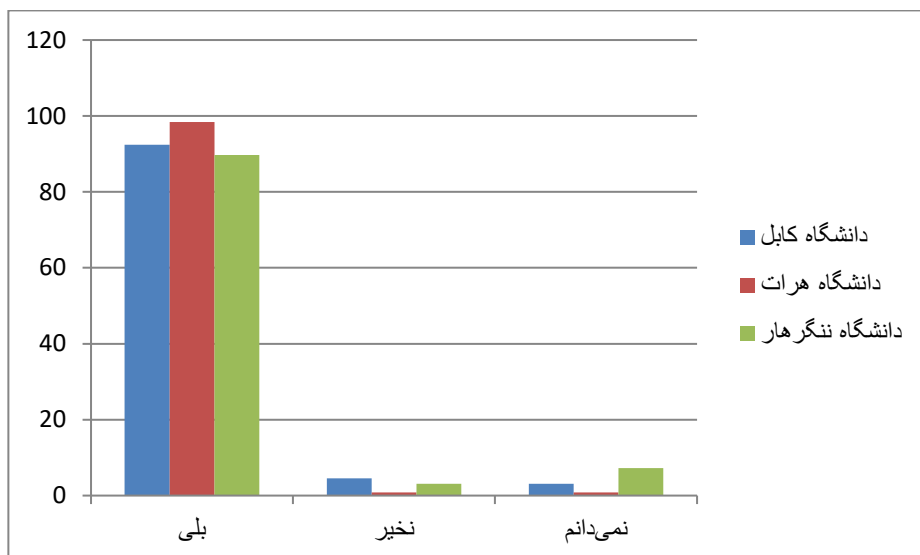
جدول ۳: دانشگاه هرات؛ موافقت و مخالفت با وجود نظام سیاسی در اسلام

گزینه‌ها	درصد
بلی	۹۸.۴٪
نخیر	۰.۸٪
نمی‌دانم	۰.۸٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

جدول ۴: دانشگاه ننگرهار؛ موافقت و مخالفت با وجود نظام سیاسی در اسلام

گزینه‌ها	درصد
بلی	۸۹.۷٪
نخیر	۳.۱٪
نمی‌دانم	۷.۲٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

نمودار ۲: تفکیک دانشگاه‌ها؛ موافقت و مخالفت با وجود نظام سیاسی در اسلام

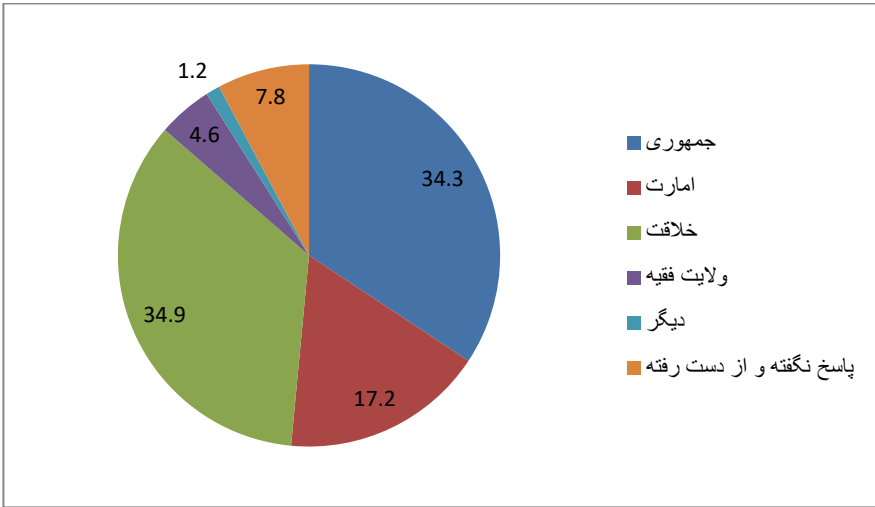


جدول ۵: نوعیت نظام سیاسی اسلامی

گزینه‌ها	درصد
جمهوری	۳۴.۳٪
امارت	۱۷.۲٪
خلافت	۳۴.۹٪
ولایت فقیه	۴.۶٪
دیگر	۱.۲٪
پاسخ نگفته و از دست رفته	۷.۸٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

در پاسخ به پرسش «اگر اسلام دارای نظام سیاسی است، به نظر شما کدام نظام سیاسی زیر اسلامی است؟»، ۳۴.۳ درصد پاسخ‌دهندگان جمهوری، ۱۷.۲ درصد امارت، ۳۴.۹ درصد خلافت، ۴.۶ درصد گزینه‌ی دیگر را انتخاب کرده‌اند، و ۷.۸ درصد به دلیل سوال نخست، پاسخ نگفته و یا هم بنا بر دلیل دیگری پاسخ از دست رفته است. به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۱۲۸ تن گزینه‌ی اول، ۶۴ تن گزینه‌ی دوم، ۱۳۰ تن گزینه‌ی سوم، ۱۷ تن گزینه‌ی چهارم، ۵ تن گزینه‌ی پنجم، و ۲۹ تن گزینه‌ی ششم را انتخاب کرده‌اند.

نمودار ۳: نوعیت نظام سیاسی اسلامی



از این میان بیشترین پاسخ مثبت برای جمهوری در دانشگاه کابل و کمترین آن در دانشگاه هرات، بیشترین پاسخ مثبت برای امارت در دانشگاه ننگرهار و کمترین آن در دانشگاه هرات، بیشترین پاسخ مثبت برای خلافت در دانشگاه هرات و کمترین آن در دانشگاه ننگرهار بوده است:

جدول ۶: دانشگاه کابل؛ نوعیت نظام سیاسی اسلامی

گزینه‌ها	درصد
جمهوری	۳۶.۹٪
امارت	۸.۳٪
خلافت	۳۹.۵٪
ولایت فقیه	۴.۵٪
دیگر	۲.۵٪
پاسخ نگفته و از دست رفته	۸.۳٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

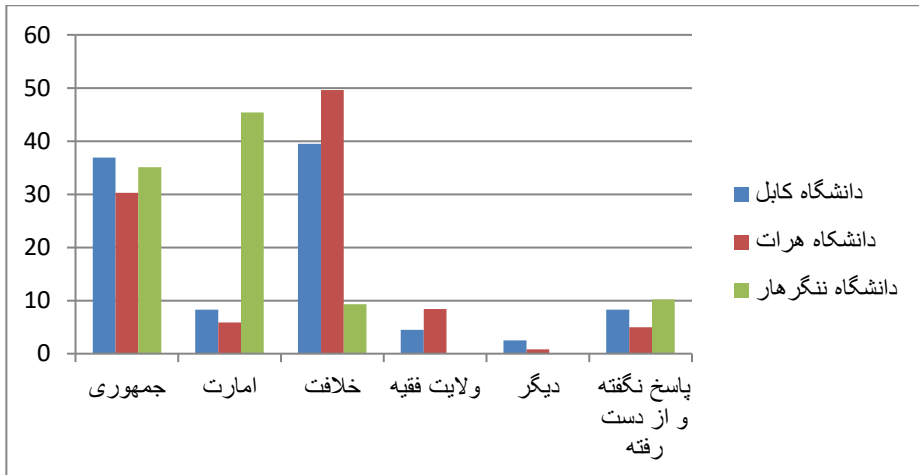
جدول ۷: دانشگاه هرات؛ نوعیت نظام سیاسی اسلامی

گزینه‌ها	درصد
جمهوری	۳۰.۳٪
امارت	۵.۹٪
خلافت	۴۹.۶٪
ولایت فقیه	۸.۴٪
دیگر	۰.۸٪
پاسخ نگفته و از دست رفته	۵.۰٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

جدول ۸: دانشگاه ننگرهار؛ نوعیت نظام سیاسی اسلامی

گزینه‌ها	درصد
جمهوری	۳۵.۱٪
امارت	۴۵.۴٪
خلافت	۹.۳٪
ولایت فقیه	۰.۰٪
دیگر	۰.۰٪
پاسخ نگفته و از دست رفته	۱۰.۲٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

نمودار ۴: تفکیک دانشگاه‌ها؛ نوعیت نظام سیاسی اسلامی

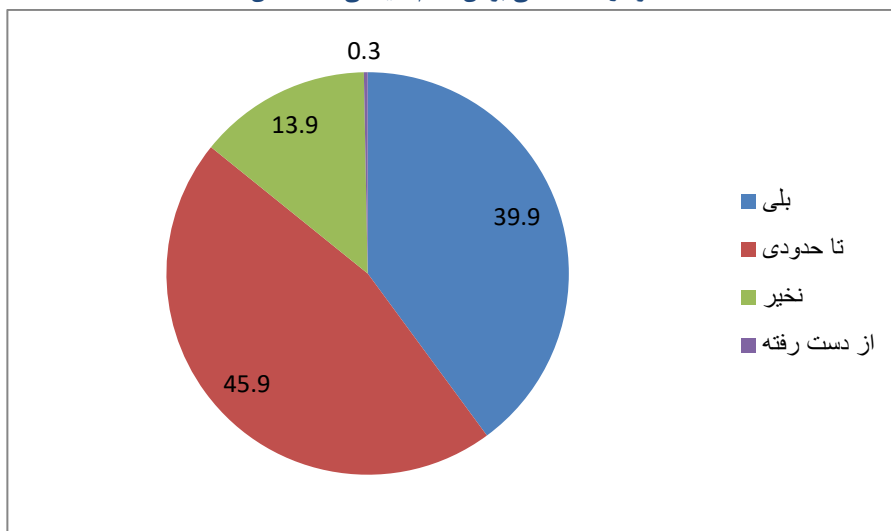


جدول ۹: اسلامی بودن نظام سیاسی افغانستان

گزینه‌ها	درصد
بلی	۳۹.۹٪
تا حدودی	۴۵.۹٪
نخیر	۱۳.۹٪
از دست رفته	۰.۳٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

در پاسخ به پرسش «به نظر شما، آیا نظام سیاسی افغانستان اسلامی است؟»، ۳۹.۹ درصد پاسخ‌دهندگان پاسخ مثبت، ۴۵.۹ درصد پاسخ تا حدودی و ۱۳.۹ درصد پاسخ منفی داده‌اند. بر این اساس، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۱۴۹ تن گزینه‌ی اول، ۱۷۱ تن گزینه‌ی دوم و ۵۲ تن گزینه‌ی سوم را انتخاب کرده‌اند. از این میان یک پاسخ هم از دست رفته است.

نمودار ۵: اسلامی بودن نظام سیاسی افغانستان



از این میان بیشترین پاسخ مثبت در اسلامی بودن نظام سیاسی افغانستان در دانشگاه ننگرهار و کمترین آن در دانشگاه کابل، و بیشترین پاسخ منفی در دانشگاه کابل و کمترین آن در دانشگاه ننگرهار بوده است:

جدول ۱۰: دانشگاه کابل: اسلامی بودن نظام سیاسی افغانستان

گزینه‌ها	درصد
بلی	۱۹.۷٪
تا حدودی	۵۹.۲٪
نخیر	۲۰.۵٪
از دست رفته	۰.۶٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

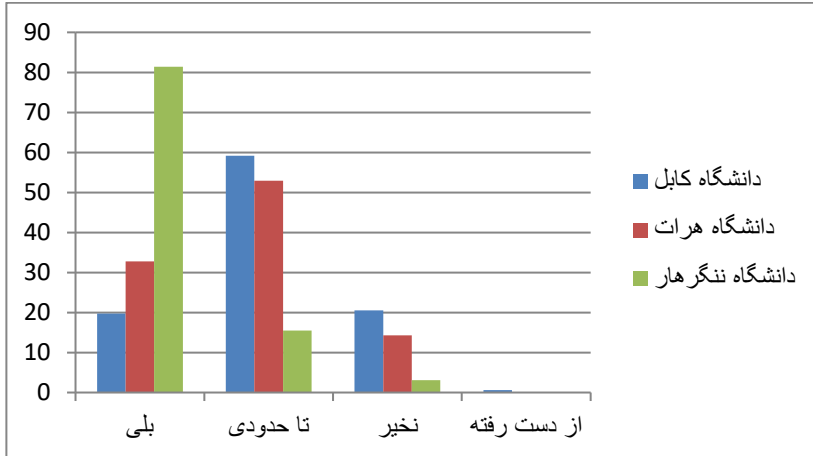
جدول ۱۱: دانشگاه هرات: اسلامی بودن نظام سیاسی افغانستان

گزینه‌ها	درصد
بلی	۳۲.۸٪
تا حدودی	۵۲.۹٪
نخیر	۱۴.۳٪
از دست رفته	۰.۰٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

جدول ۱۲: دانشگاه ننگرهار: اسلامی بودن نظام سیاسی افغانستان

گزینه‌ها	درصد
بلی	۸۱.۴٪
تا حدودی	۱۵.۵٪
نخیر	۳.۱٪
از دست رفته	۰.۰٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

نمودار ۶: تفکیک دانشگاه‌ها؛ اسلامی بودن نظام سیاسی افغانستان

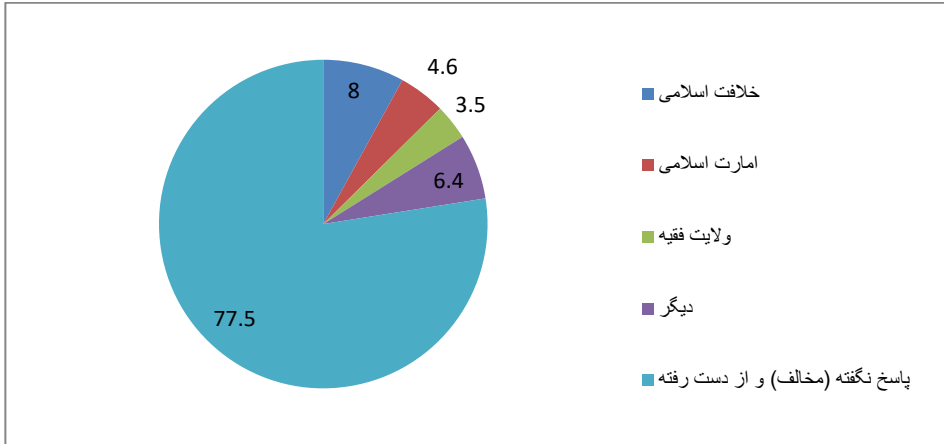


جدول ۱۳: تغییر نظام سیاسی افغانستان

گزینه‌ها	درصد
خلافت اسلامی	۸.۰٪
امارت اسلامی	۴.۶٪
ولایت فقیه	۳.۵٪
دیگر	۴.۶٪
پاسخ نگفته (مخالف) و از دست رفته	۷۷.۵٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

در پاسخ به پرسش «اگر نظام سیاسی افغانستان اسلامی نیست، آیا موافق تغییر نظام سیاسی افغانستان هستید؟ اگر بلی، به کدام نظام؟»، ۸ درصد پاسخ‌دهندگان خلافت اسلامی، ۴.۶ درصد امارت اسلامی، ۳.۵ درصد ولایت فقیه، ۶.۴ گزینه‌ی دیگر را انتخاب کرده‌اند، و ۷۷.۵ درصد به دلیل سوال قبلی پاسخ نگفته و مخالف تغییر نظام سیاسی‌اند - ۷۶.۷ درصد - یا به دلیل دیگری - ۰.۸ درصد - پاسخ از دست رفته است. به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۳۰ تن گزینه‌ی اول، ۱۷ تن گزینه‌ی دوم، ۱۳ تن گزینه‌ی سوم، و ۲۴ تن گزینه‌ی چهارم را انتخاب کرده‌اند. از این میان ۲۸۶ تن به دلیل سوال قبلی پرسش را پاسخ نگفته و مخالف تغییر نظام بوده‌اند، و ۳ پاسخ هم از دست رفته است.

نمودار ۷: تغییر نظام سیاسی افغانستان



از این میان بیشترین پاسخ مثبت برای تغییر نظام سیاسی افغانستان در دانشگاه کابل و کمترین آن در دانشگاه هرات، و بیشترین پاسخ منفی - مخالفت - برای تغییر نظام سیاسی در دانشگاه هرات و کمترین آن در دانشگاه کابل بوده است:

جدول ۱۴: دانشگاه کابل؛ تغییر نظام سیاسی افغانستان

گزینه‌ها	درصد
خلافت اسلامی	۱۲.۷٪
امارت اسلامی	۴.۵٪
ولایت فقیه	۳.۸٪
دیگر	۱۲.۱٪
پاسخ نگفته(مخالف) و از دست رفته	۶۶.۹٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

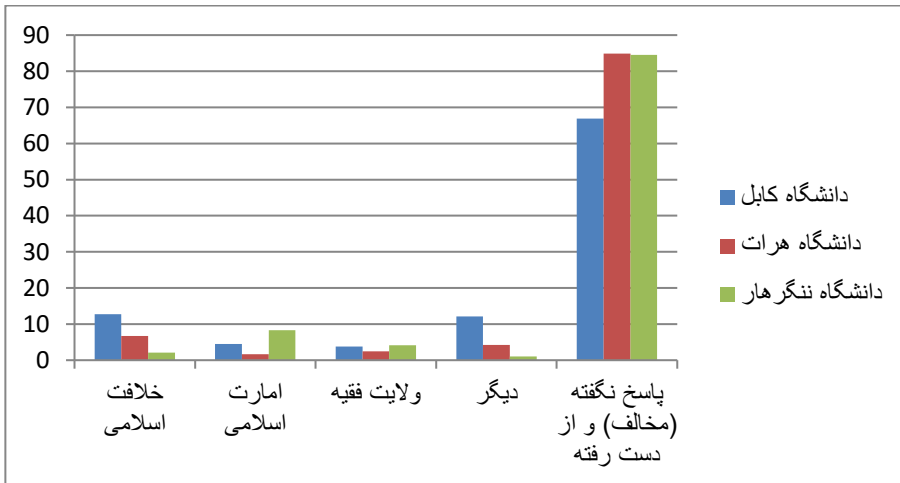
جدول ۱۵: دانشگاه هرات؛ تغییر نظام سیاسی افغانستان

گزینه‌ها	درصد
خلافت اسلامی	۶.۷٪
امارت اسلامی	۱.۷٪
ولایت فقیه	۲.۵٪
دیگر	۴.۲٪
پاسخ نگفته(مخالف) و از دست رفته	۸۴.۹٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

جدول ۱۶: دانشگاه ننگرهار؛ تغییر نظام سیاسی افغانستان

گزینه‌ها	درصد
خلافت اسلامی	۲.۱٪
امارت اسلامی	۸.۳٪
ولایت فقیه	۴.۱٪
دیگر	۱.۰٪
پاسخ نگفته(مخالف) و از دست رفته	۸۴.۵٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

نمودار ۸: تفکیک دانشگاه‌ها؛ تغییر نظام سیاسی افغانستان

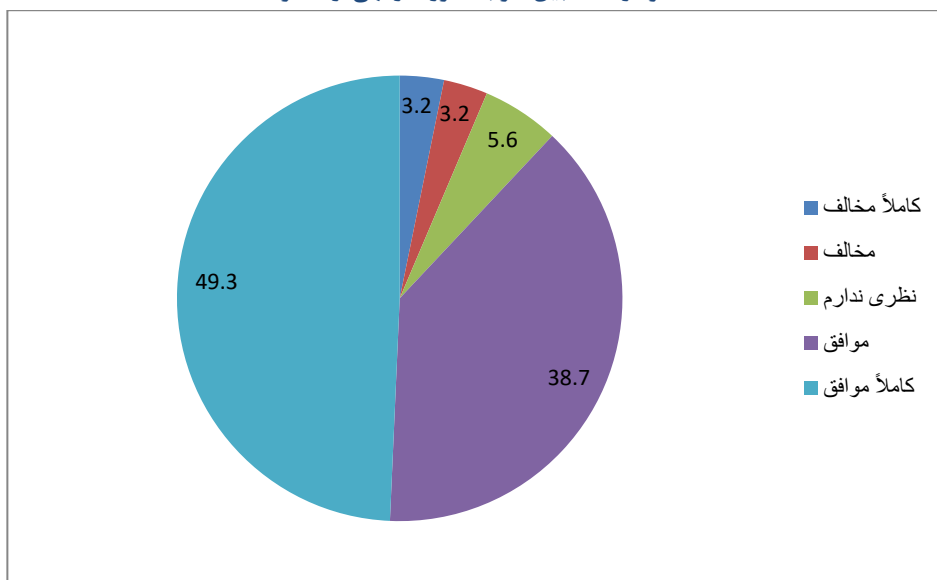


جدول ۱۷: تطبیق امر به معروف و نهی از منکر

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۳.۲٪
مخالف	۳.۲٪
نظری ندارم	۵.۶٪
موافق	۳۸.۷٪
کاملاً موافق	۴۹.۳٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

در پاسخ به پرسش «آیا با تطبیق «امر به معروف و نهی از منکر» موافق هستید؟»، ۳.۲ درصد پاسخ‌دهندگان گزینه کاملاً مخالف، ۳.۲ درصد مخالف، ۵.۶ درصد نظری ندارم، ۳۸.۷ درصد موافق، و ۴۹.۳ کاملاً موافق را انتخاب کرده‌اند. به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۱۲ تن گزینه اول، ۱۲ تن گزینه دوم، ۲۱ تن گزینه سوم، ۱۴۴ تن گزینه چهارم، و ۱۸۴ تن گزینه پنجم را انتخاب کرده‌اند.

نمودار ۹: تطبیق امر به معروف و نهی از منکر



از این میان بیشترین موافقت در دانشگاه هرات و کمترین آن در دانشگاه کابل، و بیشترین مخالفت در دانشگاه کابل و کمترین آن در دانشگاه هرات بوده است:

جدول ۱۸: دانشگاه کابل؛ تطبیق امر به معروف و نهی از منکر

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۵.۱٪
مخالف	۶.۴٪
نظری ندارم	۷.۶٪
موافق	۳۳.۸٪
کاملاً موافق	۴۷.۱٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

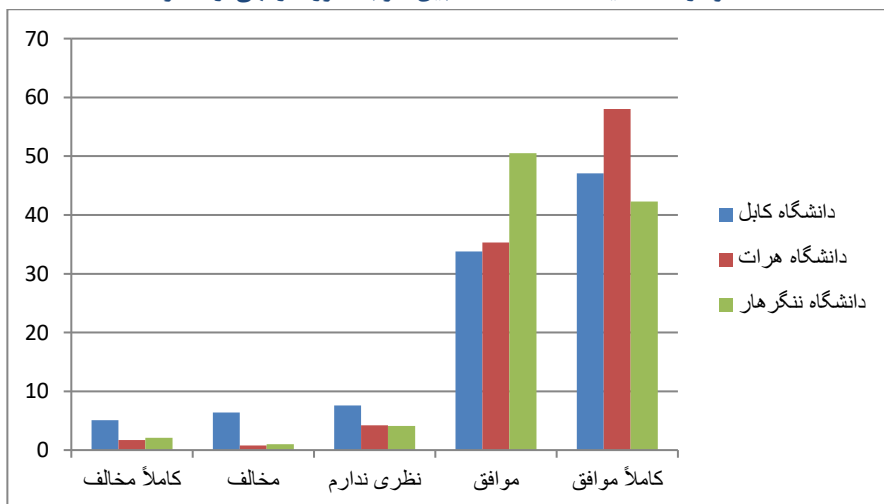
جدول ۱۹: دانشگاه هرات؛ تطبیق امر به معروف و نهی از منکر

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۱.۷٪
مخالف	۰.۸٪
نظری ندارم	۴.۲٪
موافق	۳۵.۳٪
کاملاً موافق	۵۸.۰٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

جدول ۲۰: دانشگاه ننگرهار؛ تطبیق امر به معروف و نهی از منکر

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۲.۱٪
مخالف	۱.۰٪
نظری ندارم	۴.۱٪
موافق	۵۰.۵٪
کاملاً موافق	۴۲.۳٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

نمودار ۱۰: تفکیک دانشگاه‌ها؛ تطبیق امر به معروف و نهی از منکر

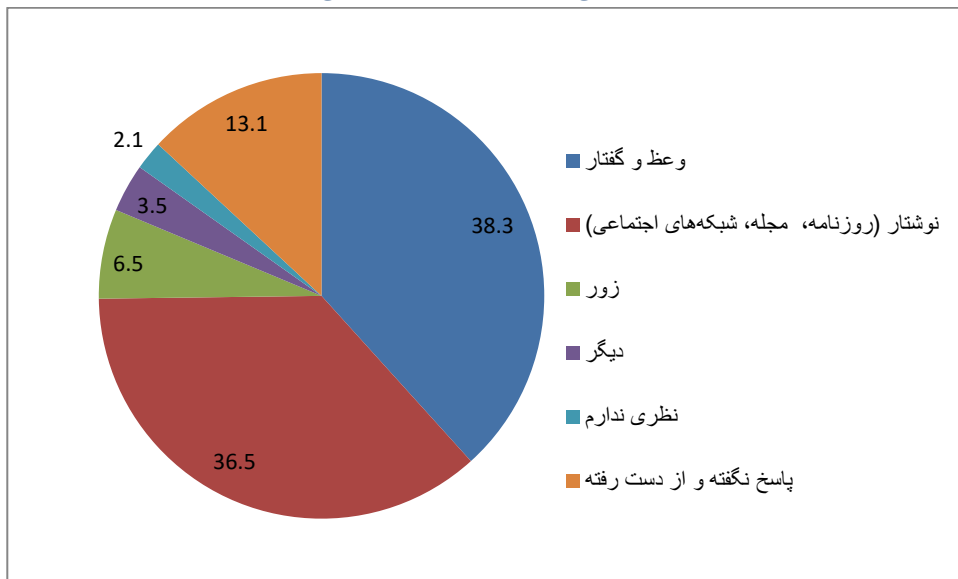


جدول ۲۱: چگونگی تطبیق «امر به معروف و نهی از منکر»

درصد	گزینه‌ها
۳۸.۳٪	وعظ و گفتار
۳۶.۵٪	نوشتار (روزنامه، مجله، شبکه‌های اجتماعی)
۶.۵٪	زور
۳.۵٪	دیگر
۲.۱٪	نظری ندارم
۱۳.۱٪	پاسخ نگفته و از دست رفته
۱۰۰.۰٪	مجموع

در پاسخ به پرسش «اگر با تطبیق امر به معروف و نهی از منکر موافق هستید، از چی راهی/راه‌های باید امر به معروف و نهی از منکر انجام شود؟»، انتخاب ۳۸.۳ درصد پاسخ‌دهندگان وعظ و گفتار، ۳۶.۵ نوشتار (روزنامه، مجله، شبکه‌های اجتماعی)، ۶.۵ درصد زور، ۲.۱ درصد نظری ندارم بوده است. ۱۳.۱ درصد هم یا پاسخ نگفته‌اند و یا پاسخ‌شان از دست رفته است. به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۱۴۳ تن گزینه‌ی اول، ۱۳۶ تن گزینه‌ی دوم، ۲۴ تن گزینه‌ی سوم، ۱۳ تن گزینه‌ی چهارم، و ۸ تن گزینه‌ی پنجم را انتخاب کرده‌اند. ۴۹ تن دیگر یا پاسخ به دلیل سوال قبلی پاسخ نگفته و مخالف بوده‌اند - ۴۵ تن - و یا پاسخ‌شان از دست رفته است - ۴ تن.

نمودار ۱۱: چگونگی تطبیق «امر به معروف و نهی از منکر»



از این میان بیشترین انتخاب «وعظ و گفتار» و «نوشتار» در دانشگاه هرات و کمترین آن در دانشگاه کابل، و بیشترین انتخاب زور در دانشگاه ننگرهار و کمترین آن در دانشگاه هرات بوده است:

جدول ۲۲: دانشگاه کابل؛ چگونگی تطبیق «امر به معروف و نهی از منکر»

گزینه‌ها	درصد
وعظ و گفتار	۲۸.۷٪
نوشتار (روزنامه، مجله، شبکه‌های اجتماعی)	۳۵.۷٪
زور	۵.۷٪
دیگر	۷.۶٪
نظری ندارم	۱.۹٪
پاسخ نگفته و از دست رفته	۲۰.۴٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

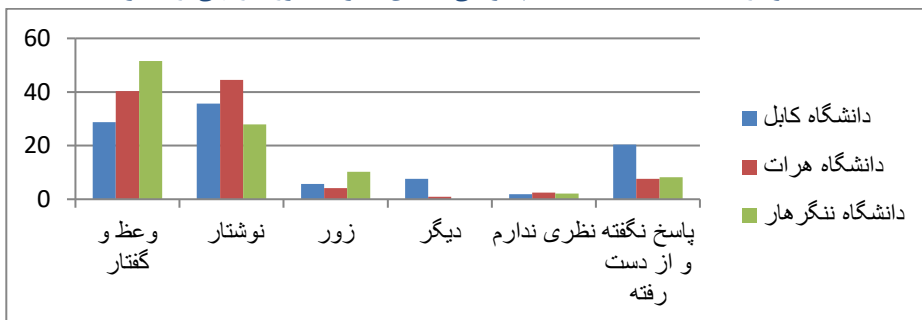
جدول ۲۳: دانشگاه هرات؛ چگونگی تطبیق «امر به معروف و نهی از منکر»

درصد	گزینه‌ها
۴۰.۳٪	وعظ و گفتار
۴۴.۵٪	نوشتار (روزنامه، مجله، شبکه‌های اجتماعی)
۴.۲٪	زور
۰.۹٪	دیگر
۲.۵٪	نظری ندارم
۷.۶٪	پاسخ نگفته و از دست رفته
۱۰۰.۰٪	مجموع

جدول ۲۴: دانشگاه ننگرهار؛ چگونگی تطبیق «امر به معروف و نهی از منکر»

درصد	گزینه‌ها
۵۱.۵٪	وعظ و گفتار
۲۷.۹٪	نوشتار (روزنامه، مجله، شبکه‌های اجتماعی)
۱۰.۳٪	زور
۰.۰٪	دیگر
۲.۱٪	نظری ندارم
۸.۲٪	پاسخ نگفته و از دست رفته
۱۰۰.۰٪	مجموع

نمودار ۱۲: تفکیک دانشگاه‌ها؛ چگونگی تطبیق «امر به معروف و نهی از منکر»

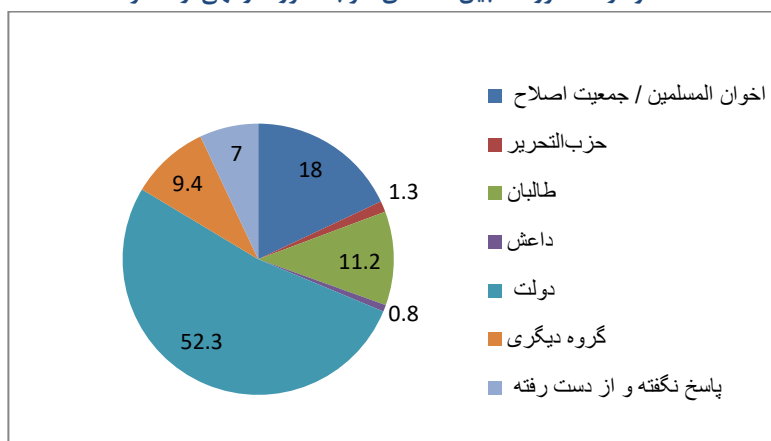


جدول ۲۵: گروه تطبیق کننده‌ی امر به معروف و نهی از منکر

درصد	گزینه‌ها
۱۸.۰٪	اخوان المسلمین/جمعیت اصلاح
۱.۳٪	حزب التحریر
۱۱.۲٪	طالبان
۰.۸٪	داعش
۵۲.۳٪	دولت
۹.۴٪	گروه دیگری
۷.۰٪	پاسخ نگفته و از دست رفته
۱۰۰.۰٪	مجموع

در پاسخ به پرسش «کدام گروه را تطبیق کننده‌ی آموزه‌ی امر به معروف و نهی از منکر می‌دانید؟»، انتخاب ۱۸ درصد پاسخ‌دهندگان اخوان المسلمین/جمعیت اصلاح، ۱.۳ حزب التحریر، ۱۱.۲ درصد طالبان، ۰.۸ درصد داعش، ۵۲.۳ درصد دولت، ۹.۴ درصد گروه دیگری بوده است. ۷ درصد هم یا پاسخ نگفته‌اند و یا پاسخ‌شان از دست رفته است. به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۶۷ تن گزینه‌ی اول، ۵ تن گزینه‌ی دوم، ۴۲ تن گزینه‌ی سوم، ۳ تن گزینه‌ی چهارم، ۱۹۵ تن گزینه‌ی پنجم، و ۳۵ تن گزینه‌ی ششم را انتخاب کرده‌اند. ۲۶ تن دیگر یا پاسخ نگفته‌اند و یا پاسخ‌شان از دست رفته است.

نمودار ۱۳: گروه تطبیق کننده‌ی امر به معروف و نهی از منکر



از این میان بیشترین انتخاب طالبان در دانشگاه نگرهار و کمترین آن در دانشگاه هرات، بیشترین انتخاب دولت در دانشگاه کابل و کمترین آن در دانشگاه نگرهار بوده است:

جدول ۲۶: دانشگاه کابل؛ گروه تطبیق کننده‌ی امر به معروف و نهی از منکر

گزینه‌ها	درصد
اخوان المسلمین/جمعیت اصلاح	۱۴.۶٪
حزب التحریر	۲.۵٪
طالبان	۷.۰٪
داعش	۱.۹٪
دولت	۵۸.۰٪
گروه دیگری	۱۱.۵٪
پاسخ نگفته و از دست رفته	۴.۵٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

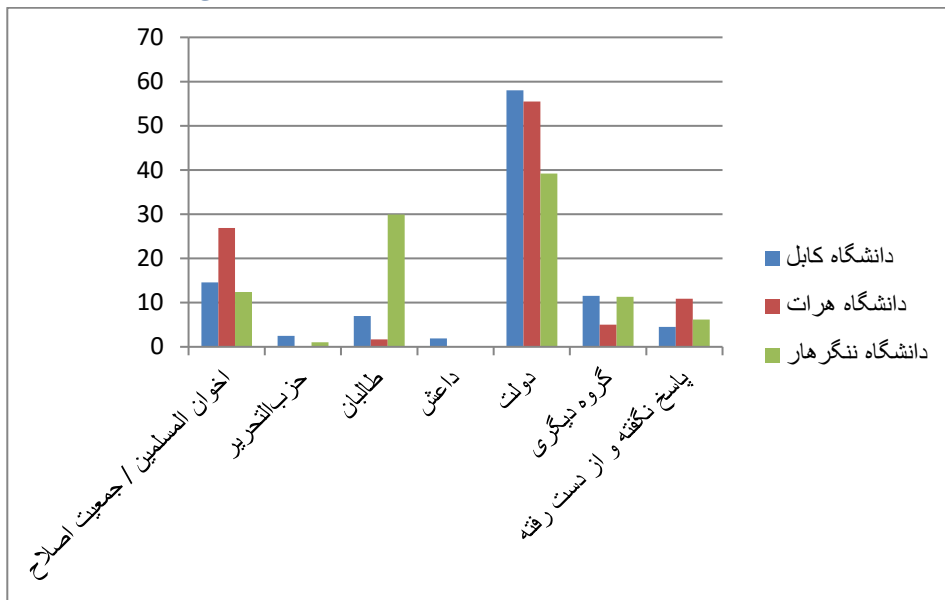
جدول ۲۷: دانشگاه هرات؛ گروه تطبیق کننده‌ی امر به معروف و نهی از منکر

گزینه‌ها	درصد
اخوان المسلمین/جمعیت اصلاح	۲۶.۹٪
حزب التحریر	۰.۰٪
طالبان	۱.۷٪
داعش	۰.۰٪
دولت	۵۵.۵٪
گروه دیگری	۵.۰٪
پاسخ نگفته و از دست رفته	۱۰.۹٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

جدول ۲۸: دانشگاه ننگرهار؛ گروه تطبیق کننده‌ی امر به معروف و نهی از منکر

گزینه‌ها	درصد
اخوان المسلمین/جمعیت اصلاح	۱۲.۳٪
حزب التحریر	۱.۰٪
طالبان	۲۹.۹٪
داعش	۰.۰٪
دولت	۳۹.۲٪
گروه دیگری	۱۱.۳٪
پاسخ نگفته و از دست رفته	۶.۳٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

نمودار ۱۴: تفکیک دانشگاه‌ها؛ گروه تطبیق‌کننده‌ی امر به معروف و نهی از منکر

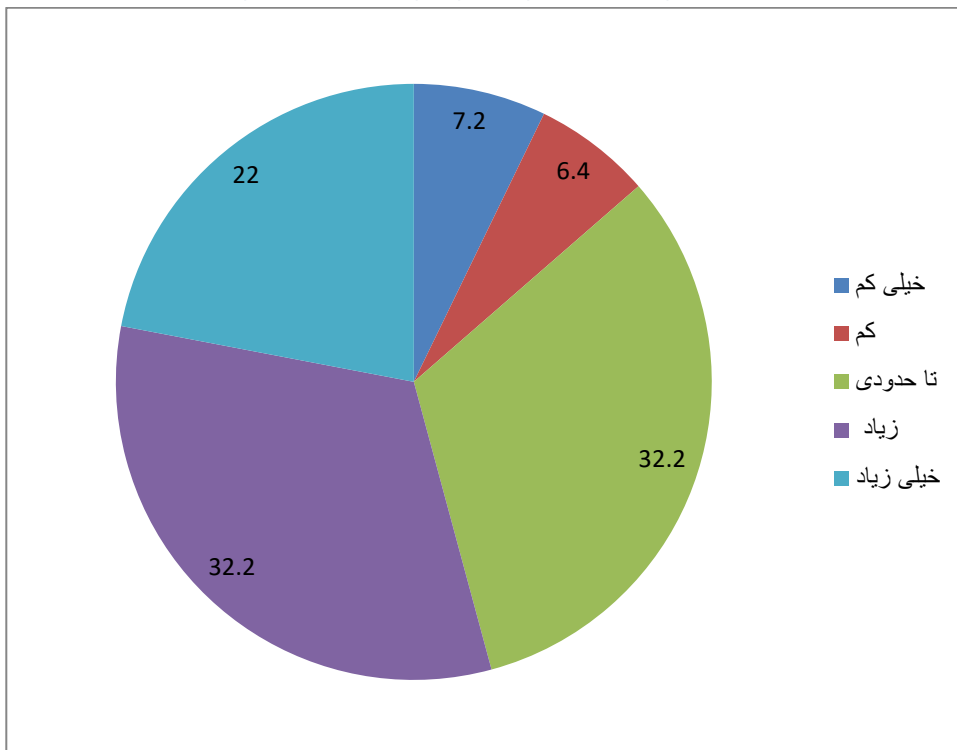


جدول ۲۹: تأکید بر دین اسلام به عنوان بهترین دین و تطبیق احکام آن از سوی استاد

درصد	گزینه‌ها
۷.۲٪	خیلی کم
۶.۴٪	کم
۳۲.۲٪	تاحدودی
۳۲.۲٪	زیاد
۲۲.۰٪	خیلی زیاد
۱۰۰.۰٪	مجموع

در پاسخ به پرسش «آیا در جریان درس مضمون «نظام سیاسی اسلام» بر دین اسلام، به عنوان بهترین دین که باید احکام آن در تمام حوزه‌های زندگی انسان تطبیق شود، تأکید صورت می‌گرفت؟»، انتخاب ۷.۲ درصد پاسخ‌دهندگان گزینه‌ی خیلی کم، ۶.۴ درصد گزینه‌ی کم، ۳۲.۲ درصد تا حدودی، ۳۲.۲ درصد زیاد، و ۲۲ درصد خیلی زیاد بوده است. به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۲۷ تن گزینه‌ی اول، ۲۴ تن گزینه‌ی دوم، ۱۲۰ تن گزینه‌ی سوم، ۱۲۰ تن گزینه‌ی چهارم، و ۸۲ تن گزینه‌ی پنجم را انتخاب کرده‌اند.

نمودار ۱۵: تأکید بر دین اسلام به عنوان بهترین دین و تطبیق احکام آن از سوی استاد



از این میان بیشترین گزینه زیاد و خیلی زیاد در دانشگاه هرات و کمترین آن در دانشگاه ننگرهار، و بیشترین گزینه خیلی کم و کم در دانشگاه کابل و کمترین آن در دانشگاه هرات انتخاب شده است:

جدول ۳۰: دانشگاه کابل؛ تأکید بر دین اسلام به عنوان بهترین دین و تطبیق احکام آن از سوی استاد

گزینه‌ها	درصد
خیلی کم	۱۰.۸٪
کم	۸.۹٪
تا حدودی	۲۶.۱٪
زیاد	۳۰.۰٪
خیلی زیاد	۲۴.۲٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

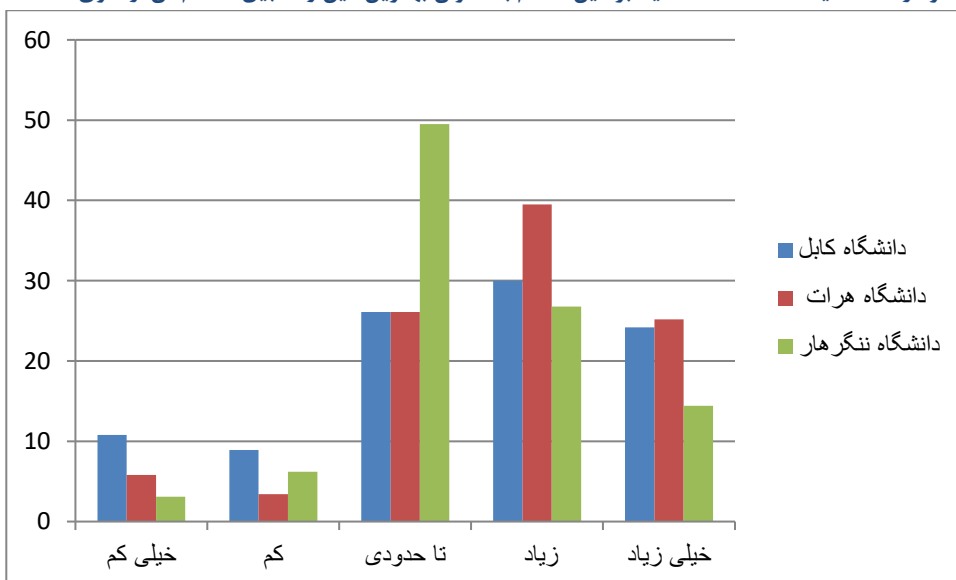
جدول ۳۱: دانشگاه هرات؛ تأکید بر دین اسلام به عنوان بهترین دین و تطبیق احکام آن از سوی استاد

گزینه‌ها	درصد
خیلی کم	۵.۸٪
کم	۳.۴٪
تاحدودی	۲۶.۱٪
زیاد	۳۹.۵٪
خیلی زیاد	۲۵.۲٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

جدول ۳۲: دانشگاه ننگرهار؛ تأکید بر دین اسلام به عنوان بهترین دین و تطبیق احکام آن از سوی استاد

گزینه‌ها	درصد
خیلی کم	۳.۱٪
کم	۶.۲٪
تاحدودی	۴۹.۵٪
زیاد	۲۶.۸٪
خیلی زیاد	۱۴.۴٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

نمودار ۱۶: تفکیک دانشگاه‌ها؛ تأکید بر دین اسلام به عنوان بهترین دین و تطبیق احکام آن از سوی استاد

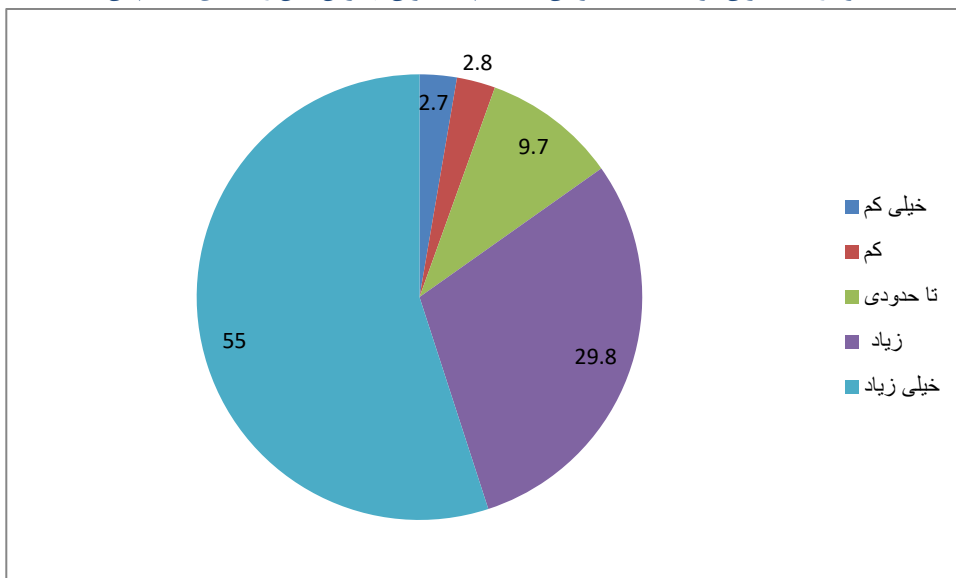


جدول ۳۳: میزان موافقت دانشجویان با اسلام به عنوان بهترین دین و تطبیق احکام آن

گزینه‌ها	درصد
خیلی کم	۲.۷٪
کم	۲.۸٪
تا حدودی	۹.۷٪
زیاد	۲۹.۸٪
خیلی زیاد	۵۵.۰٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

در پاسخ به پرسش «شما تا چقدر با سوال بالا - اسلام به عنوان بهترین دین که باید آموزه‌های آن در تمام حوزه‌هایی زندگی تطبیق شود - موافق هستید؟»، انتخاب ۲.۷ درصد پاسخ‌دهندگان گزینه‌ی خیلی کم، ۲.۸ درصد گزینه‌ی کم، ۹.۷ درصد تا حدودی، ۲۹.۸ درصد زیاد، و ۵۵ درصد خیلی زیاد بوده است. به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۱۱ تن گزینه‌ی اول، ۱۱ تن گزینه‌ی دوم، ۳۶ تن گزینه‌ی سوم، ۱۱۱ تن گزینه‌ی چهارم، و ۲۰۵ تن گزینه‌ی پنجم را انتخاب کرده‌اند.

نمودار ۱۷: میزان موافقت دانشجویان با اسلام به عنوان بهترین دین و تطبیق احکام آن



از این میان بیشترین گزینه‌ی زیاد و خیلی زیاد در دانشگاه هرات و کمترین آن در دانشگاه کابل، و بیشترین گزینه‌ی خیلی کم و کم در دانشگاه کابل و کمترین آن در دانشگاه هرات انتخاب شده است:

جدول ۳۴: دانشگاه کابل؛ میزان موافقت دانشجویان با اسلام به عنوان بهترین دین و تطبیق احکام آن

گزینه‌ها	درصد
خیلی کم	۶.۲٪
کم	۶.۴٪
تاحدودی	۱۰.۲٪
زیاد	۲۱.۰٪
خیلی زیاد	۵۶.۰٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

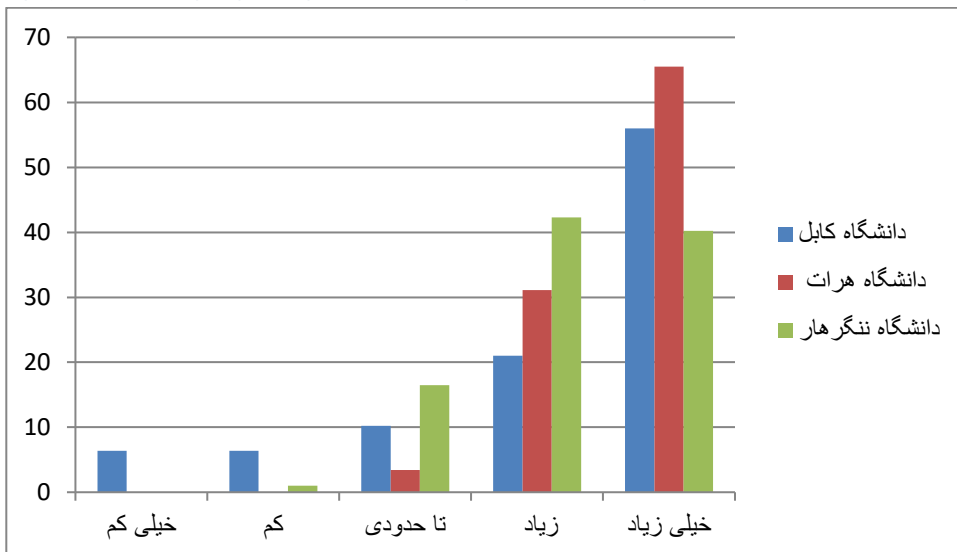
جدول ۳۵: دانشگاه هرات؛ میزان موافقت دانشجویان با اسلام به عنوان بهترین دین و تطبیق احکام آن

گزینه‌ها	درصد
خیلی کم	۰.۰٪
کم	۰.۰٪
تاحدودی	۳.۴٪
زیاد	۳۱.۱٪
خیلی زیاد	۶۵.۵٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

جدول ۳۶: دانشگاه ننگرهار؛ میزان موافقت دانشجویان با اسلام به عنوان بهترین دین و تطبیق احکام آن

گزینه‌ها	درصد
خیلی کم	۰.۰٪
کم	۱.۰٪
تاحدودی	۱۶.۵٪
زیاد	۴۲.۳٪
خیلی زیاد	۴۰.۲٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

نمودار ۱۸: تفکیک دانشگاه‌ها؛ میزان موافقت دانشجویان با اسلام به عنوان بهترین دین و تطبیق احکام آن

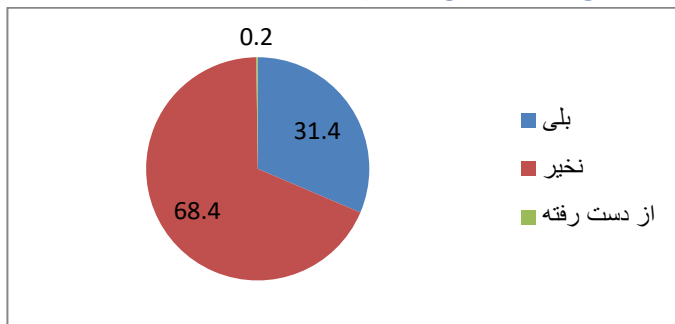


جدول ۳۷: معرفی خلافت اسلامی به عنوان الگوی حکومت‌داری خوب که باید احیا گردد

گزینه‌ها	درصد
بلی	۳۱.۴٪
نخیر	۶۸.۴٪
از دست رفته	۰.۲٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

در پاسخ به پرسش «آیا در جریان درس مضمون «نظام سیاسی اسلام» صدر اسلام (خلافت اسلامی) به عنوان الگوی حکومت‌داری خوب، که باید دوباره ایجاد گردد، معرفی می‌گردید؟»، انتخاب ۳۱.۴ درصد پاسخ‌دهندگان گزینه‌ی بلی و ۶۸.۴ گزینه‌ی نخیر بوده است. ۰.۲ درصد هم از دست رفته است. به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۱۱۷ تن گزینه‌ی اول و ۲۵۵ تن گزینه‌ی دوم را انتخاب کرده‌اند. ۱ پاسخ هم از دست رفته است.

نمودار ۱۹: معرفی خلافت اسلامی به عنوان الگوی حکومت‌داری خوب که باید احیا گردد



از این میان بیشترین انتخاب گزینه‌ی بلی در دانشگاه ننگرهار و کمترین آن در دانشگاه کابل، و بیشترین انتخاب گزینه‌ی نخیر در دانشگاه هرات و کمترین آن در دانشگاه ننگرهار بوده است:

جدول ۳۸: دانشگاه کابل؛ معرفی خلافت اسلامی به عنوان الگوی حکومت‌داری خوب که باید احیا گردد

گزینه‌ها	درصد
بلی	۲۹.۳٪
نخیر	۷۰.۱٪
از دست رفته	۰.۶٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

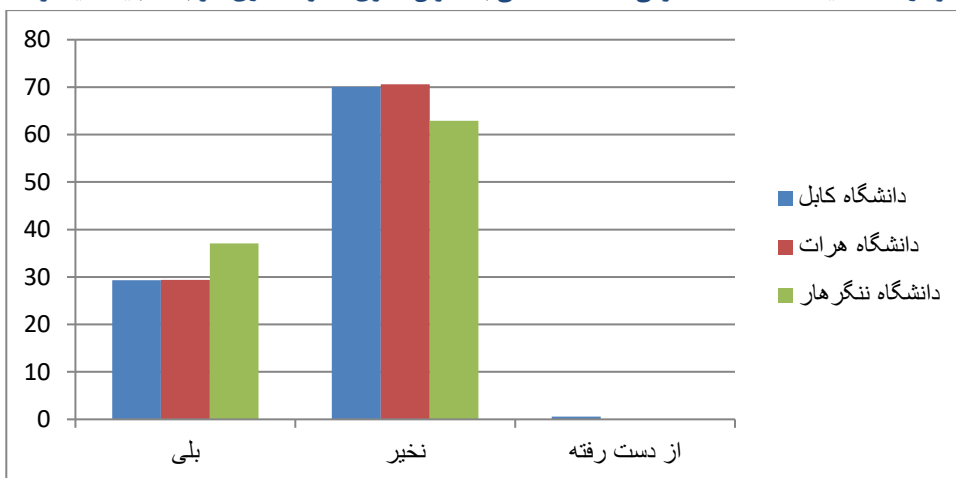
جدول ۳۹: دانشگاه هرات؛ معرفی خلافت اسلامی به عنوان الگوی حکومت‌داری خوب که باید احیا گردد

گزینه‌ها	درصد
بلی	۲۹.۴٪
نخیر	۷۰.۶٪
از دست رفته	۰.۰٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

جدول ۴۰: دانشگاه ننگرهار؛ معرفی خلافت اسلامی به عنوان الگوی حکومت‌داری خوب که باید احیا گردد

گزینه‌ها	درصد
بلی	۳۷.۱٪
نخیر	۶۲.۹٪
از دست رفته	۰.۰٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

نمودار ۲۰: تفکیک دانشگاه‌ها؛ معرفی خلافت اسلامی به عنوان الگوی حکومت‌داری خوب که باید احیا گردد

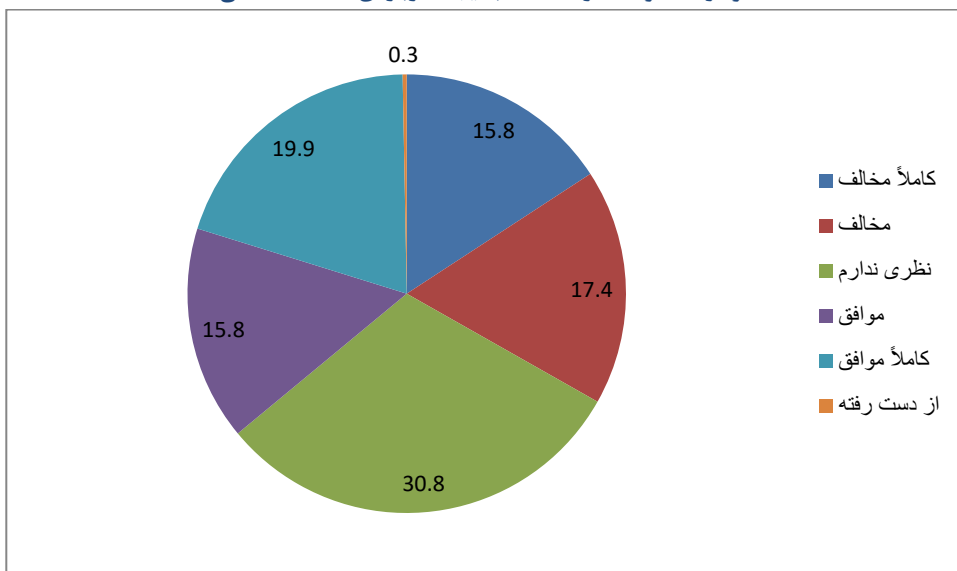


جدول ۴۱: موافقت و مخالفت با ایجاد دوباره‌ی خلافت اسلامی

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۱۵.۸٪
مخالف	۱۷.۴٪
نظری ندارم	۳۰.۸٪
موافق	۱۵.۸٪
کاملاً موافق	۱۹.۹٪
از دست رفته	۰.۳٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

در پاسخ به پرسش «شما تا چه اندازه با ایجاد دوباره‌ی خلافت اسلامی موافق هستید؟»، ۱۵.۸ درصد پاسخ‌دهندگان گزینه‌ی کاملاً مخالف، ۱۷.۴ درصد مخالف، ۳۰.۸ درصد نظری ندارم، ۱۵.۸ درصد موافق، و ۱۹.۹ کاملاً موافق را انتخاب کرده‌اند. ۰.۳ درصد هم از دست رفته است. به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۵۹ تن گزینه‌ی اول، ۶۵ تن گزینه‌ی دوم، ۱۱۵ تن گزینه‌ی سوم، ۵۹ تن گزینه‌ی چهارم، و ۷۴ تن گزینه‌ی پنجم را انتخاب کرده‌اند. یک پاسخ هم از دست رفته است.

نمودار ۲۱: موافقت و مخالفت با ایجاد دوباره‌ی خلافت اسلامی



از این میان بیشترین موافقت در دانشگاه هرات و کمترین آن در دانشگاه ننگرهار، و بیشترین مخالفت در دانشگاه ننگرهار و کمترین آن در دانشگاه هرات بوده است:

جدول ۴۲ : دانشگاه کابل؛ موافقت و مخالفت با ایجاد دوباره‌ی خلافت اسلامی

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۱۸.۵٪
مخالف	۱۷.۲٪
نظری ندارم	۲۲.۳٪
موافق	۱۵.۹٪
کاملاً موافق	۲۵.۵٪
از دست رفته	۰.۶٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

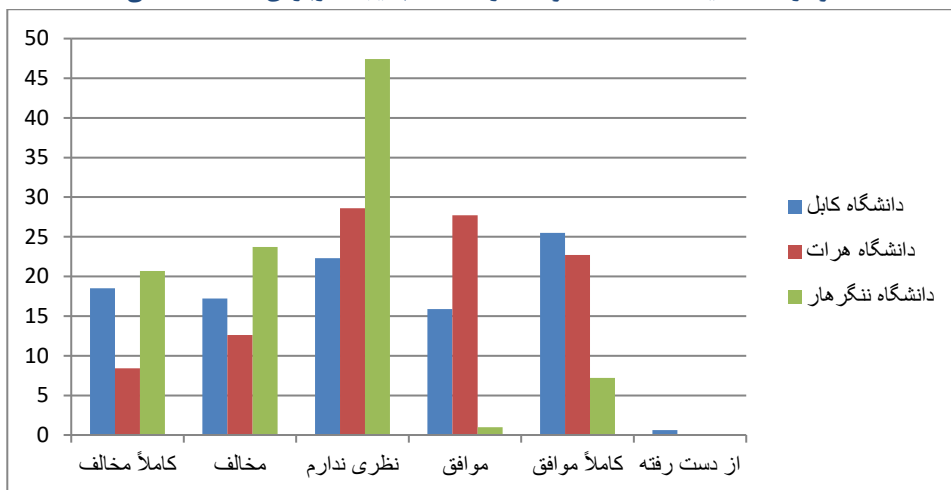
جدول ۴۳ : دانشگاه هرات؛ موافقت و مخالفت با ایجاد دوباره‌ی خلافت اسلامی

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۸.۴٪
مخالف	۱۲.۶٪
نظری ندارم	۲۸.۶٪
موافق	۲۷.۷٪
کاملاً موافق	۲۲.۷٪
از دست رفته	۰.۰٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

جدول ۴۴: دانشگاه ننگرهار؛ موافقت و مخالفت با ایجاد دوباره‌ی خلافت اسلامی

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۲۰.۷٪
مخالف	۲۳.۷٪
نظری ندارم	۴۷.۴٪
موافق	۱.۰٪
کاملاً موافق	۷.۲٪
از دست رفته	۰.۰٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

نمودار ۲۲: تفکیک دانشگاه‌ها؛ موافقت و مخالفت با ایجاد دوباره‌ی خلافت اسلامی

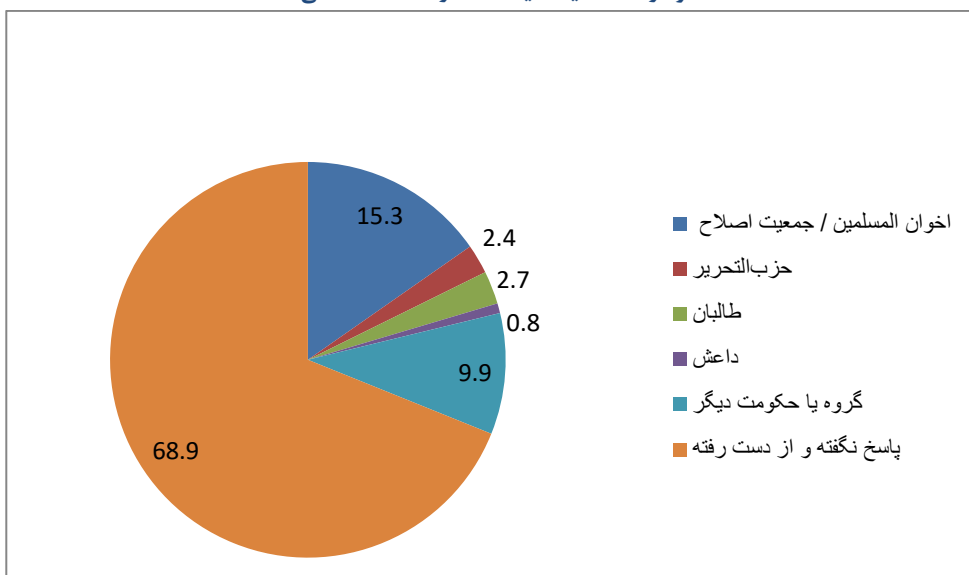


جدول ۴۵: نماینده یا هدف‌دار خلافت اسلامی

گزینه‌ها	درصد
اخوان المسلمین/جمعیت اصلاح	۱۵.۳٪
حزب التحریر	۲.۴٪
طالبان	۲.۷٪
داعش	۰.۸٪
گروه یا حکومت دیگری	۹.۹٪
پاسخ نگفته و از دست رفته	۶۸.۹٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

در پاسخ به پرسش «اگر شما موافق ایجاد دوباره‌ی خلافت اسلامی هستید، کدام گروه یا حکومت را در زمان حال نماینده یا هدفدار آن می‌دانید؟»، انتخاب ۱۵.۳ درصد پاسخ‌دهندگان اخوان المسلمین/جمعیت اصلاح، ۲.۴ درصد حزب‌التحریر، ۲.۷ درصد طالبان، ۰.۸ درصد داعش، و ۹.۹ درصد گروه یا حکومت دیگر بوده است. ۶۸.۹ درصد دیگر یا پاسخ نگفته و مخالف احیای دوباره خلافت بوده‌اند، و یا پاسخ شان از دست رفته است. به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۵۷ تن گزینه‌ی اول، ۹ تن گزینه‌ی دوم، ۱۰ تن گزینه‌ی سوم، ۳ تن گزینه‌ی چهارم، و ۳۷ تن گزینه‌ی پنجم را انتخاب کرده‌اند. ۲۵۷ تن دیگر یا پاسخ نگفته و مخالف احیای دوباره خلافت بوده‌اند - ۲۴۴ تن - و یا پاسخ شان از دست رفته است - ۱۳ تن.

نمودار ۲۳: نماینده یا هدفدار خلافت اسلامی



از این میان بیشترین انتخاب اخوان‌المسلمین / جمعیت اصلاح در دانشگاه هرات و کمترین آن در دانشگاه ننگرهار، و بیشترین مخالفت با احیای دوباره‌ی خلافت در دانشگاه ننگرهار و کمترین آن در دانشگاه هرات بوده است:

جدول ۴۶: دانشگاه کابل؛ نماینده یا هدفدار خلافت اسلامی

گزینه‌ها	درصد
اخوان المسلمین/جمعیت اصلاح	۱۴.۰٪
حزب التحریر	۲.۵٪
طالبان	۳.۸٪
داعش	۱.۴٪
گروه یا حکومت دیگری	۱۴.۰٪
پاسخ نگفته و از دست رفته	۶۴.۳٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

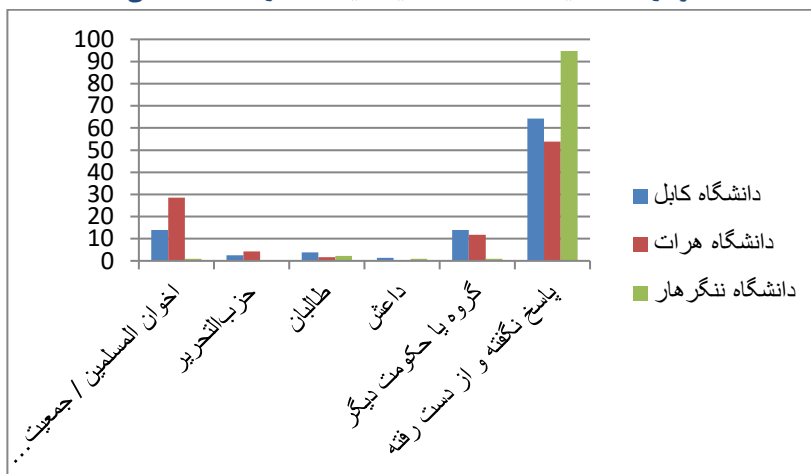
جدول ۴۷: دانشگاه هرات؛ نماینده یا هدفدار خلافت اسلامی

گزینه‌ها	درصد
اخوان المسلمین/جمعیت اصلاح	۲۸.۵٪
حزب التحریر	۴.۲٪
طالبان	۱.۷٪
داعش	۰.۰٪
گروه یا حکومت دیگری	۱۱.۸٪
پاسخ نگفته و از دست رفته	۵۳.۸٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

جدول ۴۸: دانشگاه ننگرهار؛ نماینده یا هدفدار خلافت اسلامی

گزینه‌ها	درصد
اخوان المسلمین/جمعیت اصلاح	۱.۰٪
حزب التحریر	۰.۰٪
طالبان	۲.۲٪
داعش	۱.۰٪
گروه یا حکومت دیگری	۱.۰٪
پاسخ نگفته و از دست رفته	۹۴.۸٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

نمودار ۲۴: کفیک دانشگاه‌ها؛ نماینده یا هدف‌دار خلافت اسلامی

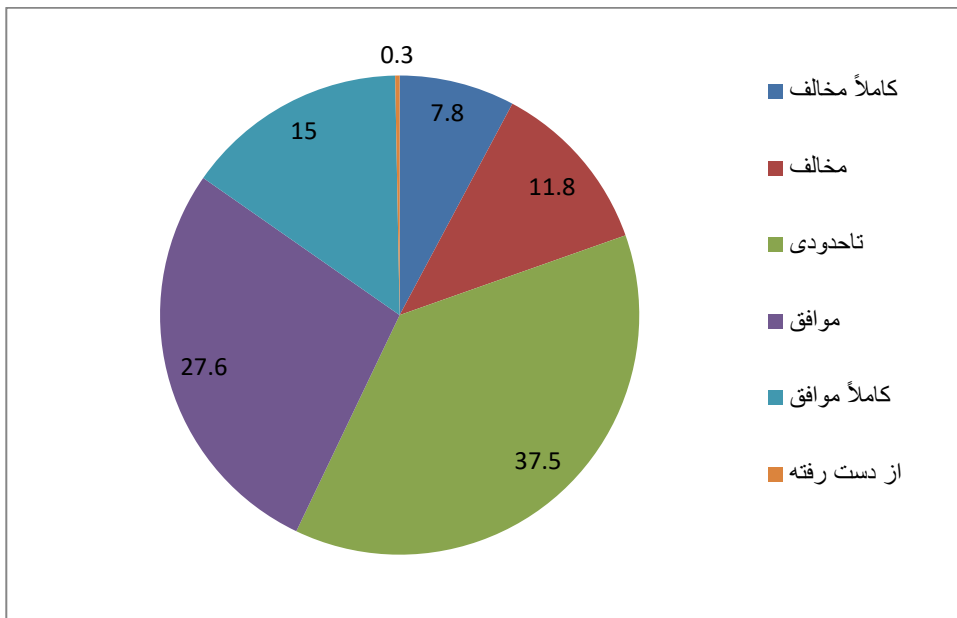


جدول ۴۹: موافقت و مخالفت با وجود قرائت‌های مختلف از اسلام

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۷.۸٪
مخالف	۱۱.۸٪
تاحدودی	۳۷.۵٪
موافق	۲۷.۶٪
کاملاً موافق	۱۵.۰٪
از دست رفته	۰.۳٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

در پاسخ به پرسش «شما چی اندازه با وجود قرائت‌های مختلف از دین اسلام - مثل گروه‌های دینی و جریان‌های روشنفکری دینی - موافق استید؟»، ۷.۸ درصد کاملاً مخالف، ۱۱.۸ درصد مخالف، ۳۷.۵ درصد تا حدودی، ۲۷.۶ درصد موافق، و ۱۵ درصد کاملاً موافق بوده‌اند. ۰.۳ درصد هم از دست رفته است. به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۲۹ تن گزینه‌ی اول، ۴۴ تن گزینه‌ی دوم، ۱۴۰ تن گزینه‌ی سوم، ۱۰۳ تن گزینه‌ی چهارم، و ۵۶ تن گزینه‌ی پنجم را انتخاب کرده‌اند. یک پاسخ هم از دست رفته است.

نمودار ۲۵: موافقت و مخالفت با وجود قرائت‌های مختلف از اسلام



از این میان بیشترین موافقت در دانشگاه هرات و کمترین آن در دانشگاه کابل، و بیشترین مخالفت در دانشگاه کابل و کمترین آن در دانشگاه ننگرهار بوده است:

جدول ۵۰: دانشگاه کابل؛ موافقت و مخالفت با وجود قرائت‌های مختلف از اسلام

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۱۴.۰٪
مخالف	۱۷.۲٪
تا حدودی	۳۵.۰٪
موافق	۲۲.۳٪
کاملاً موافق	۱۱.۵٪
از دست رفته	۰.۰٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

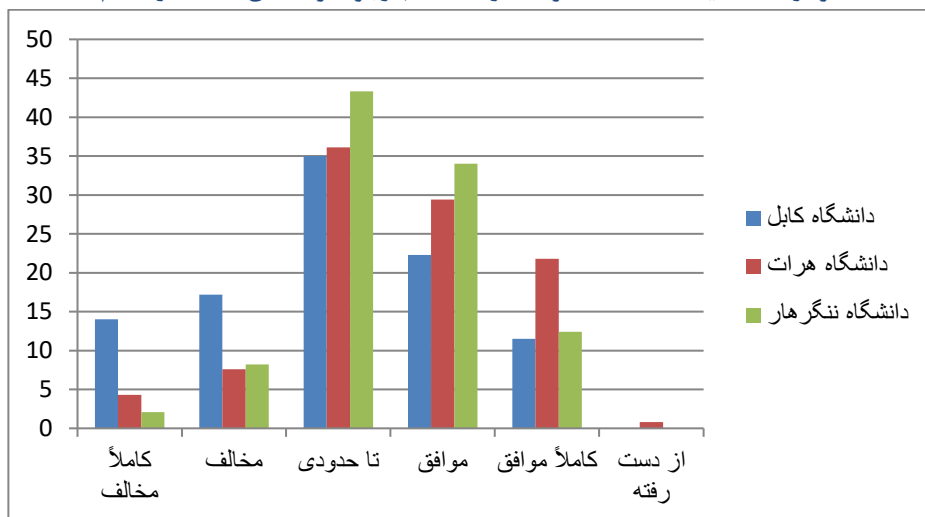
جدول ۵۱: دانشگاه هرات؛ موافقت و مخالفت با وجود قرائت‌های مختلف از اسلام

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۴.۳٪
مخالف	۷.۶٪
تا حدودی	۳۶.۱٪
موافق	۲۹.۴٪
کاملاً موافق	۲۱.۶٪
از دست رفته	۰.۸٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

جدول ۵۲: دانشگاه ننگرهار؛ موافقت و مخالفت با وجود قرائت‌های مختلف از اسلام

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۲.۱٪
مخالف	۸.۲٪
تا حدودی	۴۳.۳٪
موافق	۳۴.۰٪
کاملاً موافق	۱۲.۴٪
از دست رفته	۰.۰٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

نمودار ۲۶: تفکیک دانشگاه‌ها؛ موافقت و مخالفت با وجود قرائت‌های مختلف از اسلام

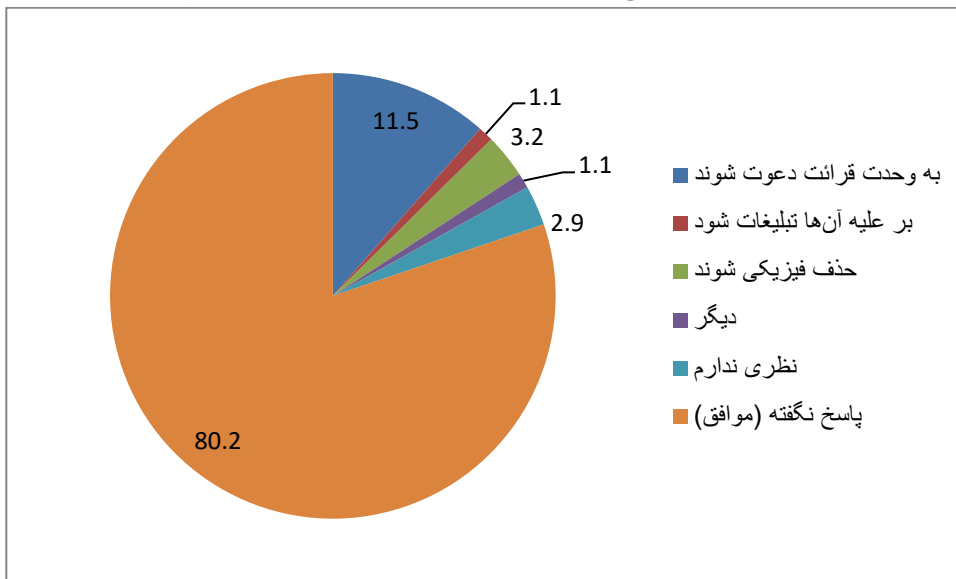


جدول ۵۳: چگونگی برخورد با قرائت‌های دیگر در صورت مخالف بودن

درصد	گزینه‌ها
۱۱.۵٪	به وحدت قرائت دعوت شوند
۱.۱٪	بر علیه آنها تبلیغات شود
۳.۲٪	حذف فیزیکی شوند
۱.۱٪	دیگر
۲.۹٪	نظری ندارم
۸۰.۲٪	پاسخ نگفته (موافق)
۱۰۰.۰٪	مجموع

در پاسخ به پرسش «اگر شما موافق وجود قرائت‌های مختلف از دین نیستید، با قرائت‌های دیگر چی باید کرد؟»، انتخاب ۱۱.۵ درصد دعوت به وحدت قرائت، از ۱.۱ درصد تبلیغ بر علیه آن‌ها، ۳.۲ درصد حذف فیزیکی، ۱.۱ درصد گزینه‌ی دیگر، و ۲.۹ درصد نظری ندارم بوده است. ۸۰.۲ درصد دیگر پاسخ نگفته و به گونه‌ی موافق قرائت‌های دیگر بوده‌اند (جدول ۴۹). به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۴۳ تن گزینه‌ی اول، ۴ تن گزینه‌ی دوم، ۱۲ تن گزینه‌ی سوم، ۴ تن گزینه‌ی چهارم، و ۱۱ تن گزینه‌ی پنجم را انتخاب کرده‌اند. ۲۹۹ تن هم پاسخ نگفته‌اند.

نمودار ۲۷: چگونگی برخورد با قرائت‌های دیگر در صورت مخالف بودن



از این میان بیشترین پاسخ نگفته - مخالف برخورد یا به نحوی موافق وجود قرائت‌های مختلف - در دانشگاه ننگرهار و کمترین آن در دانشگاه کابل بوده است:

جدول ۵۴: دانشگاه کابل؛ چگونگی برخورد با قرائت‌های دیگر در صورت مخالف بودن

گزینه‌ها	درصد
به وحدت قرائت دعوت شوند	۱۶.۷٪
بر علیه آنها تبلیغات شود	۱.۹٪
حذف فیزیکی شوند	۷.۶٪
دیگر	۲.۵٪
نظری ندارم	۵.۷٪
پاسخ نگفته (موافق)	۶۵.۶٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

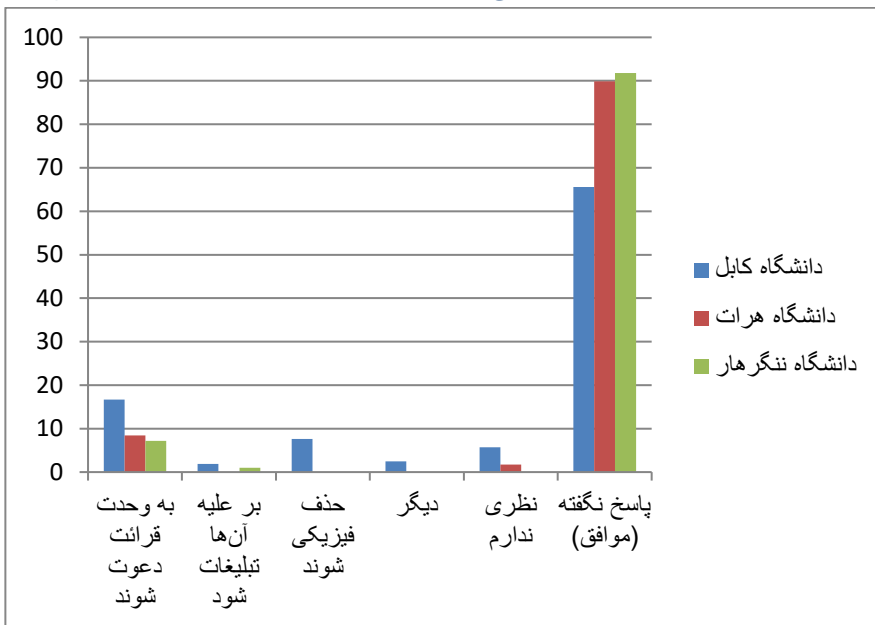
جدول ۵۵ : دانشگاه هرات؛ چگونگی برخورد با قرائت‌های دیگر در صورت مخالف بودن

گزینه‌ها	درصد
به وحدت قرائت دعوت شوند	۸.۴٪
برعلیه آنها تبلیغات شود	۰.۰٪
حذف فیزیکی شوند	۰.۰٪
دیگر	۰.۰٪
نظری ندارم	۱.۷٪
پاسخ نگفته(موافق)	۸۹.۹٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

جدول ۵۶ : دانشگاه ننگرهار؛ چگونگی برخورد با قرائت‌های دیگر در صورت مخالف بودن

گزینه‌ها	درصد
به وحدت قرائت دعوت شوند	۷.۲٪
برعلیه آنها تبلیغات شود	۱.۰٪
حذف فیزیکی شوند	۰.۰٪
دیگر	۰.۰٪
نظری ندارم	۰.۰٪
پاسخ نگفته(موافق)	۹۱.۸٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

نمودار ۲۸: تفکیک دانشگاه‌ها؛ چگونگی برخورد با قرائت‌های دیگر در صورت مخالف بودن

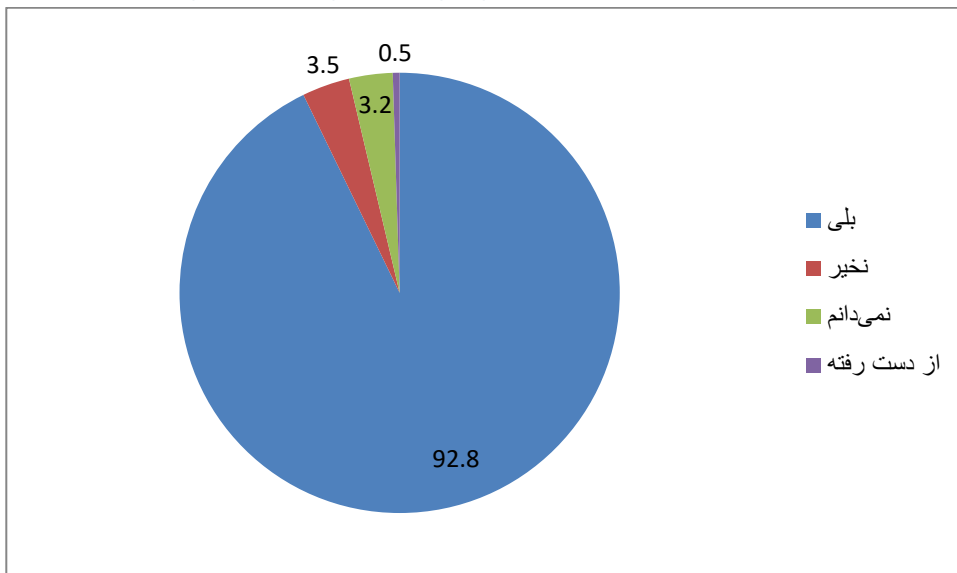


جدول ۵۷: موافقت و مخالفت با کامل بودن دین اسلام و این‌که همه پیرو آن باشند

گزینه‌ها	درصد
بلی	۹۲.۸٪
نخیر	۳.۵٪
نمی‌دانم	۳.۲٪
از دست رفته	۰.۵٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

در پاسخ به پرسش «به نظر شما، آیا اسلام کامل‌ترین دینی است که باید همه پیرو آن باشند؟»، ۹۲.۸ درصد پاسخ‌دهندگان پاسخ مثبت، ۳.۵ درصد پاسخ منفی و ۳.۲ پاسخ نمی‌دانم داده‌اند. ۰.۵ درصد هم از دست رفته است. به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۳۴۶ تن گزینه‌ی اول، ۱۳ تن گزینه‌ی دوم و ۱۲ تن گزینه‌ی سوم را انتخاب کرده‌اند. دو پاسخ هم از دست رفته است.

نمودار ۲۹: موافقت و مخالفت با کامل بودن دین اسلام و این که همه پیرو آن باشند



از این میان بیشترین موافقت در دانشگاه ننگرهار و کمترین آن در دانشگاه کابل، و بیشترین مخالفت در دانشگاه کابل و کمترین آن در دانشگاه‌های هرات و ننگرهار بوده است:

جدول ۵۸: دانشگاه کابل؛ موافقت و مخالفت با کامل بودن دین اسلام و این که همه پیرو آن باشند

گزینه‌ها	درصد
بلی	۸۶.۰٪
نخیر	۸.۳٪
نمی‌دانم	۴.۴٪
از دست رفته	۱.۳٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

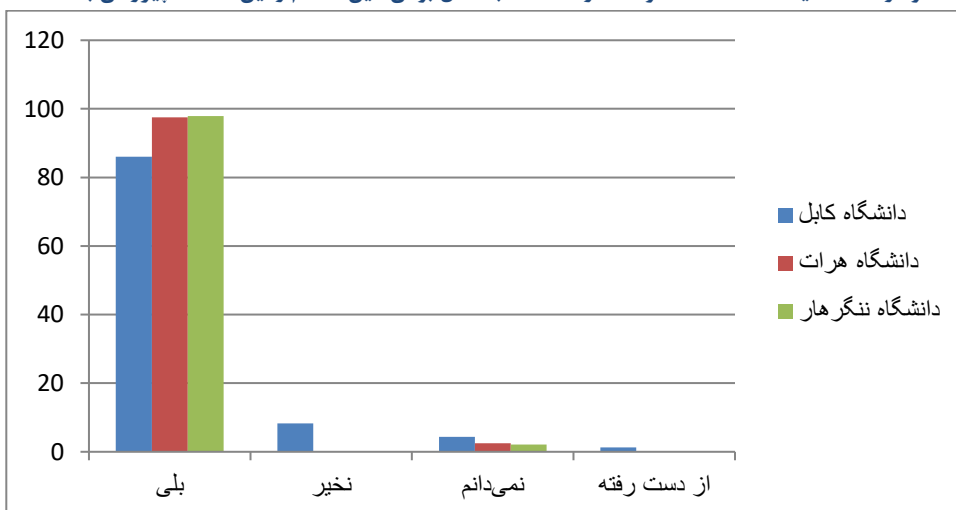
جدول ۵۹: دانشگاه هرات؛ موافقت و مخالفت با کامل بودن دین اسلام و این که همه پیرو آن باشند

گزینه‌ها	درصد
بلی	۹۷.۵٪
نخیر	۰.۰٪
نمی‌دانم	۲.۵٪
از دست رفته	۰.۰٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

جدول ۶۰: دانشگاه ننگرهار؛ موافقت و مخالفت با کامل بودن دین اسلام و این که همه پیرو آن باشند

گزینه‌ها	درصد
بلی	۹۷.۹٪
نخیر	۰.۰٪
نمی‌دانم	۲.۱٪
از دست رفته	۰.۰٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

نمودار ۳۰: تفکیک دانشگاه‌ها؛ موافقت و مخالفت با کامل بودن دین اسلام و این که همه پیرو آن باشند

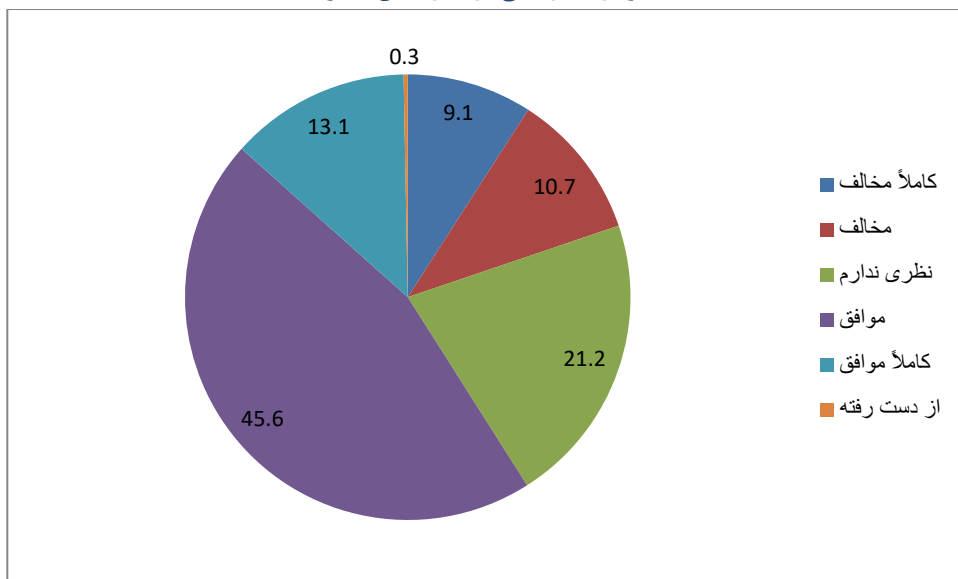


جدول ۶۱: زندگی در کنار ادیان دیگر

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۹.۱٪
مخالف	۱۰.۷٪
نظری ندارم	۲۱.۲٪
موافق	۴۵.۶٪
کاملاً موافق	۱۳.۱٪
از دست رفته	۰.۳٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

در پاسخ به پرسش «نظر شما در مورد زندگی در کنار ادیان دیگر چیست؟»، ۹.۱ درصد پاسخ‌دهندگان گزینه‌ی کاملاً مخالف، ۱۰.۷ درصد مخالف، ۲۱.۲ درصد نظری ندارم، ۴۵.۶ درصد موافق، و ۱۳.۱ کاملاً موافق را انتخاب کرده‌اند. ۰.۳ درصد هم از دست رفته است. به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۳۴ تن گزینه‌ی اول، ۴۰ تن گزینه‌ی دوم، ۷۹ تن گزینه‌ی سوم، ۱۷۰ تن گزینه‌ی چهارم، و ۴۹ تن گزینه‌ی پنجم را انتخاب کرده‌اند. یک پاسخ هم از دست رفته است.

نمودار ۳۱: زندگی در کنار ادیان دیگر



از این میان بیشترین موافقت در دانشگاه کابل و کمترین آن در دانشگاه ننگرهار بوده است:

جدول ۶۲: دانشگاه کابل؛ زندگی در کنار ادیان دیگر

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۷.۶٪
مخالف	۷.۰٪
نظری ندارم	۱۳.۴٪
موافق	۵۶.۱٪
کاملاً موافق	۱۵.۹٪
از دست رفته	۰.۰٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

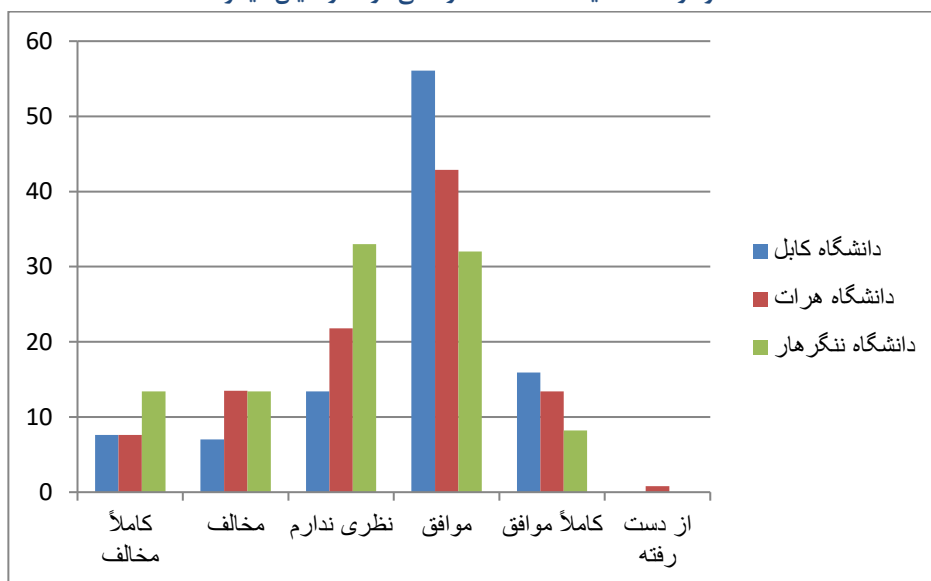
جدول ۶۳: دانشگاه هرات؛ زندگی در کنار ادیان دیگر

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۷.۶٪
مخالف	۱۳.۵٪
نظری ندارم	۲۱.۸٪
موافق	۴۲.۹٪
کاملاً موافق	۱۳.۴٪
از دست رفته	۰.۸٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

جدول ۶۴: دانشگاه ننگرهار؛ زندگی در کنار ادیان دیگر

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۱۳.۴٪
مخالف	۱۳.۴٪
نظری ندارم	۳۳.۰٪
موافق	۳۲.۰٪
کاملاً موافق	۸.۲٪
از دست رفته	۰.۰٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

نمودار ۳۲: تفکیک دانشگاه‌ها؛ زندگی در کنار ادیان دیگر

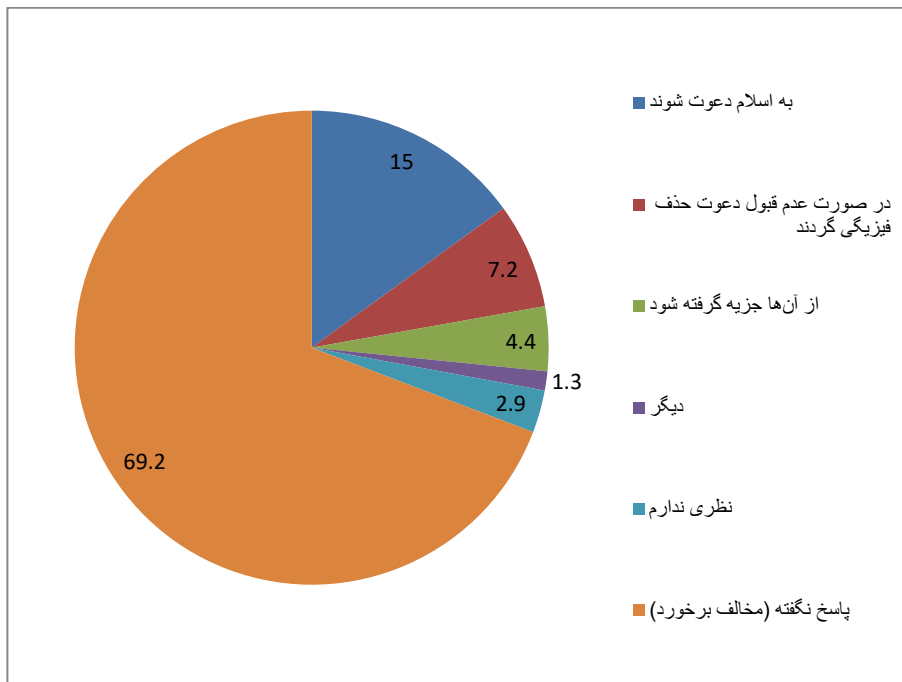


جدول ۶۵: برخورد با ادیان دیگر

درصد	گزینه‌ها
۱۵.۰٪	به اسلام دعوت شوند
۷.۲٪	به اسلام دعوت شوند و در صورت عدم قبول حذف فیزیکی گردند
۴.۴٪	از آنها جزیه گرفته شود
۱.۳٪	دیگر
۲.۹٪	نظری ندارم
۶۹.۲٪	پاسخ نگفته (مخالف برخورد)
۱۰۰.۰٪	مجموع

در پاسخ به پرسش «در صورت عدم امکان زندگی با ادیان دیگر، با پیروان آن ادیان چی رفتاری باید صورت گیرد؟»، انتخاب ۱۵ درصد به اسلام دعوت شوند، ۷.۲ درصد به اسلام دعوت شوند و در صورت عدم قبول دعوت حذف فیزیکی شوند، ۴.۴ درصد از آن‌ها جزیه گرفته شود، و ۱.۳ درصد دیگر، ۲.۹ درصد نظری ندارم بوده است. ۶۹.۲ درصد هم پاسخ نگفته و با برخورد مخالف بوده‌اند. به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۵۶ تن گزینه‌ی اول، ۲۷ تن گزینه‌ی دوم، ۱۶ تن گزینه‌ی سوم، ۵ تن گزینه‌ی چهارم، و ۱۱ تن گزینه‌ی پنجم را انتخاب کرده‌اند. ۲۵۸ تن هم پاسخ نگفته و به نحوی موافق زندگی در کنار ادیان دیگر و مخالف برخورد بوده‌اند (جدول ۶۱).

نمودار ۳۳ : برخورد با ادیان دیگر



از این میان بیشترین موافق برخورد در دانشگاه کابل و کمترین آن در دانشگاه هرات بوده است:

جدول ۶۶ : دانشگاه کابل؛ برخورد با ادیان دیگر

گزینه‌ها	درصد
به اسلام دعوت شوند	۱۷.۸٪
به اسلام دعوت شوند و در صورت عدم قبول حذف فیزیکی گردند	۵.۸٪
از آنها جزیه گرفته شود	۷.۷٪
دیگر	۲.۵٪
نظری ندارم	۵.۷٪
پاسخ نگفته (مخالف برخورد)	۶۰.۵٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

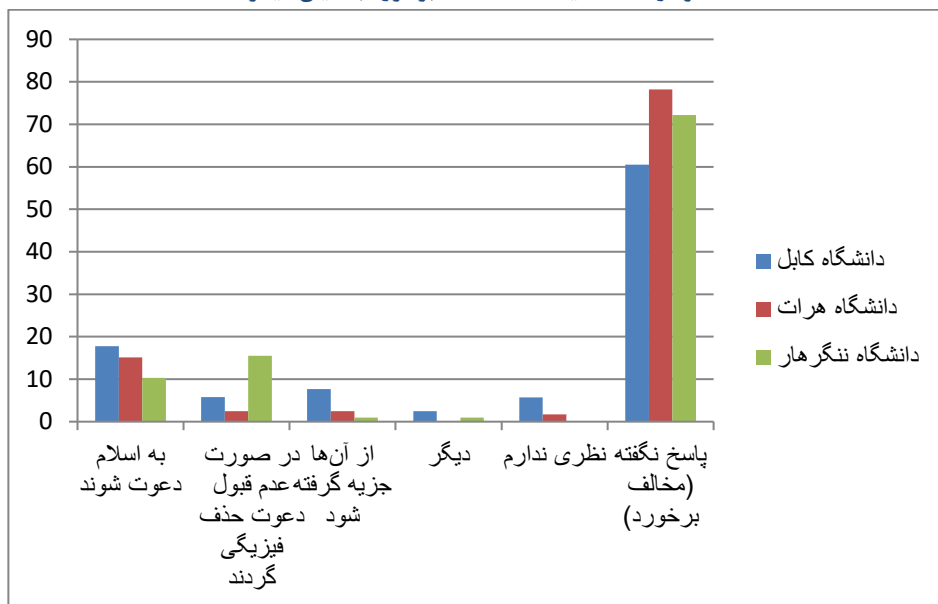
جدول ۶۷ : دانشگاه هرات: برخورد با ادیان دیگر

گزینه‌ها	درصد
به اسلام دعوت شوند	۱۵.۱٪
به اسلام دعوت شوند و در صورت عدم قبول حذف فیزیکی گردند	۲.۵٪
از آنها جزیه گرفته شود	۲.۵٪
دیگر	۰.۰٪
نظری ندارم	۱.۷٪
پاسخ نگفته(مخالف برخورد)	۷۸.۲٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

جدول ۶۸ : دانشگاه ننگرهار؛ برخورد با ادیان دیگر

گزینه‌ها	درصد
به اسلام دعوت شوند	۱۰.۳٪
به اسلام دعوت شوند و در صورت عدم قبول حذف فیزیکی گردند	۱۵.۵٪
از آنها جزیه گرفته شود	۱.۰٪
دیگر	۱.۰٪
نظری ندارم	۰.۰٪
پاسخ نگفته(مخالف برخورد)	۷۲.۲٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

نمودار ۳۴: تفکیک دانشگاه‌ها؛ برخورد با ادیان دیگر

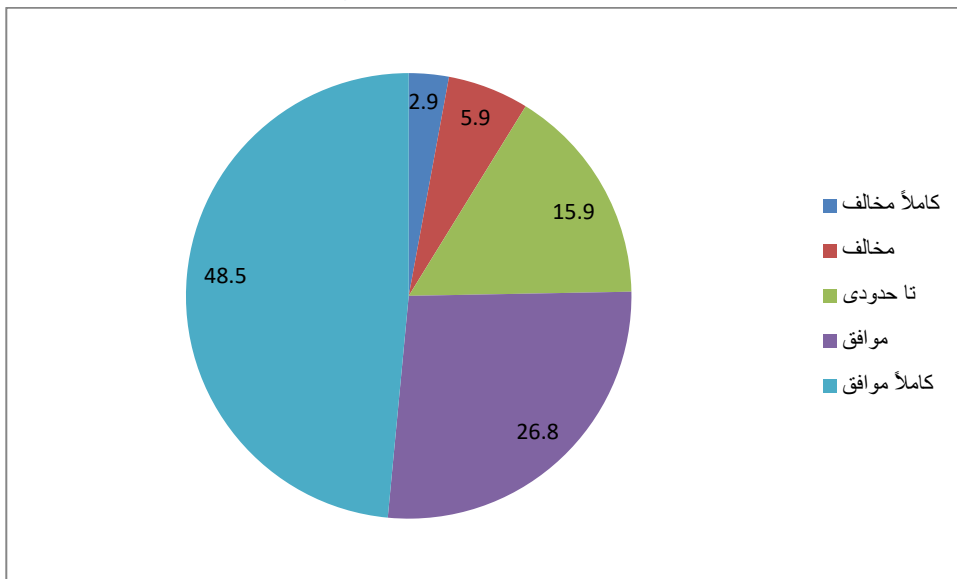


جدول ۶۹: موافقت و مخالفت با گسترش اسلام

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۲.۹٪
مخالف	۵.۹٪
تاحدودی	۱۵.۹٪
موافق	۲۶.۸٪
کاملاً موافق	۴۸.۵٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

در پاسخ به پرسش «شما چقدر اندازه با تلاش برای گسترش اسلام به کشورهای دیگر موافق هستید؟»، ۲.۹ درصد پاسخ‌دهندگان گزینه کاملاً مخالف، ۵.۹ درصد مخالف، ۱۵.۹ درصد تا حدودی، ۲۶.۸ درصد موافق، و ۴۸.۵ کاملاً موافق را انتخاب کرده‌اند. به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۱۱ تن گزینه اول، ۲۲ تن گزینه دوم، ۵۹ تن گزینه سوم، ۱۰۰ تن گزینه چهارم، و ۱۸۱ تن گزینه پنجم را انتخاب کرده‌اند.

نمودار ۳۵: موافقت و مخالفت با گسترش اسلام



از این میان بیشترین موافقت در دانشگاه هرات و کمترین آن در دانشگاه ننگرهار، و بیشترین مخالفت در دانشگاه کابل و کمترین آن در دانشگاه هرات بوده است:

جدول ۷۰: دانشگاه کابل؛ موافقت و مخالفت با گسترش اسلام

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۵.۷٪
مخالف	۷.۶٪
تا حدودی	۱۵.۳٪
موافق	۲۱.۷٪
کاملاً موافق	۴۹.۷٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

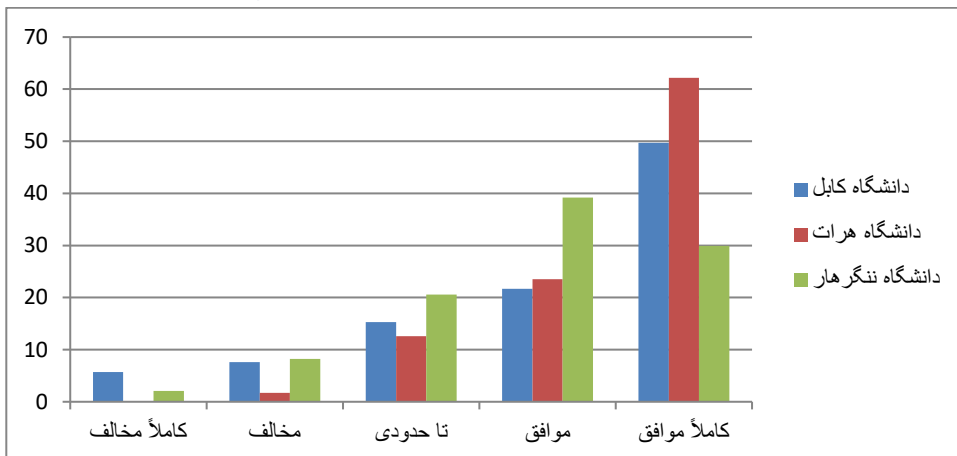
جدول ۷۱: دانشگاه هرات؛ موافقت و مخالفت با گسترش اسلام

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۰.۰٪
مخالف	۱.۷٪
تاحدودی	۱۲.۶٪
موافق	۲۳.۵٪
کاملاً موافق	۶۲.۲٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

جدول ۷۲: دانشگاه ننگرهار؛ موافقت و مخالفت با گسترش اسلام

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۲.۱٪
مخالف	۸.۲٪
تاحدودی	۲۰.۶٪
موافق	۳۹.۲٪
کاملاً موافق	۲۹.۹٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

نمودار ۳۶: تفکیک دانشگاه‌ها؛ موافقت و مخالفت با گسترش اسلام

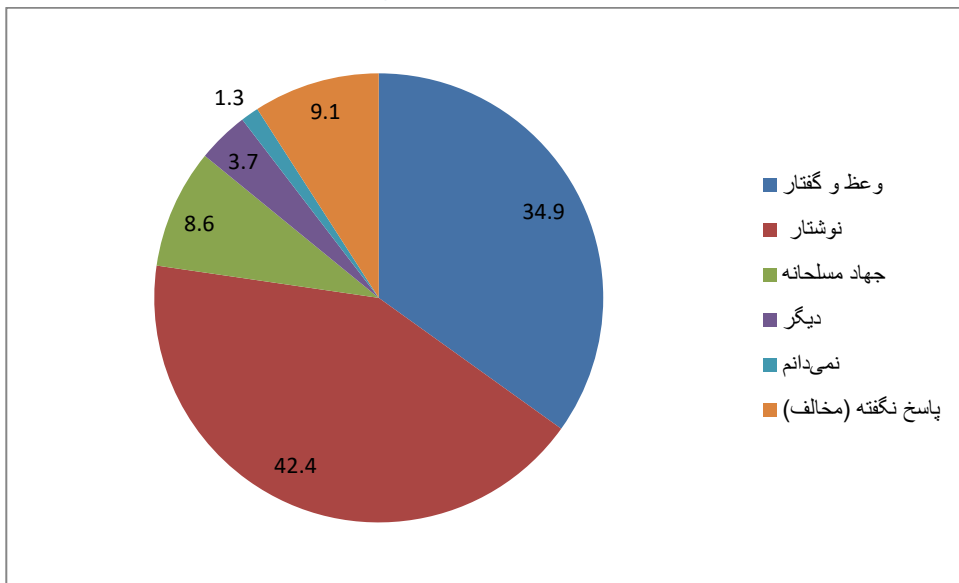


جدول ۷۳: راه/راه‌های گسترش اسلام

درصد	گزینه‌ها
۳۴.۹٪	وعظ و گفتار
۴۲.۴٪	نوشتار
۸.۶٪	جهاد مسلحانه
۳.۷٪	دیگر
۱.۳٪	نمی‌دانم
۹.۱٪	پاسخ نگفته(مخالف)
۱۰۰.۰٪	مجموع

در پاسخ به پرسش «اگر موافق گسترش اسلام به کشورهای دیگر هستید، از چی راهی/راه‌های باید اسلام را گسترش داد؟»، انتخاب ۳۴.۹ درصد پاسخ‌دهندگان وعظ و گفتار، ۴۲.۴ نوشتار، ۶.۵ درصد زور، ۸.۶ درصد جهاد مسلحانه، ۳.۷ درصد دیگر، و ۱.۳ درصد نمی‌دانم بوده است. ۹.۱ درصد هم پاسخ نگفته‌اند و مخالف بوده‌اند. به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۱۳۰ تن گزینه‌ی اول، ۱۵۸ تن گزینه‌ی دوم، ۳۲ تن گزینه‌ی سوم، ۱۴ تن گزینه‌ی چهارم، و ۵ تن گزینه‌ی پنجم را انتخاب کرده‌اند. ۳۴ تن دیگر پاسخ نگفته و مخالف گسترش اسلام بوده‌اند.

نمودار ۳۷: راه/راه‌های گسترش اسلام



از این میان بیشترین انتخاب جهاد مسلحانه در دانشگاه کابل و کمترین آن در دانشگاه هرات بوده است:

جدول ۷۴: دانشگاه کابل؛ راه/راه‌های گسترش اسلام

گزینه‌ها	درصد
و عظ و گفتار	۲۳.۶٪
نوشتار	۴۲.۰٪
جهد مسلحانه	۹.۶٪
دیگر	۸.۹٪
نمی‌دانم	۱.۹٪
پاسخ نگفته (مخالف)	۱۴.۰٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

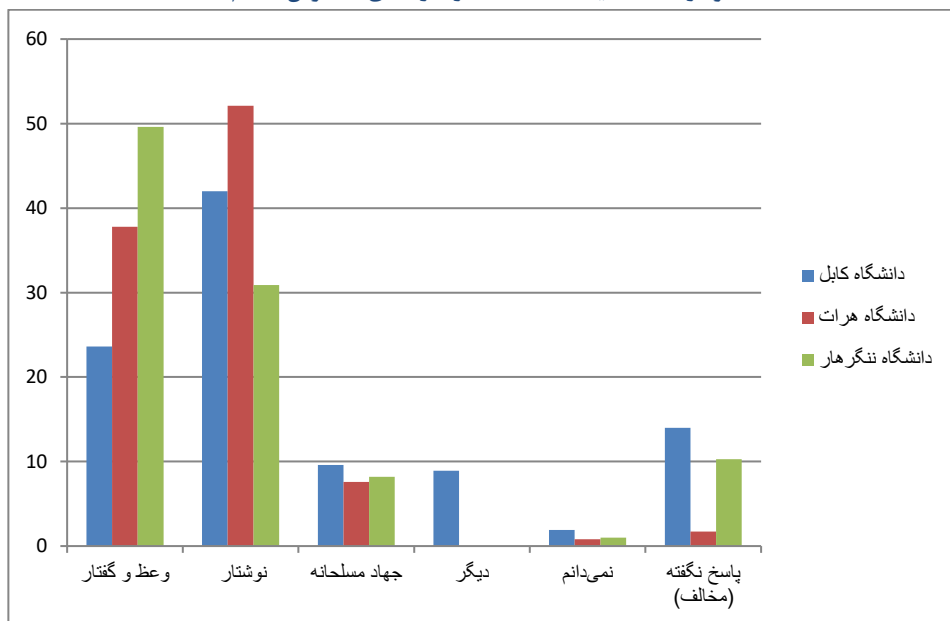
جدول ۷۵: دانشگاه هرات؛ راه/راه‌های گسترش اسلام

گزینه‌ها	درصد
وعظ و گفتار	۳۷.۸٪
نوشتار	۵۲.۱٪
جهاد مسلحانه	۷.۶٪
دیگر	۰.۰٪
نمی‌دانم	۰.۸٪
پاسخ نگفته (مخالف)	۱.۷٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

جدول ۷۶: دانشگاه ننگرهار؛ راه/راه‌های گسترش اسلام

گزینه‌ها	درصد
وعظ و گفتار	۴۹.۶٪
نوشتار	۳۰.۹٪
جهاد مسلحانه	۸.۳٪
دیگر	۰.۰٪
نمی‌دانم	۱.۰٪
پاسخ نگفته (مخالف)	۱۰.۳٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

نمودار ۳۸: تفکیک دانشگاه‌ها؛ راه/راه‌های گسترش اسلام

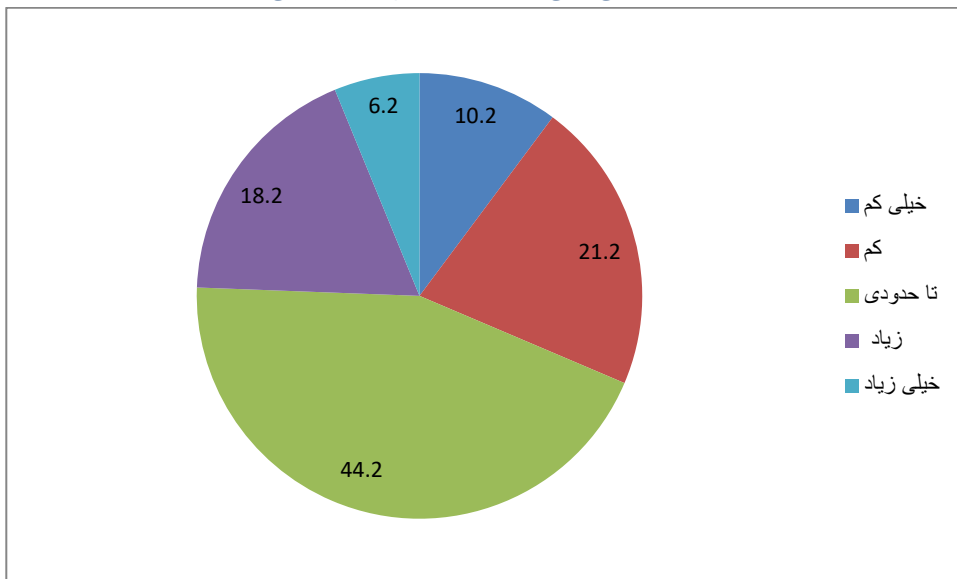


جدول ۷۷: آشنایی قبلی با مباحث مضمون نظام سیاسی اسلام

گزینه‌ها	درصد
خیلی کم	۱۰.۲٪
کم	۲۱.۳٪
تا حدودی	۴۴.۲٪
زیاد	۱۸.۲٪
خیلی زیاد	۶.۲٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

در پاسخ به پرسش «چی اندازه با مباحثی که در مضمون نظام سیاسی اسلام فرا گرفتید، از قبل آشنا بودید؟»، انتخاب ۱۰.۲ درصد پاسخ‌دهندگان گزینه‌ی خیلی کم، ۲۱.۲ گزینه‌ی کم، ۴۴.۲ درصد تا حدودی، ۱۸.۲ درصد زیاد، و ۶.۲ درصد خیلی زیاد بوده است. به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۳۸ تن گزینه‌ی اول، ۷۹ تن گزینه‌ی دوم، ۱۶۵ تن گزینه‌ی سوم، ۶۸ تن گزینه‌ی چهارم، و ۲۳ تن گزینه‌ی پنجم را انتخاب کرده‌اند.

نمودار ۳۹: آشنایی قبلی با مباحث مضمون نظام سیاسی اسلام



از این میان بیشترین آشنایی در دانشگاه کابل و کمترین آن در دانشگاه ننگرهار بوده است:

جدول ۷۸: دانشگاه کابل؛ آشنایی قبلی با مباحث مضمون نظام سیاسی اسلام

گزینه‌ها	درصد
خیلی کم	۵.۷٪
کم	۱۴.۰٪
تا حدودی	۵۲.۲٪
زیاد	۱۸.۵٪
خیلی زیاد	۹.۶٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

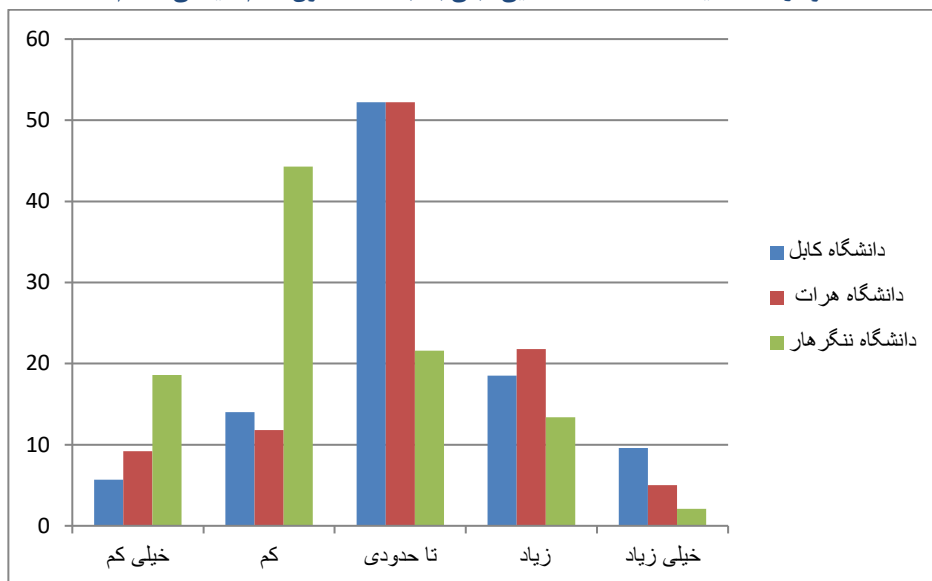
جدول ۷۹: دانشگاه هرات؛ آشنایی قبلی با مباحث مضمون نظام سیاسی اسلام

درصد	گزینه‌ها
۹.۲٪	خیلی کم
۱۱.۸٪	کم
۵۲.۲٪	تا حدودی
۲۱.۸٪	زیاد
۵.۰٪	خیلی زیاد
۱۰۰.۰٪	مجموع

جدول ۸۰: دانشگاه ننگرهار؛ آشنایی قبلی با مباحث مضمون نظام سیاسی اسلام

درصد	گزینه‌ها
۱۸.۶٪	خیلی کم
۴۴.۳٪	کم
۲۱.۶٪	تا حدودی
۱۳.۴٪	زیاد
۲.۱٪	خیلی زیاد
۱۰۰.۰٪	مجموع

نمودار ۴۰: تفکیک دانشگاه‌ها؛ آشنایی قبلی با مباحث مضمون نظام سیاسی اسلام

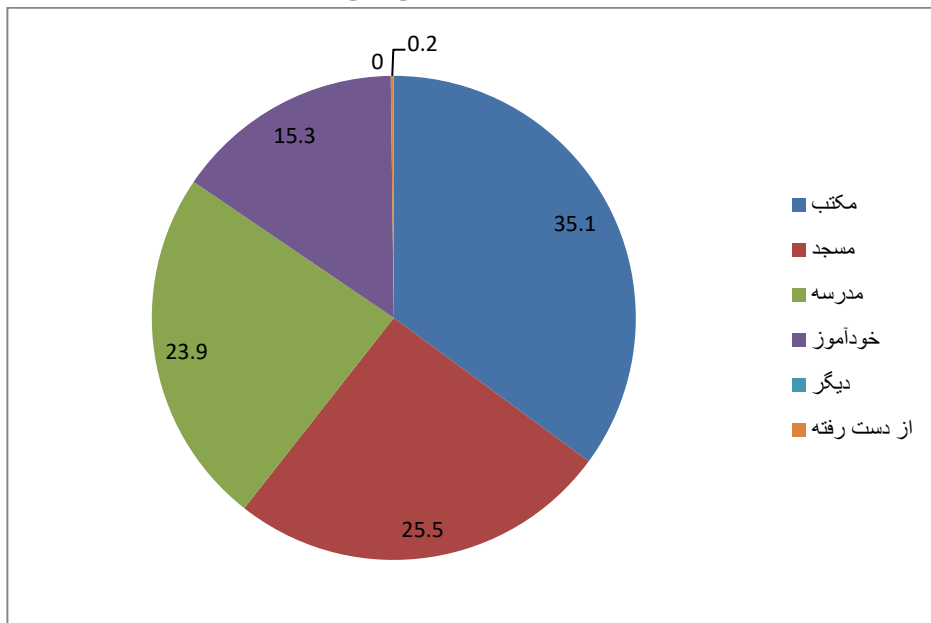


جدول ۸۱: نهاد آشنایی قبلی

گزینه‌ها	درصد
مکتب	۳۵.۱٪
مسجد	۲۵.۵٪
مدرسه	۲۳.۹٪
خودآموز	۱۵.۳٪
دیگر	۰.۰٪
از دست رفته	۰.۲٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

در پاسخ به پرسش «اگر از قبل آشنا بودید، با این مباحث در کجا آشنا شدید؟»، انتخاب ۳۵.۱ درصد پاسخ‌دهندگان مکتب، ۲۵.۵ درصد مسجد، ۲۳.۹ درصد مدرسه، و ۱۵.۳ درصد خودآموز بوده است. ۰.۲ درصد هم از دست رفته است. به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۱۳۱ تن گزینه‌ی اول، ۹۵ تن گزینه‌ی دوم، ۸۹ تن گزینه‌ی سوم، و ۵۷ تن گزینه‌ی چهارم را انتخاب کرده‌اند. یک پاسخ هم از دست رفته است.

نمودار ۴۱: نهاد آشنایی قبلی

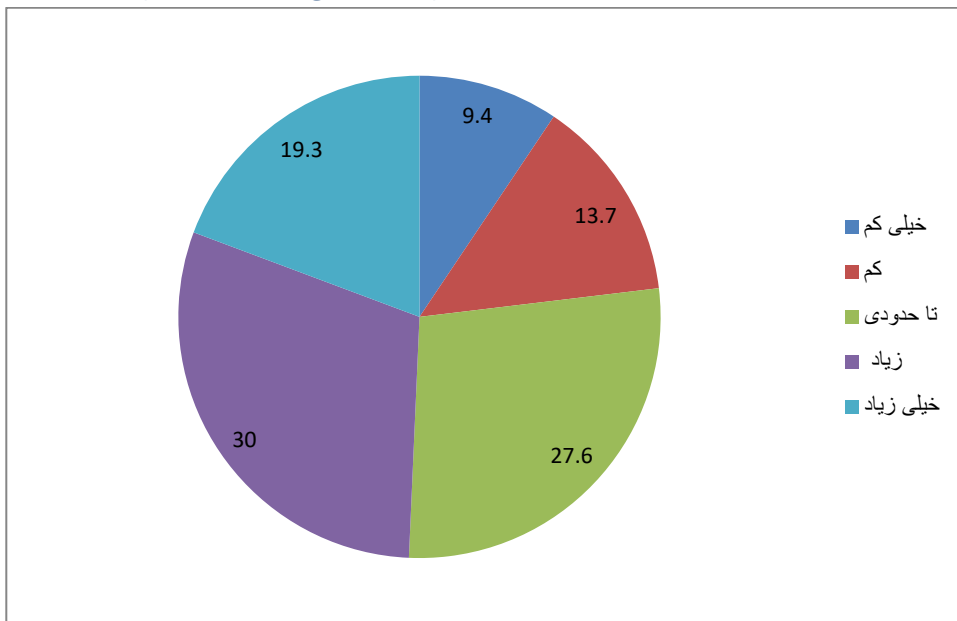


جدول ۸۲: موافقت با تطبیق آموزه‌های مضمون نظام سیاسی اسلام قبل از درس

گزینه‌ها	درصد
خیلی کم	۹.۴٪
کم	۱۳.۷٪
تا حدودی	۲۷.۶٪
زیاد	۳۰.۰٪
خیلی زیاد	۱۹.۳٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

در پاسخ به پرسش «شما چقدر اندازه قبل از مطالعه‌ی مضمون نظام سیاسی اسلام با تطبیق آن موافق بودید؟»، انتخاب ۹.۴ درصد پاسخ‌دهندگان گزینه‌ی خیلی کم، ۱۳.۷ گزینه‌ی کم، ۲۷.۶ درصد تا حدودی، ۳۰ درصد زیاد، و ۱۹.۳ درصد خیلی زیاد بوده است. به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۳۵ تن گزینه‌ی اول، ۵۱ تن گزینه‌ی دوم، ۱۰۳ تن گزینه‌ی سوم، ۱۱۲ تن گزینه‌ی چهارم، و ۷۲ تن گزینه‌ی پنجم را انتخاب کرده‌اند.

نمودار ۴۲: موافقت با تطبیق آموزه‌های مضمون نظام سیاسی اسلام قبل از درس



از این میان بیشترین موافقت در دانشگاه هرات و کمترین آن در دانشگاه ننگرهار بوده است:

جدول ۸۳: دانشگاه کابل؛ موافقت با تطبیق آموزه‌های مضمون نظام سیاسی اسلام قبل از درس

گزینه‌ها	درصد
خیلی کم	۹.۶٪
کم	۱۳.۴٪
تا حدودی	۲۹.۳٪
زیاد	۲۶.۷٪
خیلی زیاد	۲۱.۰٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

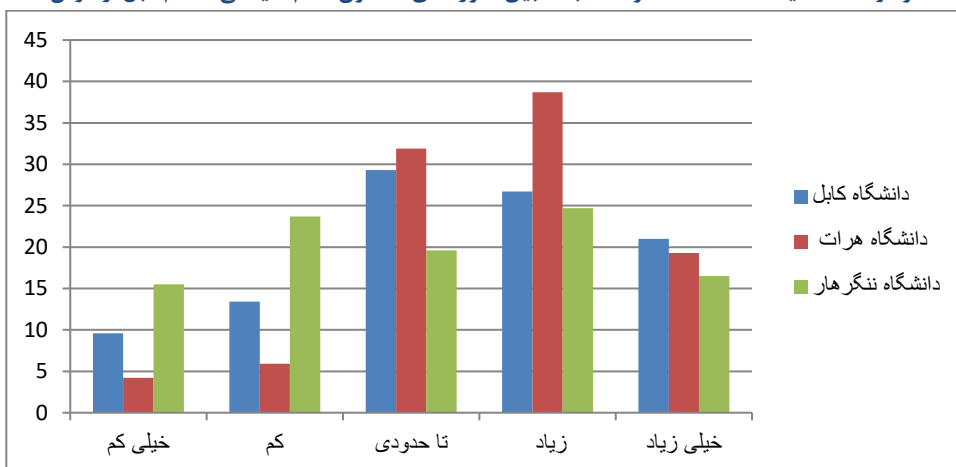
جدول ۸۴: دانشگاه هرات؛ موافقت با تطبیق آموزه‌های مضمون نظام سیاسی اسلام قبل از درس

گزینه‌ها	درصد
خیلی کم	۴.۲٪
کم	۵.۹٪
تا حدودی	۳۱.۹٪
زیاد	۳۸.۷٪
خیلی زیاد	۱۹.۳٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

جدول ۸۵: دانشگاه ننگرهار؛ موافقت با تطبیق آموزه‌های مضمون نظام سیاسی اسلام قبل از درس

گزینه‌ها	درصد
خیلی کم	۱۵.۵٪
کم	۲۳.۷٪
تا حدودی	۱۹.۶٪
زیاد	۲۴.۷٪
خیلی زیاد	۱۶.۵٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

نمودار ۴۳: تفکیک دانشگاه‌ها؛ موافقت با تطبیق آموزه‌های مضمون نظام سیاسی اسلام قبل از درس

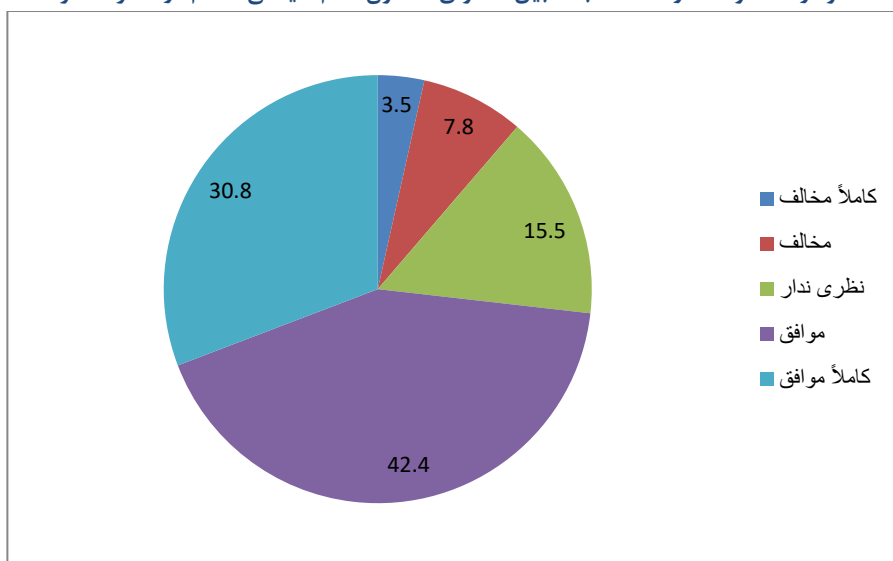


جدول ۸۶: موافقت و مخالفت با تطبیق محتوای مضمون نظام سیاسی اسلام در عصر حاضر

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۳.۵٪
مخالف	۷.۸٪
تاحدودی	۱۵.۵٪
موافق	۴۲.۴٪
کاملاً موافق	۳۰.۸٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

در پاسخ به پرسش «نظر شما در مورد تطبیق محتوای مضمون نظام سیاسی اسلام در عصر حاضر چیست؟» ۳.۵ درصد پاسخ‌دهندگان گزینه‌ی کاملاً مخالف، ۷.۸ درصد مخالف، ۱۵.۵ درصد نظری ندارم، ۴۲.۴ درصد موافق، و ۳۰.۸ کاملاً موافق را انتخاب کرده‌اند. به بیان دیگر، از ۳۷۳ پاسخ‌دهنده ۱۳ تن گزینه‌ی اول، ۲۹ تن گزینه‌ی دوم، ۵۸ تن گزینه‌ی سوم، ۱۵۸ تن گزینه‌ی چهارم، و ۱۱۵ تن گزینه‌ی پنجم را انتخاب کرده‌اند.

نمودار ۴۴: موافقت و مخالفت با تطبیق محتوای مضمون نظام سیاسی اسلام در عصر حاضر



از این میان بیشترین موافقت در دانشگاه هرات و کمترین آن در دانشگاه کابل بوده است:
 جدول ۸۷: دانشگاه کابل؛ موافقت و مخالفت با تطبیق محتوای مضمون نظام سیاسی اسلام در عصر حاضر

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۷.۰٪
مخالف	۱۱.۵٪
تاحدودی	۱۵.۹٪
موافق	۳۷.۶٪
کاملاً موافق	۲۸.۰٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

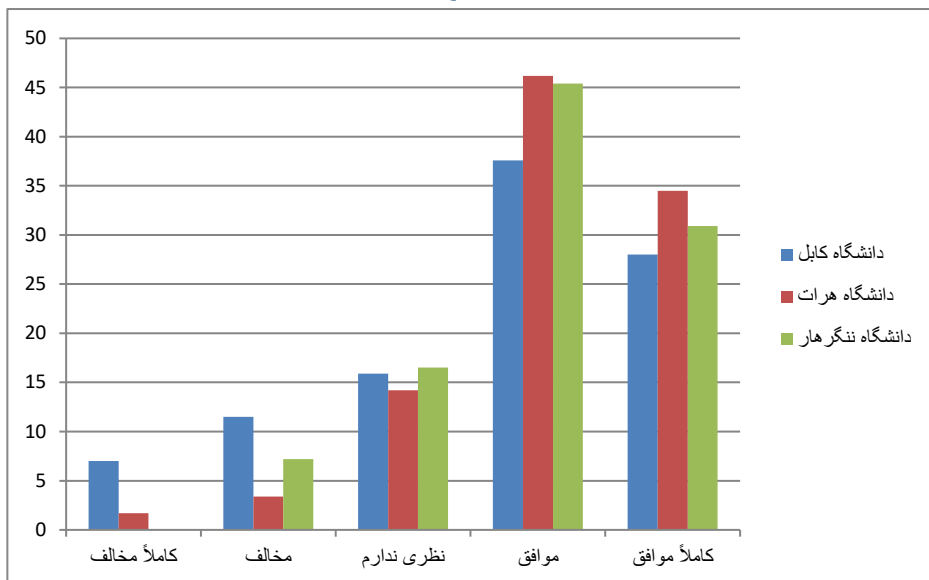
جدول ۸۸: دانشگاه هرات؛ موافقت و مخالفت با تطبیق محتوای مضمون نظام سیاسی اسلام در عصر حاضر

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۱.۷٪
مخالف	۳.۴٪
تاحدودی	۱۴.۲٪
موافق	۴۶.۳٪
کاملاً موافق	۳۴.۵٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

جدول ۸۹: دانشگاه ننگرهار؛ موافقت و مخالفت با تطبیق محتوای مضمون نظام سیاسی اسلام در عصر حاضر

گزینه‌ها	درصد
کاملاً مخالف	۰.۰٪
مخالف	۷.۲٪
تاحدودی	۱۶.۵٪
موافق	۴۵.۴٪
کاملاً موافق	۳۰.۹٪
مجموع	۱۰۰.۰٪

نمودار ۴۵: تفکیک دانشگاه‌ها؛ موافقت و مخالفت با تطبیق محتوای مضمون نظام سیاسی اسلام در عصر حاضر



ضمیمه ۲: پرسشنامه

- نکته‌هایی که پرسشگران باید بخاطر داشته باشند: لطفاً مصاحبه را با توضیح موارد ذیل آغاز کنید:
- غرض از انجام این مصاحبه کسب اطلاعات برای نگارش تحقیقی علمی پیرامون دیدگاه‌های دانشجویان/محصّلین سال سوم دانشگاه راجع به تاثیرات مضمون نظام سیاسی اسلام بر روند افراطی شدن محصلین است.
 - این مصاحبه کاملاً محرمانه است و در گزارش نهایی از کسانی که با آنها مصاحبه صورت می‌گیرد، هیچ نامی ذکر نمی‌شود.
 - از آن جایی که برخی از سوالات مرتبط بهم‌اند، ترجیحاً یک‌بار سوالات تا آخر مرور گردیده و بعد پاسخ داده شود.
 - گروه تحقیق از شما خواهشمند است به سوالات با دقت و صداقت تمام پاسخ دهید.
 - در بخش پاسخ‌ها، لطفاً در محل تعیین شده علامت بزنیید و یا دور جواب انتخاب شده، خط بکشید.

پرسش‌ها	
۱۱	به نظر شما، آیا دین اسلام دارای نظام سیاسی است؟ ۱. بلی ۲. نخیر ۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ
۱ب	اگر اسلام دارای نظام سیاسی است، به نظر شما کدام نظام سیاسی زیر اسلامی است؟ ۱. جمهوری ۲. امارت ۳. خلافت ۴. ولایت فقیه ۵. دیگر () ۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ
۱۲	به نظر شما، آیا نظام سیاسی افغانستان اسلامی است؟ ۱. بلی ۲. تا حدودی ۳. نخیر ۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ
۲ب	اگر نظام سیاسی افغانستان اسلامی نیست، آیا موافق تغییر نظام سیاسی افغانستان استید؟ به کدام نظام؟ ۱. بلی، به خلافت ۲. بلی، به امارت ۳. بلی، به ولایت فقیه ۴. بلی، به دیگر () ۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ
۱۳	آیا با تطبیق «امر به معروف و نهی از منکر» موافق استید؟ ۱. کاملاً موافق ۲. موافق ۳. مطمئن نیستم ۳. مخالف ۴. کاملاً مخالف ۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ
۳ب	اگر با تطبیق امر به معروف و نهی از منکر موافق هستید، از چی راهی/راه‌های باید «امر به معروف و نهی از منکر» انجام شود؟ ۱. وعظ و گفتار ۲. نوشتار (روزنامه، مجله، شبکه‌های اجتماعی) ۳. زور ۴. دیگر ۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ

ج ۳	<p>کدام گروه را تطبیق کننده‌ی آموزه‌ی «امر به معروف و نهی از منکر» می‌دانید؟</p> <p>۱. اخوان المسلمین/جمعیت اصلاح ۲. حزب التحریر ۳. طالبان ۴. داعش ۵. دولت ۶. گروه دیگری ()</p> <p>۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ</p>
أ ۴	<p>آیا در جریان درس مضمون «نظام سیاسی اسلام» بر دین اسلام، به عنوان بهترین دین که باید احکام آن در تمام حوزه‌های زندگی انسان تطبیق شود، تأکید صورت می‌گرفت؟</p> <p>۱. بلی ۲. تا حدودی ۲. نخیر</p> <p>۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ</p>
ب ۴	<p>شما چی اندازه با سوال بالا - اسلام به عنوان بهترین دین که باید آموزه‌های آن در تمام حوزه‌هایی زندگی تطبیق شود - موافق استید؟</p> <p>۱. کاملاً موافق ۲. موافق ۳. مطمئن نیستم ۴. مخالف ۵. کاملاً مخالف</p> <p>۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ</p>
أ ۵	<p>آیا در جریان درس مضمون «نظام سیاسی اسلام» صدر اسلام (خلافت اسلامی) به عنوان الگویی حکومت‌داری خوب، که باید دوباره ایجاد گردد، معرفی می‌گردید؟</p> <p>۱. بلی ۲. تا حدودی ۳. نخیر</p> <p>۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ</p>
ب ۵	<p>شما چی اندازه با ایجاد دوباره‌ی خلافت اسلامی موافق استید؟</p> <p>۱. کاملاً موافق ۲. موافق ۳. مطمئن نیستم ۴. مخالف ۵. کاملاً مخالف</p> <p>۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ</p>
ج ۵	<p>اگر شما موافق ایجاد دوباره‌ی خلافت اسلامی هستید، کدام گروه یا حکومت را در زمان حال نماینده یا هدف‌دار آن می‌دانید؟</p> <p>۱. اخوان المسلمین/جمعیت اصلاح ۲. حزب التحریر ۳. طالبان ۴. داعش ۵. گروه یا حکومت دیگر ()</p> <p>۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ</p>
أ ۶	<p>شما چی اندازه به وجود قرائت‌های مختلف از دین اسلام-مثل گروه‌های دینی و جریان‌های روشنفکری دینی- موافق استید؟</p> <p>۱. کاملاً موافق ۲. موافق ۳. مطمئن نیستم ۴. مخالف ۵. کاملاً مخالف</p> <p>۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ</p>
ب ۶	<p>اگر شما موافق وجود قرائت‌های مختلف از دین نیستید، با قرائت‌های دیگر چی باید کرد؟ اگر مثبت است، بروید به سوال بعدی.</p> <p>۱. به وحدت قرائت دعوت شوند ۲. بر علیه آنها تبلیغات شود ۳. حذف فیزیکی شوند ۴. دیگر ()</p> <p>۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ</p>

۷	به نظر شما، آیا اسلام کامل‌ترین دینی است که باید همه پیرو آن باشند؟ ۱. بلی ۲. تاحدودی ۳. نخیر ۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ
۸أ	نظر شما در مورد زندگی در کنار ادیان دیگر چیست؟ ۱. کاملاً موافق ۲. موافق ۳. مطمئن نیستم ۴. مخالف ۵. کاملاً مخالف ۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ
۸ب	در صورت عدم امکان زندگی با ادیان دیگر، با پیروان آن ادیان چه رفتاری باید صورت گیرد؟ ۱. به اسلام دعوت شوند ۲. به اسلام دعوت شوند و در صورت عدم قبول دعوت، حذف فیزیکی گردند ۳. از آنها جزیه گرفته شود ۴. دیگر () ۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ
۹أ	شما چی اندازه به تلاش برای گسترش اسلام به کشورهای دیگر موافق هستید؟ ۱. کاملاً موافق ۲. موافق ۳. مطمئن نیستم ۴. مخالف ۵. کاملاً مخالف ۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ
۹ب	اگر موافق گسترش اسلام به کشورهای دیگر هستید، از چی راهی/راه‌های باید اسلام را گسترش داد؟ ۱. وعظ و گفتار ۲. نوشتار(سایت‌ها، شبکه‌های اجتماعی) ۳. جهاد مسلحانه دیگر () ۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ
۱۰أ	چی اندازه با مباحثی که در مضمون «نظام سیاسی اسلام» فرا گرفتید، از قبل آشنا بودید؟ ۱. کاملاً زیاد ۲. زیاد ۳. به خاطر ندارم ۴. کم ۵. خیلی کم ۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ
۱۰ب	اگر از قبل آشنا بودید، با این مباحث در کجا آشنا شدید؟ ۱. مکتب ۲. مسجد ۳. مدرسه ۴. مطالعه فردی ۵. دیگر () ۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ
۱۰ج	شما چی اندازه قبل از مطالعه مضمون «نظام سیاسی اسلام» با تطبیق آن موافق بودید؟ ۱. کاملاً موافق ۲. موافق ۳. به خاطر ندارم ۴. مخالف ۵. کاملاً مخالف ۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ
۱۰د	نظر شما در مورد تطبیق محتوای مضمون «نظام سیاسی اسلام» در عصر حاضر چیست؟ ۱. کاملاً موافق ۲. موافق ۳. به خاطر ندارم ۴. مخالف ۵. کاملاً مخالف ۹۹. نمی‌دانم ۸۸. عدم پاسخ

پاسخ‌های اداری

سوال	مشخصات	پاسخ‌ها
۱	شماره پرسشنامه	
۲	نام پرسشگر	
۳	تاریخ مصاحبه	
۴	نام دانشگاه	کابل
		ننگرهار
		هرات
۵	رشته	علوم ساینسی ^۵
		علوم بشری ^۶
		علوم اجتماعی ^۷

معلومات عمومی مصاحبه شونده

شماره	مشخصات	پاسخ‌ها
۱	جنسیت	مرد زن
۲	مذهب	حنفی جعفری دیگر
۳	محل رشد و پرورش	شهر قریه
۴	قومیت	پشتون تاجیک هزاره ازبیک ترکمن دیگران
۵	عضویت در نهاد	حزب سیاسی انجمن دینی انجمن فرهنگی و اجتماعی نهادهای جامعه مدنی دیگر هیچ‌کدام نمی‌دانم عدم پاسخ

^۵. ریاضیات، انجینری، زراعت، کامپیوتر ساینس و...

^۶. رشته‌های ادبیات، هنر، فلسفه، تاریخ و...

^۷. رشته‌های جامعه شناسی، حقوق، خبرنگاری، اقتصاد، تعلیم و تربیه و...

منابع

آقابخشی، علی و افشاری‌راد، مینو (۱۳۸۶). **فرهنگ علوم سیاسی**، چاپ دوم، ویرایش ششم، تهران: چاپار

دیویس، چارلز (۱۳۸۷) **دین و ساختن جامعه جستارهایی در الهیات اجتماعی**،

مترجمان: حسن محدثی و حسین باب الحوائجی، تهران: نشر یادآوران

رحمانی، محمد شریف (۱۳۸۹). **اسلامی سیاست پوهنه**، ناشر: جمعیت اصلاح و انکشاف

اجتماعی افغانستان

ساعی، احمد. حقیقی، علی محمد. مقدس، محمود (۱۳۹۰). **بررسی نقش مدرنیسم در شکل**

گیری رادیکالیسم اسلامی: مطالعه موردی مصر. فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم،

شماره ۱۱

صمیم، عبدالمجید (۱۳۹۶). **نظام سیاسی اسلام**، هرات: انتشارات قدس

طلوعی، محمود (۱۳۸۵). **فرهنگ جامع سیاسی**، چاپ سوم، ویرایش جدید. تهران: نشر علم

غلامی، نجفعلی (۱۳۹۳). **بنیادگرایی**، تهران: نشر کانون اندیشه جوان

میراحمدی، منصور و مهربان، احمد (۱۳۸۷). **ایدئولوژی سید قطب و اسلام رادیکال**، پژوهشنامه

علوم سیاسی، سال چهارم، شماره اول، صص ۲۱۲-۱۷۵، تهران

مسلمیار، مبشر (۱۳۹۶). **نظام سیاسی اسلام**، چاپ دوم، کابل: تمدن شرق

سایت رسمی دیپارتمنت ثقافت اسلامی دانشکده شرعیات دانشگاه کابل، حوت ۱۳۹۷:

<http://www.saqafat.af>

McLaughlin, Paul (2012). **Radicalism: A Philosophical Study**, London Palgrave Macmillan

SaidHassan, Gubara (2013). **Radical Islam/ Islamic Radicalism: Towards a Theoretical Framing** ResearchGate, January.

https://www.researchgate.net/publication/266030514_Radical_Islam

[Islamic Radicalism Towards a Theoretical Framing](#)

مصاحبه‌ها

سادات، صفت‌الله. (استاد در دانشگاه) ننگرهار ۲ قوس ۱۳۹۷

فقیه، عبدالجلیل. (استاد در دانشگاه) کابل، ۱۶ سنبله ۱۳۹۷

مبشر، مسلمیار. (استاد در دانشگاه) کابل، ۲۰ سنبله ۱۳۹۷

ناشناس -نخواستہ نامش برده شود. (استاد در دانشگاه) هرات، ۱۳ عقرب ۱۳۹۷

نوینی، عبدالوهاب. (استاد در دانشگاه) هرات، ۱۶ عقرب ۱۳۹۷

وقار، دل آقا. (استاد در دانشگاه) ننگرهار، ۲ قوس ۱۳۹۷

هروی، سیدجمال‌الدین. (استاد در دانشگاه) هرات، ۲۳ میزان ۱۳۹۷

هروی، فرید احمد. (استاد در دانشگاه) کابل، ۲۰ سنبله ۱۳۹۷

رامین کمانگر (نویسنده)

آقای کمانگر آمر دیپارتمنت علوم سیاسی دانشگاه دنیا-کابل و پژوهشگر انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان است. او کارشناسی ارشد علوم سیاسی دارد و از سال ۱۳۹۴ فعالیت دانشگاهی داشته است.

شماره تماس: ۰۷۸۸۵۴۰۱۹۷ (+۹۳)

ایمیل: kamangar151@gmail.com

صفی الله طاها (دستیار پژوهشگر)

آقای طاها تعلیمات ثانوی خود را در لیسه سلطان غیاث الدین غوری هرات به اتمام رسانده است، لیسانس علوم سیاسی از دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه قاهره دارد. او قبل از این، در تحقیق‌های «قانون اساسی و جامعه در حال گذار افغانستان» و «بررسی گفتگوهای صلح در چهار دهه گذشته» کار کرده است. در حال حاضر، وی مشغول کار بر روی پایان‌نامه خود در مقطع ماستری در دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه قاهره است.

شماره تماس: ۰۷۸۰۳۲۷۷۵۹ (+۹۳)

ایمیل: safiullah.taha@gmail.com/staha@aiss.af



انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان
Afghan Institute for Strategic Studies

راډیکالېسم ۵

ISBN 978-9936-8070-6-8



9 789936 807068



@AISS_Afg



www.facebook.com/AISSAfghanistan



https://t.me/AISS_Afg



www.aiss.af



contact@aiss.af



+۹۳ ۷۹۹۸۴۰۱۶۱